

کتاب معلّم
(راهنمای تدریس)

پیام های آسمان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تعلیم و تربیت اسلامی

پایه نهم

دوره اول متوسطه

۱۳۹۴



وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب :	کتاب معلم پیام‌های آسمان پایه نهم دوره اول متوسطه - ۹۵
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	پرویز آزادی، طیبه بیدختی، فاطمه حسین دوست، فریبا خدادادی، سید محمد دلبری، یاسین شکرانی (اعضای گروه تألیف)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - سید علی موسوی (طراح گرافیک) - آذر روستایی فیروزآباد (صفحه‌آرا) - کبری اجابتی، علی نجمی، شاداب ارشادی، سپیده ملک‌ایزدی، ناهید خیام‌بانشی، مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان :	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ اول ۱۳۹۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکسبرداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۹-۲۴۶۱-۰۵-۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۶۱-۹

ISBN 978-964-05-2461-9



مقام معظم رهبری:

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود.

فهرست

فصل اول : کلیات	۱
۱- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه	۱
۲- مفاهیم اساسی	۲
۳- اهداف، محورها و مفاهیم	۳
۴- تحلیل اجزای درس‌ها	۶
۵- رویکردهای جدید در کتاب‌های پیام‌های آسمان	۸
۶- ارزشیابی	۹
۷- روش‌ها و فنون یاددهی - یادگیری	۱۷
۸- استفاده از بسته آموزشی	۲۲
فصل دوم : یاددهی و یادگیری هر درس	۲۳
درس اول : تو را چگونه بشناسیم؟	۲۴
درس دوم : در پناه ایمان	۳۹
درس سوم : دین راستین	۴۹
درس چهارم : راهنمایان الهی	۵۸
درس پنجم : آخرین پیامبر و آخرین پیام	۶۷
درس ششم : خورشید پنهان	۷۶
درس هفتم : رهبری در عصر غیبت	۸۷
درس هشتم : وضو و تیمم	۹۳
درس نهم : مُبَطَّلَات نماز	۹۸
درس دهم : همدلی و همراهی	۱۰۲
درس یازدهم : مسئولیت همگانی	۱۱۱
درس دوازدهم : انفاق	۱۲۱
درس سیزدهم : انقلاب اسلامی ایران	۱۳۳
درس چهاردهم : جهاد	۱۳۸



۱- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه
اصول حاکم بر برنامه درسی دینی، دو دسته‌اند، اصولی که بیشتر به درس دینی اختصاص دارند و کاربرد اصلی آنها مربوط به این درس است و اصولی که عام و فراگیر هستند.
الف) اصول خاص: برنامه درس تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه براساس اصول ذیل طراحی شده است^۱:

- ۱- محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات الله علیهم
- ۲- تنظیم محتوا در جهت تبیین برنامه نظری و عملی زندگی دینی در دنیای امروز
- ۳- توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی
- ۴- ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب

۱- بسط و تفصیل این مطالب در راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه آمده است.

- ۵- فراهم کردن فرصت تجربه و تأمل با خود
 - ۶- ترسیم سیمای معقول و زیبای دین
 - ۷- پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین
 - ۸- ارائه برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی
 - ۹- ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب
 - ۱۰- سمت‌گیری برنامه درسی در جهت وحدت اسلامی
 - ۱۱- حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش
 - ۱۲- بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین
 - ۱۳- توجه به نیازها و ویژگی‌های دختران و پسران
 - ۱۴- تقویت احساس نیاز به دین
 - ۱۵- توجه به آموزش‌های خاص اهل سنت
 - ۱۶- توجه به آموزش‌های خاص اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)
- ب) اصول عام**
- ۱- توجه به نیازهای فطری و نیازهای روز دانش‌آموز در فرایند آموزش
 - ۲- استفاده از علوم روز
 - ۳- پرورش مهارت‌های تفکر
 - ۴- بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در برنامه درسی
 - ۵- رعایت پیوستگی و انسجام طولی و عرضی در برنامه درسی
 - ۶- توجه به دانش‌آموزان ویژه و استعدادها برتر
 - ۷- ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش
 - ۸- امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه

۲- مفاهیم اساسی

مفاهیم اساسی برنامه درسی که جهت‌دهنده و تعیین‌کننده موضوعات کتاب درسی است، براساس سؤال‌های اساسی انسان و سؤال‌های متفرع بر آن تنظیم یافته است. این سؤال‌ها برخاسته از ویژگی انسان و جایگاه او در جهان هستی است. دین، پاسخ خداوند به پرسش‌های اساسی انسان است که به‌طور فطری در نهاد خود دارد. این پرسش‌های اساسی و مفاهیم آنها

عبارت اند از :

- من کیستم _____ ← انسان‌شناسی
از کجا آمده‌ام؟ _____ ← مبدأ (توحید)
به کجا می‌روم؟ _____ ← معاد
در کجا هستیم؟ _____ ← جهان‌شناسی
راهنمای من در مسیر زندگی کیست؟ _____ ← راهنما (نبوت، امامت و ولایت فقیه)
از کدامین راه؟ چگونه باید بروم؟ _____ ← راه (برنامه دین)
همراهان من چه کسانی هستند؟ _____ ← جامعه (امت اسلامی)
موانع و رهنمان راه کدامند؟ _____ ← دشمن‌شناسی

از آنجا که آغاز این سؤال‌ها در دوره اول متوسطه است، می‌توان مفاهیم اساسی را از متن آنها استخراج کرد و اهداف و موضوعات این درس را در پاسخ به این سؤال‌ها ترتیب داد. مزیت این ترتیب و تقسیم‌بندی آن است که انسان را موجودی پویا و در حال حرکت فرض می‌کند که برای رسیدن به مقصد و انجام حرکت درست نیازمند به راهنمایی است و آنچه به‌عنوان دین و راهنمایی الهی در اختیار او قرار می‌گیرد، پاسخی به سؤال‌های فطری اوست تا بتواند به مقصد برسد.

۳- اهداف، محورها و مفاهیم

اهداف راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی سابق براساس الگوی هدف‌گذاری بلوم^۱ در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری بود. اما هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی، در قالبی کاملاً جدید صورت گرفته است. در این الگو، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون گوناگون حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی، و توجه متوازن به ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای، در تدوین اهداف سطوح، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان خواهد شد.

جدول ۱

ساحت‌های تربیت				
عرصه‌ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خداوند)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها) با محوریت رابطه با خداوند	رابطه با خلقت (طبیعت و ...) با محوریت رابطه با خداوند
عقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

در الگوی هدف‌گذاری، پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش‌آموزان با خود، خدا، خلق و خلقت، به صورت به هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین شده است.

عناصر پنج‌گانه در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرایند عملی تربیت، هر کدام می‌توانند متناسب با نیازها و شرایط دانش‌آموزان، سرآغاز سیر تربیتی باشند و سایر عناصر را تقویت کنند و تعمیق بخشند. در میان این عناصر، عنصر تعقل جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می‌شوند که هر کدام از آنها نیز مراتب معینی دارد. براساس این الگو، اهداف پایه اول دوره اول متوسطه را می‌توان در پنج عرصه بیان کرد:

اهداف	حیطه‌های اهداف
۱- تفکر در صفات الهی از قبیل ناظم، ناظر، سمیع، مستعان، غفار	تعقل (تفکر و اندیشه‌ورزی/ تأمل/ استدلال/ استنباط/ تجزیه و تحلیل/ توجه/ تدبیر/ نقد/ کشف/ درک/ حکمت/ خلاقیت/ پژوهش)
۲- تفکر درباره معاد با موضوعات مرگ، حسابرسی در قیامت، تأثیر اعمال در جهان آخرت	
۳- تفکر در برخی کاستی‌های انسان از قبیل ناامیدی، غفلت، و برخی توانایی‌های انسان از قبیل تفکر، رشد و هدایت	
۴- تفکر در ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان	
۵- تدبیر در کارکرد دین در زندگی انسان و برخی از مؤلفه‌های امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حجاب و عفاف	

<p>۱- ایمان به صفات سلبی و ثبوتی الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- ایمان و پذیرش مرگ و حسابرسی در قیامت و تأثیر اعمال این دنیا در زندگی اخروی</p> <p>۳- ایمان به ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان و آخرین پیامبر بودن رسول اکرم (ص) و کامل‌ترین کتاب هدایت بودن قرآن</p> <p>۴- ایمان به امام زمان (ع) به عنوان حاضر موعود</p> <p>۵- ایمان به تأثیر رعایت دستورات الهی: نماز، راستگویی، روزه، طهارت، حجاب و عفاف، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد</p>	<p>ایمان (باور/ پذیرش/ تعبد/ التزام قلبی/ علاقه/ عاطفه/ نگرش مطلوب/ ارزش‌گذاری)</p>
<p>۱- کسب معرفت نسبت به صفات سلبی و ثبوتی الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- آشنایی با مرگ به عنوان انتقال‌دهنده انسان به جهان آخرت، حسابرسی در روز قیامت و تأثیر اعمال انسان در زندگی اخروی</p> <p>۳- آشنایی با توانایی‌های انسان از قبیل تفکر، رشدیافتگی و هدایت‌پذیری و برخی کاستی‌های انسان از قبیل ناامیدی و غفلت و جهل</p> <p>۴- آشنایی با انبیا به عنوان هادیان الهی و ضرورت وجود آنها برای هدایت انسان، و دین به‌عنوان بهترین برنامه زندگی</p> <p>۵- آشنایی با ویژگی‌های پیامبر اکرم به عنوان آخرین پیامبر و قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب هدایت الهی</p> <p>۶- آشنایی با ویژگی‌های ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان جانشینان پیامبر اکرم (ص) و هادیان بعد از ایشان</p> <p>۷- آشنایی با احکام طهارت، نماز، نماز جمعه و جماعت، روزه، وضو، تیمم، تقلید، زیارت، غسل و مراسم مذهبی</p> <p>۸- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی ناپسند از قبیل ناسزا، تحقیر، توهین، مدگرایی، مصرف‌گرایی، هوس‌های زودگذر، غفلت، و ویژگی‌های اخلاقی پسندیده همانند تعاون، رعایت حق الناس، تلاش، کسب مال حلال، علم‌دوستی، امانت‌داری، نیکی به والدین و صداقت</p> <p>۹- آشنایی با احکام محرم و نامحرم، عفاف و حجاب</p>	<p>علم کسب معرفت شناخت/ بصیرت/ آگاهی در ساحت‌های تربیتی)</p>
<p>۱- تلاش برای انجام اعمال مؤثر در زندگی مثبت در آخرت</p> <p>۲- تلاش برای غلبه بر صفات ناپسند از قبیل ناامیدی، و استفاده صحیح از زندگی، پرهیز از دام‌های شیطان و غفلت</p> <p>۳- تلاش برای انجام و مداومت بر صفات پسندیده‌ای از قبیل رعایت حق الناس، تلاش و کوشش، اندیشه‌ورزی در کارها و رشدپذیری</p> <p>۴- به جا آوردن اعمال و احکام دینی از قبیل نماز، نماز جماعت، نماز جمعه، روزه و غسل</p> <p>۵- تلاش برای رعایت احکام طهارت، زیارت، اذان و اقامه و مراسم مذهبی</p> <p>۶- تلاش به منظور رعایت حدود محرم و نامحرم، و رعایت حجاب</p> <p>۷- تلاش در الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام، عمل به آموزه‌های قرآن و عترت، و بزرگان دین</p> <p>۸- تلاش در جهت مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی عصر حاضر از قبیل ماهواره، اینترنت، تلویزیون، موبایل، بازی‌های رایانه‌ای، مواد مخدر، مدگرایی، مصرف‌گرایی و تهاجم فرهنگی</p>	<p>عمل (کار/ تلاش/ اطاعت/ عبادت/ مجاهدت/ کار آفرینی/ مهارت و ...)</p>

<p>۱- تزکیه نفس با الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم، ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین</p> <p>۲- اجتناب از اعمال غیراخلاقی همانند ناسزا، تحقیر و توهین به خود و دیگران، مدگرایی، عادات‌های ناپسند، حسادت، دوستی‌های بدون معیار، هوس‌های زودگذر و گرفتار شدن به خواندنی‌ها، نوشتنی‌ها و دیدنی‌های نامناسب</p> <p>۳- تلاش در مداومت بر صفات اخلاقی پسندیده همانند تعاون، کسب علم، توجه به محرومان، امانت‌داری، رعایت حق‌الناس و صداقت</p>	<p>اخلاق (تزکیه/ عواطف/ ملکات نفسانی)</p>
---	--

۴- تحلیل اجزای درس‌ها

کتاب پیام‌های آسمان از هفت بخش تشکیل شده است. هر کدام از این بخش‌ها، عهده‌دار تبیین قسمت خاصی از اهداف و مفاهیم تعیین شده در راهنمای برنامه هستند.

۱- ورودیه: اولین بخش از بخش‌های هفت‌گانه هر درس از کتاب، ورودیه درس‌هاست. هر درس یک ورودیه دارد. وظیفه ورودیه ایجاد سؤال درباره موضوع درس و آماده ساختن ذهن دانش‌آموز است. نکاتی که ما درخصوص ورودیه به همکارانمان توصیه می‌کنیم عبارت‌اند از:

- ❖ ورودیه مقدمه و زمینه‌ساز ورود به درس است. لذا زمان قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. انتظار می‌رود برای ورودیه درس وقت مناسبی اختصاص یابد. البته ورودیه‌ها با هم متفاوت‌اند بعضی زمان بیشتری نیاز دارند. اگر ورودیه به خوبی اجرا شود زمینه مناسبی برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌گردد.

- ❖ از ورودیه‌ها در آزمون‌های پایانی و آزمون‌های کتبی استفاده می‌شود. این بدین معنی است که متن ورودیه از بخش‌های آموزش رسمی درس است و متن حاشیه‌ای نیست.
- ❖ حتماً از دانش‌آموز در اجرای ورودیه کمک گرفته شود.

۲- محتوای آموزشی: محتوای آموزشی شامل آیات، احادیث، توضیح آیات و روایات و ترجمه آنها، و توضیح مفاهیم و اهداف درس. در این بخش شایسته است به این نکات توجه شود:

- ❖ انتظار می‌رود که بار اصلی آموزش این بخش را همکاران به عهده بگیرند؛ چون این بخش برای دانش‌آموز جدید است و نمی‌تواند در فرایند تدریس به ما کمک کند.

- ❖ این بخش برای تمام آزمون‌ها منبع سؤال است و هیچ استثنایی ندارد. (البته بایستی از طرح سؤالات حافظه‌محور پرهیز کرد و بیشتر به فهم مطلب توسط دانش‌آموز توجه داشت.)

- ❖ درس‌های احکامی و برخی درس‌ها که در حوزه مسائل اعتقادی است، به دلیل حجم بالای مطالب آموزشی بایستی در بیش از یک جلسه تدریس گردد.

۳- فعالیتهای کلاسی: فعالیتهای کلاسی بخشی است که کتابهای جدید را از کتابهای

قدیم به لحاظ روشی جدا کرده است. هر درس حداقل از دو فعالیت کلاسی برخوردار است. این فعالیتهای که بخشی از محتوای آموزشی است باعث مشارکت هر چه بیشتر دانش‌آموز در فرایند تدریس شده و بر کیفیت یادگیری وی تأثیر فراوانی می‌گذارد. ملاحظاتی که در رابطه با فعالیتهای کلاسی وجود دارد، شامل این موارد است:

❖ بهتر است این فعالیتهای به صورت گروهی انجام شود. بدین گونه که گروه‌های چهار یا پنج نفره (بنابر تعداد دانش‌آموزان) تشکیل شود و هر گروه دربارهٔ موضوع همفکری کرده و نتیجه توسط نماینده گروه بیان شود.

❖ اجرای فعالیتهای کلاسی وظیفه دانش‌آموز است و دبیر نقش هدایتگر دارد. هرچه حضور و نقش دانش‌آموزان در فرایند تدریس بیشتر شود و زمان تدریس و صحبت‌های دبیر کاهش یابد، آن کلاس موفق‌تر است. آنچه در خاطر دانش‌آموزان باقی می‌ماند همین فعالیتهایی است که آنها خودشان انجام داده‌اند.

❖ فعالیتهای کلاسی در تمام آزمون‌های مستمر منبع سؤال است بجز پرسش‌های بازی و اگر؛ پرسش‌های بازی پرسش‌هایی هستند که بیش از یک پاسخ صحیح دارند هرچه دانش‌آموز بگوید از نگاه ما درست است، آن پرسش‌ها نمی‌توانند جزء سؤالات امتحان پایانی باشند. سؤال‌های واگرا سؤالاتی هستند که هر دانش‌آموز براساس فکر و اندیشه و تجربه‌های شخصی خود پاسخ می‌دهد و به همین دلیل جواب‌های متنوعی ارائه می‌شود.

❖ فعالیتهای کلاسی لزوماً باید در کلاس انجام شود. به این دلیل که فعالیتهای در همه درس‌ها مقدمه‌ای است برای بخش‌های بعدی خودش. اگر دانش‌آموز این قسمت از درس را متوجه نشود در بخش‌های دیگر هم دچار مشکل می‌شود؛ چون یک حلقه از زنجیر آموزش ما دچار آسیب شده است.

۴- خودت را امتحان کن: توجه به نکات این بخش ضروری است:

❖ پاسخ دادن به سؤالات این بخش برعهده دانش‌آموز است و دبیر نباید به این سؤالات خودش پاسخ دهد. به دانش‌آموز فرصت دهید تا بیرون از کلاس و با استفاده از اندیشه‌های خود و نظرات دیگران به جواب برسد و در جلسات بعد این پاسخ‌ها توسط دبیر کنترل و در صورت لزوم تصحیح شود.

❖ برخی پرسش‌های خودت را امتحان کن، دارای پاسخ صریح در متن نیستند و بایستی با کنکاش و دقت بیشتری توسط دانش‌آموز از متن درس استنباط شود.

۵- بیشتر بدانیم: بخش بیشتر بدانیم مباحث تکمیل‌کنندهٔ درس و برای توسعهٔ اطلاعات

دانش‌آموزان است و دبیر می‌تواند در توضیح درس‌ها از آن استفاده کند و نمره تشویقی برای آنها در نظر بگیرد. اما در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت‌ها سؤال طراحی شود.

۶- پیشنهاد: پیشنهاد فعالیتی اختیاری است که دانش‌آموز بیرون کلاس انجام می‌دهد. نکات قابل توجه این بخش عبارت‌اند از:

❖ اجرای این بخش برای دانش‌آموز الزامی نیست اما دانش‌آموزی که این پیشنهادها را اجرا کند در هر نیمسال تا دو نمره به عنوان تشویق دریافت می‌کند.

❖ از بخش پیشنهاد هیچ سؤال طراحی نمی‌شود؛ چون جنبه الزامی ندارد. متن خوانی، توضیح سؤال و بررسی جواب در کلاس لازم نیست.

❖ پیشنهادها کتاب انحصاری نیست؛ یعنی این‌طور نیست که چون کتاب برای این درس یک پیشنهاد داده شما به عنوان دبیر نتوانید خودتان به دانش‌آموز پیشنهاد دیگری بدهید.

۷- نیایش: آخرین بخش از بخش هفت‌گانه درس نیایش است. نکات قابل توجه در این بخش عبارت‌اند از:

❖ نیایش بخشی از محتوای درس است که برای تأثیرگذاری بر ساحت عاطفی دانش‌آموزان طراحی شده است. البته در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت سؤال طراحی شود.

❖ می‌توان در پایان و یا ابتدای تدریس کلاس از دانش‌آموزی خوش‌صدا خواست آن را برای همه بخواند. در پایان درس نیز می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا یک بار دیگر مناجات را ببینند و ارتباط آن را با بخش‌های مختلف درس بیان کنند. این یک فعالیت خوب برای بچه‌هاست که باعث می‌شود دانش‌آموز درس را یک مرتبه برای خودش مرور کند.

۵- رویکردهای جدید در کتاب‌های پیام‌های آسمان

رویکردهای جدید کتاب پیام‌های آسمان را در دو جنبه می‌توان خلاصه کرد:

۱- رویکرد توصیفی در مباحث اعتقادی: موضوعات فطری در دوران کودکی و نوجوانی نیازمند به اثبات نیست. رویکرد فطرت‌گرای یکی از اصلی‌ترین رویکردهای کتاب پیام‌های آسمان است. در کتاب‌های فعلی درس توحید و خداپرستی وجود دارد ولی رویکرد آن اثباتی نیست؛ بلکه توصیفی است. به عنوان مثال در حیطه معاد دانش‌آموزان درباره اثبات معاد چیزی نمی‌پرسند بلکه می‌گویند برزخ چگونه است؟ قیامت چگونه است؟ در قبر چه اتفاقی می‌افتد؟ بهشت چگونه جایگاهی است و...

این از آن روست که اصل موضوع معاد مسئله‌ای فطری است و پرسش‌های دانش‌آموزان نیز بیشتر حول توصیف و تبیین دقیق موضوع است. در مسئله توحید هم همین‌طور است.

۲- رویکرد انگیزه بخشی در مباحث احکام: درس‌های احکامی کتاب برای تدریس در دو جلسه طراحی شده‌اند. بخش اول درس که با رویکردی اعتقادی و اخلاقی درصدد انگیزه بخشیدن به مخاطبان برای عمل به احکام بیان شده در درس است، از جایگاه مهمی برخوردار است چرا که اساساً انسان موجودی منفعت‌طلب است و اگر احساس کند کاری برای وی منفعتی ندارد و یا ضرری را از او دفع نمی‌کند، به سراغ آن کار نمی‌رود. آیات فراوانی که در قرآن به منظور انداز و تبشیر انسان آمده است نیز توجه به همین مسئله داشته است.

از این رو در کتاب جدید تلاش شده است تا دربارهٔ نماز، روزه و سایر احکام دین، حتماً انگیزه‌سازی صورت گیرد که بخش اول دروس احکام این وظیفه را برعهده دارد. بنابراین تأکید می‌شود که این بخش در یک جلسه مجزا تدریس شود.

بخش دوم دروس احکام نیز به بیان دقیق احکام و آموزش آن می‌پردازد. هدف از این قسمت یادگیری دقیق احکام توسط دانش‌آموز و تثبیت آن در ذهن وی است.

۳- فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند تدریس: کتاب‌ها به روش آموزش فعال نوشته شده است. روش فعال، روشی است که مشارکت دانش‌آموز را در فرایند یاددهی - یادگیری، در پی داشته باشد. برای اجرای روش فعال انتظار می‌رود مؤلفه‌های ذیل در نظر گرفته شود:

❖ اولین جلسه، دانش‌آموزان گروه‌بندی شوند. گروه‌بندی باعث می‌شود بچه‌های خاموش در کلاس در درس شریک شوند. بهتر است گروه‌ها بین ۴ تا ۶ نفر باشند. گروه بیش از ۶ نفر، گروهی استاندارد نیست.

❖ شیوهٔ صحیح فعال‌سازی دانش‌آموزان در تدریس این است که به آنان اجازهٔ صحبت کردن داده شود؛ هرچند که مطالبشان چندان دقیق و منطقی نباشد. آموزه‌هایی که توسط خود دانش‌آموزان کشف و استنباط شود از عمق و ماندگاری بیشتری برخوردار است. فعالیت‌های کلاس فرصت خوبی است تا به دانش‌آموزان فرصت اظهار نظر دهیم و خود به عنوان ناظر اصلاح‌کننده اشتباهات و خطاهای آنان باشیم.

۶- ارزشیابی

یکی از ارکان مهم برنامه درسی و فرایند یادگیری ارزشیابی است. ارزشیابی به دو منظور انجام می‌گیرد:

– تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی و یادگیری

– تنبیت و تحکیم آموخته‌ها

ارزشیابی متداول در درس‌های گوناگون، در صورتی که در شکل مطلوب خود انجام گیرد، اقدامی برای تعیین میزان تحقق هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی است. این ارزشیابی گاه در قالب توصیفی و کیفی انجام می‌شود و دستاوردهای کیفی تبدیل به معیارهای کمی می‌شود و به شکل نمره اعلام می‌شود تا نشان دهد که دانش‌آموز تا چه میزان به هدف‌های یادگیری نائل شده است. گاهی نیز ارزشیابی از ابتدا معیاری کمی دارد و به صورت نمره دادن به سؤالات شفاهی یا کتبی انجام می‌گیرد. در آسیب‌شناسی برنامه‌های درسی، یکی از آسیب‌های برنامه‌ها، ارزشیابی متکی بر آزمون کتبی است که غالباً آزمون‌های شناخت‌های مانده در حافظه است و از اهداف مهارتی و نگرشی غافل می‌ماند. اما اگر این آسیب برطرف شود و ارزشیابی بتواند مجموعه اهداف را پوشش دهد، امری مطلوب و پسندیده است که لازمه آن اولویت بخشی به آزمون مستمر و سنجش مهارت‌های مختلف و کاستن از آزمون‌های کتبی یا شفاهی محفوظات است. اما وقتی به ماهیت تعلیم و تربیت دینی می‌نگریم و آن را با سایر درس‌ها مقایسه می‌کنیم، تعلیم و تربیت دینی درس در عرض درس‌های دیگر نیست. در کلامی اجمالی، تفاوت این درس با سایر درس‌ها این است که همه درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است.

نظام فعلی آموزش و پرورش که درس دینی را در تلقی مخاطبین به درس هم عرض درس‌های دیگر تبدیل کرده این نتیجه را رقم زده است که دانش‌آموز میان درس دینی و دینداری خود رابطه‌ای نبیند، و چه بسا نمره‌ای کم در درس دینی بگیرد، اما در دینداری سرآمد افراد کلاس باشد یا نمره‌ای عالی بگیرد اما در رفتار دینی از دیگران عقب‌تر باشد.

برخی از دانش‌آموزان در عکس‌العمل به چنین نمره‌گذاری، میان رابطه قلبی خود با نماز و این نمره تناقض می‌بینند و در می‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا یا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سرباز زنند. این تناقض میان رفتار و قلب تنها ممکن است در درس دینی ظهور کند و درس‌های دیگر فارغ از این تناقض‌اند.

آسیب دیگری که از آزمون‌های متداول، تعلیم و تربیت دینی را تهدید می‌کند، به رابطه میان ابعاد دینداری بر می‌گردد. معرفت به معارف دینی و صراط مستقیم لازمه ایمان و عمل صالح است و به میزانی که این معرفت به شخص متعلم نشاط علمی و معرفتی بیخشد، ایمان وی را تکمیل و تقویت می‌نماید. اما اگر کسب این معرفت در شرایط نامطلوب و از سر بی‌میلی و بی‌رغبتی انجام پذیرد، نه تنها به تکمیل و تقویت ایمان نمی‌انجامد، بلکه به معرفتی ناپایدار و سست منجر می‌شود و ایمان دینی را هم

ضعیف می‌کند. چرا که دانش‌آموز احساس می‌کند مثلاً درس خدانشناسی را باید بدان منظور بخواند که نمره بیست بگیرد و معدلش افزایش پیدا کند. در واقع به طور ناخودآگاه احساس می‌کند که عامل بیرونی او را به سوی خدانشناسی می‌کشاند، نه انگیزه‌ای درونی. و همین نوعی بی‌میلی مخفی نسبت به درس در وی ایجاد می‌کند. این بی‌میلی و بی‌رغبتی سبب می‌شود که دانش‌آموزان درس دینی را بخوانند و نمره‌های مناسب بگیرند، اما کمتر به تحکیم پیوند قلبی برسند.

علاوه بر این چون آن علقه قلبی میان فرد و آموخته‌ها برقرار نمی‌شود، خود این دانش‌ها نیز ناپایدار و زودگذر می‌گردند و عموم آموخته‌ها در ظرف مدت کوتاهی فراموش می‌شوند و دانش‌آموز احساس می‌کند که چیزی از آن آموخته‌ها در اختیار ندارد.

قبل از طرح ارزشیابی پیشنهادی، ذکر این نکته ضروری است که ارزشیابی منحصر به ارزشیابی از دانش‌آموز نمی‌شود و عناصر دیگر برنامه، مانند محتوای آموزشی و معلم را نیز دربرمی‌گیرد. هر برنامه درسی باید راهکار مؤثری برای ارزشیابی از این عناصر را پیشنهاد دهد. پیشنهادهاى مربوط به این موضوع در پایان همین قسمت خواهد آمد.

۶-۱- حوزه‌های ارزشیابی: ارزشیابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل مختلف آن حضور دارد و معلم و دانش‌آموز به‌طور مرتب با آن درگیرند و به پویایی و ارتقای کیفی آموخته‌های دانش‌آموز می‌انجامد. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند و چنان‌که آمد، تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند:

۱- شناختی عقلانی از مبانی و معارف و وظایف دینی

۲- ایمان به آن مبانی و معارف و وظایف

۳- عمل به وظایف و مسئولیت‌ها

این سه هدف، گرچه نوعی تقدم و تأخر دارند اما در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ایمان مطلوب و مقبول دینی ایمان مبتنی بر تفکر و اندیشه است و عمل صالح عملی است که منبعث بر ایمان دینی و انگیزه‌های الهی باشد. از طرف دیگر، انجام هر عمل صالح به تقویت ایمان و تحکیم شناخت می‌انجامد. فعالیت‌های یادگیری که در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود و در صحنه آموزش جاری می‌گردد، برای تقویت یکی از این اهداف یا هر سه هدف است. در میان این سه هدف، فعالیت‌هایی که مربوط به هدف رفتاری و عمل صالح است، نمی‌تواند در دایره ارزشیابی قرار گیرد، علت عدم امکان آن قبلاً توضیح

داده شد اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آنها دعوت شوند، این فعالیت‌ها و اعمال می‌تواند موضوع ارزشیابی از برنامه و عملکرد معلم واقع شود تا میزان تحقق برنامه و عملکرد معلم سنجیده شود و پیشنهادهای اصلاحی مشخص گردد. بنابراین، ارزشیابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد.

الف) ارزشیابی از حوزه شناخت عقلی: یادگیری در حوزه شناختی و عقلی دارای سطوح مختلفی است که با تعمیق یادگیری تناسب دارد. یادگیری مؤثر نیز آن یادگیری است که از سطوح اولیه مهارت‌های تفکر بگذرد و سطوح بالاتر را دربرگیرد.

کارشناسان تعلیم و تربیت از تعداد سطوح متفاوتی سخن گفته‌اند که تعیین دقیق آنها در اینجا ضرورتی ندارد. آنچه اهمیت دارد، این است که یادگیری در این بخش به رشد تفکر عقلی منجر شود و توانایی تعقل را افزایش دهد. این سطوح می‌تواند شامل درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال، استنباط و بالاخره ارزشیابی باشد.

ارزشیابی در حوزه تفکر و تعقل باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. این تعادل به معنای دادن حق مساوی به هر یک از این سطوح نیست بلکه بدان معناست که متناسب با سنین رشد و موضوع خاص مطرح شده باشد و از سوی دیگر باید برخی از این سطوح، اولویت داده شوند و برخی از سطوح در مرتبه بعدی قرار گیرند. به طور مثال، خدانشناسی، احکام نماز و روزه، صداقت و درستکاری سه موضوع دینی هستند که با سطوح متفاوتی از مهارت‌های تفکر درگیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هر یک و تمرکز ارزشیابی بر آنها بسیار حائز اهمیت است.

براین مبنا، باید گفت که انواع مختلف ارزشیابی به میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رسانند، باید به کار گرفته شوند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی که به سطوح مختلف آن مربوط می‌شوند، به شرح زیر است:

درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک موضوع، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک واقعه، اعلام نظر درباره عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند آیه پیرامون

مفهوم واحد، پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی بر آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط، بیان خاطرات، ذکر تجربه‌ها، تحقیق پیرامون یک موضوع، بیان شباهت‌ها، ذکر تفاوت‌ها، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، بیان واجبات و محرمات آموخته شده، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ب) ارزشیابی از حوزه ایمان و احساس دینی: با توجه به اینکه تفکر عقلی و تعمیق آن ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همه فعالیت‌های قبل به تناسب ارتباط آنها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه بر این برخی از فعالیت‌ها نیز هست که رابطه بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند که تشویق دانش‌آموز به این فعالیت‌ها، هم به تقویت بعد قلبی و عاطفی می‌انجامد و هم نشانگر پیوند قلبی و عاطفی اوست. برخی از این فعالیت‌های قابل سنجش در حوزه ایمان و احساس دینی عبارت‌اند از:

ابراز همدلی با شخصیت مثبت داستان، ابراز دوری از شخصیت منفی داستان، نوشتن یا بیان علائق درونی در قالب‌هایی مانند دعا و شعر و نامه، مشارکت در گفت‌وگوها، انجام منظم فعالیت‌های پیش‌بینی شده، خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، کاردستی، طرح، نمایش، قطعه ادبی، شعر و مناجات، زیبایی و نظم دفتر کار، سبقت و پیش‌دستی در پذیرش فعالیت‌ها، موضع‌گیری و ابراز موضع مطلوب بعد از ذکر یک واقعه داستان و...

ج) ارزشیابی از حوزه عمل: ارزشیابی از حوزه عمل در بحث تعلیم و تربیت دینی، کاری ناممکن است. برای آنکه علت این مسئله روشن شود ذکر این مثال شایسته است که اگر کسی در درسی مانند ریاضی به مهارت حل مسئله برسد یا در درسی مانند الکترونیک بتواند دستگاه الکترونیکی بسازد، به هدف آن درس رسیده است و نمره‌ای ممتاز می‌گیرد. اما اگر کسی به مهارت خواندن صحیح نماز برسد، آیا هدف تعلیم و تربیت برآورده شده است؟ خیر، زیرا این مهارت، هدف اصلی آموزش نیست، بلکه انتظار آن است که خواندن نماز به عنوان یک رفتار از وی متجلی شود و عامل به این حکم باشد. حال اگر این مهارت تبدیل به رفتار شد، آیا می‌توان از چنین رفتاری ارزشیابی کرد و به صاحب این رفتار نمره‌ای عالی داد؟

خیر، زیرا این نمره، تأثیر منفی به دنبال دارد. اگر دانش‌آموزان یک کلاس بدانند که معلمشان به رفتارهای مذهبی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن و راست گفتن نمره می‌دهد، عکس‌العمل‌های متفاوتی

نشان خواهند داد. برخی برای گرفتن نمره بیشتر، بدون گرایش قلبی، آن کار را انجام می‌دهند. برخی در عکس‌العمل به چنین نمره گذاری، میان رابطه قلبی خود با نماز و این نمره تناقض می‌بینند و درمی‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سر باز زنند.

۶-۲- انواع ارزشیابی در تعلیم و تربیت دینی

الف) ارزشیابی مستمر: با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزشیابی مناسب با این درس، ارزشیابی مستمر می‌باشد. ارزشیابی مستمر یا تدریجی و تکوینی^۱ به معنای ارزشیابی براساس آزمون‌های پایانی ولی در مقیاس کوچک‌تر و با تعداد بیشتر نیست. خصلت عمده این ارزشیابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزشیابی در جهت رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزشیابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا براساس آن اطلاعات بتواند مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزشیابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به دست آمده، برای مقایسه یا نمره دادن به دانش‌آموزان استفاده نمی‌شود بلکه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هریک اعتقاد دارد. در فرایند چنین ارزشیابی، دانش‌آموزان نقش اساسی دارند چون آنان هستند که در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش یا اصلاح یک آموخته ایفا می‌کنند. هرچه دانش‌آموزان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند. به عبارتی، شیوه آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزشیابی می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود و براساس اطلاعاتی که از طریق مختلف جمع‌آوری می‌شود، مانند مشاهده رفتار و عملکرد دانش‌آموز در هنگام فعالیت‌های کلاسی یا ارائه گزارش یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد اما همواره به خاطر داشته باشیم آنچه که ارزشیابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوه استفاده از نتایج ارزشیابی است. ارزشیابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- از ابتدای بحث از ارزشیابی مستمر تا این قسمت، از کتاب «ارزشیابی در خدمت آموزش، طاهره‌رستگار» گرفته شده است.

– این ارزشیابی جزئی از فرایند آموزش است.
– به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.
– در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.
– دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.

– معلم را قادر می‌سازد تا به طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.
– معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علایق دانش‌آموزان را شناسایی کند و سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آنها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.
– معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزشیابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزشیابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.
– ارزشیابی مستمر، دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آنها یکسان نیست اما نباید تصور شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی را خود انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.
باتوجه به آنچه درباره ارزشیابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل اساسی زیر وابسته است :

– بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان
– درگیرکردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری
– استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس
– درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوه سنجش و ارزشیابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دارد.

– توانا کردن دانش‌آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.^۱
بنابراین، ارزشیابی مستمر بهترین ارزشیابی در این درس است که در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر به عنوان تنها نوع ارزشیابی باید به کار گرفته شود و در دوره‌های بالاتر باید در اولویت مطلق باشد و سهم اساسی نمره بدان تعلق گیرد.
ب) ارزشیابی پایانی: این ارزشیابی که به ارزشیابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است،

۱- طاهره رستگار، ارزشیابی در خدمت آموزش، ص ۱۲۳.

در پایان هر دوره آموزشی انجام می‌شود و معلم با استفاده از آن، آموخته‌های دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. این ارزشیابی معمولاً با هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد.

گاهی نیز ارزشیابی پایانی به معیاری برای ارزیابی کار معلم تبدیل می‌شود. این امر باعث می‌گردد تا معلمان عمدتاً به آزمون‌های پایانی بیش از حد توجه کنند و نسبت به نتایج آن حساس باشند و این حساسیت را به دانش‌آموزان نیز منتقل نمایند. در نتیجه، مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان تحت تأثیر این آزمون قرار گیرد و نقش ارزشیابی مستمر بسیار کم‌رنگ شود.

این امر باعث شده است تا معمولاً معلمان به جای آنکه آنچه را آموزش می‌دهند، ارزیابی کنند، آن چیزی را که قرار است ارزشیابی کنند، آموزش می‌دهند؛ یعنی، آموزش در خدمت ارزشیابی قرار می‌گیرد.

تفاوت دیگری که این ارزشیابی با ارزشیابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانش‌آموز سلب می‌کند. هم‌اکنون ارزشیابی پایانی معمولاً به شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد و بیشتر بر اهداف شناختی، آن هم سطوح اولیه شناخت، متمرکز می‌شود. حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی، مانند توانایی استدلال، مقایسه، تطبیق و قضاوت را دربرگیرد، به علت محدود بودن این گونه سؤال‌ها به تدریج موقعیتی بیش می‌آید که دانش‌آموزان پاسخ این گونه سؤال‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی این گونه سؤال‌ها را از بین می‌برند. علاوه بر این، از آنجا که دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند، وقتی که این گونه ارزشیابی‌ها اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند که فعالیت‌های داخل کلاس را به سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر معلمی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقه خود مانع آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً معلم را به سمت تدریسی می‌کشانند که با آزمون پایانی تناسب دارد؛ لذا، چون هدف اصلی تعلیم و تربیت دینی، تقویت ایمان و انگیزه برای عمل است، توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی بسیار مضر و زیان‌آور است و مانع توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های مستمر می‌گردد که تقویت ایمان و تعمیق شناخت عقلی را به دنبال دارند.

آفت بزرگ دیگری که از ناحیه توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، گریبان‌گیر تعلیم و تربیت دینی می‌شود، تغییر مکان «وسیله» با «هدف» است. امری که کمتر در آزمون مستمر و تکوینی اتفاق می‌افتد.

این اتفاق که بیشتر در نگاه دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه به درس دینی پدیدار می‌شود، از آنجا سرچشمه می‌گیرد که آنها ارزشیابی پایانی را نه وسیله‌ای برای سنجش میزان تحقق اهداف یادگیری بلکه وسیله‌ای برای ارتقای تحصیلی، بالا رفتن معدل و نظایر آن تلقی می‌کنند؛ لذا به‌طور ناخودآگاه، از آن جهت درس دینی را می‌خوانند و محتوای کتاب را حفظ می‌کنند که بتوانند آن آزمون را با موفقیت طی کنند و نمره مناسبی برای ارتقای تحصیلی به‌دست آورند، ممکن است دانش‌آموزان خودشان به این امر واقف نباشند و در پاسخ این سؤال که «چرا در آزمون شرکت می‌کنید؟» بگویند می‌خواهیم میزان یادگیری خود را تعیین کنیم اما شیوه درس خواندن آنان، توجه به جملات خاصی از کتاب و مرور چندباره متن و حفظ کردن عبارات گواه آن است که او دارد خود را در خدمت آزمون قرار می‌دهد نه آزمون را در خدمت خود.

این فرایند، گرچه بر همه درس‌های دیگر آسیب وارد می‌کند اما آسیب عمیق و جبران‌ناپذیرتر آن در تعلیم و تربیت دینی است به میزانی که انگیزه کسب نمره پایانی، قوی‌تر شود، رابطه واقعی او با محتوای درس کاهش می‌یابد و به رابطه‌ای خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت او به درس کم می‌شود و در نتیجه تأثیرات قلبی و رفتاری درس به حداقل خود می‌رسد. این آسیب در ارزشیابی مستمر کمتر ظهور می‌کند زیرا ارزشیابی مستمر در خدمت ارتقای یادگیری است و در همه مهارت‌های آموزشی کاربرد دارد نه صرفاً در مهارت حفظ اطلاعات و آموخته‌ها.

۷- روش‌ها و فنون یاددهی - یادگیری (روش‌های تعلیمی و تربیتی)

هدایت اسلامی، هدایتی برای رشد و تعالی همه ابعاد وجودی و گرایش‌های فطری است و در شخصیت یکپارچه آدمی تحقق می‌یابد. تنوع موضوعات دینی که شامل موضوعات اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، رفتار و آداب، سلوک عبادی و برنامه‌های اجتماعی است، از یک طرف و ساحت‌های وجودی انسان از طرف دیگر، تنوعی در روش‌ها ایجاد می‌کند که در آموزش‌های دیگر کمتر می‌توان سراغ آن را گرفت. نگاهی مختصر به قرآن کریم، این تنوع در شیوه را به ما نشان می‌دهد. به‌کارگیری صحیح یک روش وقتی ممکن است که درک و توازنی درست میان موضوع و ساحتی از وجود انسان که بیشتر با آن موضوع درگیر است، پدید آید. به همین جهت، انتخاب روش مناسب نیازمند شناخت دقیق موضوع و مخاطب است. اما از آنجا که هدف تعلیم و تربیت «رشد» انسان است و رشد او جز از طریق تلاش و کوشش خود او میسر نیست، رویکرد جهت‌دهنده به همه روش‌ها، رویکرد فعال است. در این رویکرد، مخاطب با مجموعه توانایی‌ها، استعدادها و گرایش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصی خود حضور

دارد و از همه آنها در جهت کمال خود بهره می‌برد.

انتخاب این رویکرد تعلیمی و تربیتی با رویکرد انتخاب شده در درس یعنی رویکرد فطرت‌گرا، هماهنگ و متناسب است. البته انتخاب رویکرد فعال به معنی فروگاهی نقش معلم و تبدیل وی از هدایت‌گر و راهنما به ابزار در کنار سایر ابزارها نیست زیرا در هدایت و تربیت، نقش الگویی معلم و تأثیرات انسانی و عاطفی وی بر یادگیرنده به مراتب عمیق‌تر از درس‌هایی دیگر است؛ بنابراین، فعال شدن دانش‌آموز به معنی کم‌شدن نقش معلم نیست بلکه این روش رسالت و مسئولیت وی را بیشتر می‌کند و نقش هدایت‌گری او را جدی‌تر می‌سازد.

با عنایت به مراتب فوق و با بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات‌الله‌علیهم و نیز تجربیات مراکز آموزشی روش‌ها، مهارت‌ها و فنون متنوعی برای این درس پیشنهاد می‌شود. این روش‌ها می‌توانند در موضوعات مختلف و در تلفیق با یکدیگر به کار گرفته شوند به طور مثال، کسی که در یک بحث اخلاقی، می‌خواهد از موعظه استفاده کند، در موعظه خود می‌تواند از پرسش و پاسخ، استدلال و با داستان کمک بگیرد. در عین حال، این پیشنهادها معلم را برای به کارگیری این روش‌ها در موضوعات مختلف محدود نمی‌کند، بلکه دبیر می‌تواند با استفاده از تجربه‌های خود روش‌هایی را ابداع کند و از آنها در کلاس بهره ببرد. برخی از این روش‌ها، مهارت‌ها و فنون عبارت‌اند از:

۱- **همیاری و مشارکت**: این روش دامنه گسترده‌ای دارد و در بیشتر موضوعات دینی، به‌خصوص در مباحث اجتماعی قابل اجراست. اما این روش در مواردی که می‌خواهیم فرد به تأمل درونی دعوت شود، مثلاً محاسبه نفس کند یا رابطه معنوی با خدا برقرار کند، کاربرد کمتری دارد.

۲- **پرسش و پاسخ**: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی بیشتری دارد. این روش می‌تواند میان دو دانش‌آموز یا معلم و دانش‌آموز اتفاق بیفتد.

۳- **قصه‌گویی و داستان**: این روش برای بیان سیره بزرگان می‌تواند استفاده شود. همچنین برای آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی مؤثر است. داستان می‌تواند وسیله شروع فعالیت‌ها و تمرین‌های مختلف دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴- **ایجاد فرصت تأمل با خود**: گاهی یک سؤال، یک بیت شعر، یک تصویر و اموری از این قبیل آدمی را به خود برمی‌گرداند و در تأمل فرو می‌برد. در این گونه تأمل‌هاست که تصمیم‌های مهم و مؤثر گرفته می‌شود و قدم‌های روبه‌جلو برداشته می‌شود. معلم باید بتواند در لحظه‌های ناب و در فرصت‌های مناسب، زمینه‌های تأمل را فراهم کند.

۵- **ایجاد فرصت عمل به دین**: در این روش، معلم به‌طور عملی شرایطی را فراهم می‌کند

که دانش‌آموز لذت عمل دینی را تجربه کند و از این طریق، پیوند قلبی وی با آن عمل تقویت شود. مشارکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، همکاری و همیاری در رفع نیازهای دیگران و هر اقدام خیر دیگری که لذت از کار خیر را به‌طور واقع به دانش‌آموز می‌چشاند و گرایش او به کار خیر را افزایش دهد.

۶- استفاده از استدلال‌های منطقی: با توجه به عقلانی بودن مبانی دینی و ضرورت پذیرش عقلانی این آموزه‌ها، لازم است محتوای آموزشی، مبتنی بر استدلال‌های محکم و استوار باشد و دبیران محترم با بهره‌گرفتن از استدلال‌ها قدرت عقلانی دانش‌آموزان را تقویت نمایند و به معرفت دینی آنان اعتلا بخشند.

۷- انداز و تبشیر: این روش که در قرآن کریم بسیار به کار رفته، یادآوری ثمرات عمل خیر و نتایج کارهای بد است. با تبشیر، امید انسان نسبت به آینده زیبا در سایه کار خوب افزایش می‌یابد و با انداز، بیمی نسبت به آینده متفاوت و آینده ناشی از کار بد شکل می‌گیرد.

۸- تذکر: این روش در قرآن کریم بر آن تأکید شده و خداوند، رسول خود را بدان دعوت می‌کند. یکی از نام‌های قرآن کریم هم «ذکر» است. تذکر، مبتنی بر انسان‌شناسی دینی و گرایش‌های فطری و پذیرش اصول اخلاقی ثابت می‌باشد. تذکر، به معنای یادآوری آن اصول و تعمیق خودآگاهی نسبت به آن گرایش‌ها است.

۹- سخنرانی: این روش بیشتر در تبیین اصول اعتقادی کاربرد دارد که باید یک موضوع، به نحو منسجم طرح شود و توضیح داده شود. البته انتخاب سخنرانی، به معنای استفاده از روش غیرفعال نیست. سخنرانی می‌تواند در رویکردی فعال عرضه شود به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان برخوردی فعال با سخنرانی داشته باشند و براساس سخنرانی فعالیت‌های تعریف شده را انجام دهند.

۱۰- موعظه: توجه موعظه، بیشتر به نفس لوامه و بیدارگری وجدان و برای ایجاد انگیزه نسبت به اخلاق حسنه و کار خیر و نفرت و دوری از رذایل اخلاقی و کار بد است. این شیوه، بیشتر زبان نصیحت‌گرانه دارد و از ابزارهای مختلفی بهره می‌برد.

۱۱- ارائه الگو و اسوه: در این روش، از شخصیت‌الگویی انسان‌های مرجع و مورد قبول استفاده می‌شود. رسول خدا (ص) و معصومین بزرگوار دیگر بهترین اسوه‌هایی هستند که هم برترین معیار انسان دیندار هستند و هم مقبولیت آنان نزد نوجوان و جوان بسیار بالاست. اسوه‌های دیگر نیز به نسبت نزدیکی و قربشان با این معصومین باید به جوانان شناخته شوند، همچنین باید از اسوه‌های مورد اعتماد در عصر حاضر و نزدیک به زمان نوجوان امروزی بیشتر یاد گردد. در این میان اسوه بودن

معلم و مربی که اسوه حاضر و عینی است، از اهمیت بسزائی برخوردار است. از این رو دبیران این درس باید در حد قابل قبولی معیارهای اخلاقی و رفتاری و توانایی‌های علمی و مهارتی را داشته باشند.

۱۲- تشویق و تنبیه: این روش، با انذار و تبشیر متفاوت است. در روش انذار و تبشیر، تأکید بر آثار و نتایج خود عمل است اما در روش تشویق و تنبیه، متکی بر تشویق‌ها یا تنبیه‌های جانبی است که می‌تواند با خود عمل رابطه مستقیم نداشته باشد بلکه معلم برای ایجاد انگیزه ثانوی، از برخی تشویق‌ها و تنبیه‌ها کمک می‌گیرد و دانش‌آموز به نسبت آن تشویق و یا تنبیه کاری را انجام می‌دهد یا از عملی دوری می‌کند. این روش در سنین پایین، مانند دوره دبستان و قبل از دبستان در موضوعات اخلاقی و برخی رفتارها مؤثر است اما به هیچ‌وجه نباید تبدیل به یک رویه شود که در آن صورت، دانش‌آموز همواره کارهای خوب را نه به خاطر خوب بودنشان بلکه به نیت تشویق انجام خواهد داد و خوبی آن عمل در قلب وی تثبیت نخواهد شد.

۱۳- نمایش و ایفای نقش: اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، هم بر مجریان نمایش تأثیر می‌گذارد و هم تماشاگر را به گونه‌ای زنده با داستان نمایش مواجه می‌کند. از این رو، به او حضوری فعال می‌دهد به خصوص که اگر با روش‌های فعال دیگر توأم شود و پس از اجرا، محتوای نمایش مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱۴- انجام تحقیق، مطالعه و فعالیت‌های پروژه‌ای: این روش که در همه موضوعات دینی کاربرد دارد، در صورتی که همراه با مهارت‌های صحیح تحقیق و مطالعه باشد، به دانش‌آموز کمک می‌کند که به عادت پسندیده تفکر و خردورزی دست یابد و بدین وسیله بتواند دایره دانش خود را از محدوده کتاب‌های درسی فراتر ببرد. این روش، قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر و استنباط را افزایش می‌دهد و به آموخته‌ها عمق می‌بخشد.

۱۵- کنفرانس دانش‌آموزی: این روش، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و عمق دانش کنفرانس‌دهنده را بیشتر می‌کند. کنفرانس باید حول یک موضوع باشد. کنفرانس‌دهنده بهتر است از میان یک گروه برگزیده شود تا رقابت گروهی ایجاد گردد بدین معنا که گروه از او پشتیبانی کند و سایر گروه‌ها به نقد پردازند.

۱۶- مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش، بیشتر در مهارت‌هایی مانند وضوگرفتن، نماز، تیمم و مانند آن و نیز در رفتارها و اعمال کاربرد دارد. افراد با دیدن یک مهارت یا یک رفتار اخلاقی، آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، نقاط قوت یا ضعف عمل را مشخص می‌کنند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بینند.

۱۷- خلق موقعیت برای داوری: در این روش با کمک روش‌های دیگر، مانند نمایش، نقل

خاطره، فیلم و مانند آن به دانش آموز فرصت داوری و قضاوت داده شود تا درباره حادثه و عناصر آن اظهار نظر کند. این روش، بیشتر در موضوعات اخلاقی و رفتار اجتماعی کاربرد دارد.

۱۸- مناظره (بحث و گفت‌وگو): این روش، با پرسش و پاسخ متفاوت است. مناظره، معمولاً میان دانش‌آموزان انجام می‌گیرد و بیش از دو نفر در آن شرکت دارند و افراد در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در موضوعات اعتقادی و مسائل اجتماعی کاربرد بیشتری دارد.

۱۹- بدیعه‌پردازی: همان طور که از نام این روش آشکار است روشی است که در آن خلاقیت و ابداع وجود دارد و مبدع آن ویلیام گوردون است که جهت ایجاد خلاقیت از تشبیه چیزی به چیزی استفاده می‌شود و با استفاده از این تشبیه خلاقیت در افراد بوجود می‌آید مثلاً اگر خورشید مثل یک توپ بود و... اگر گلها مثل آدم‌ها حرف می‌زدند و... اگر شیرها به جای دویدن مانند عقاب پرواز می‌کردند و...

در این روش دو راهبرد وجود دارد یعنی مطالبی که به فراگیر آموزش داده می‌شود یا مأنوس است یا نامأنوس، که در صورت مأنوس بودن و معنادار بودن آن را به چیزی نامأنوس تشبیه می‌کنیم و در راهبرد دوم عکس این عمل می‌کنیم. از این روش در اغلب دروس می‌توان استفاده کرده و با تلفیق با دیگر روش‌ها می‌توان نتیجه مطلوب‌تری بدست آورد.

۲۰- بارش فکری: در این روش با طراحی یک موضوع یا طرح یک مسئله که سعی می‌شود موضوع بکر و نویی باشد تلاش می‌شود تا فراگیران به پاسخ فراخوانده شده و هرکس به تناسب اندیشه خود در ارتباط با موضوع اظهار نظر نماید. نکاتی در این روش باید رعایت شود که بسیار مهم است از جمله اینکه در این روش کمیت یعنی تعداد ایده‌ها و پاسخ‌ها برای یک جواب بسیار مهم است در هر مرحله بعد از این پاسخ‌ها آنهایی را که مناسب‌ترند انتخاب و با یکدیگر تلفیق می‌کنیم تا جواب و پاسخ مناسب‌تری برای موضوع یا مسئله مورد نظر بیابیم در این روش باید توجه شود که هرگونه پاسخی مورد نظر است و از انتقاد و سرزنش جداً باید پرهیز شود. چه بسا پاسخی که در ابتدا بیهوده به نظر می‌رسد با تلفیق دیگر پاسخ‌ها نتایج خوبی را عاید کند.

۲۱- گردش علمی: در این روش سعی می‌شود تا هدف آموزشی مورد نظر از طریق مشاهده عینی و یا لمس آن از نزدیک مورد توجه فراگیران قرار گیرد لذا اهداف و کارهایی را که دانش‌آموز در طول گردش علمی لازم است به آنها توجه نماید از قبل به آنها یادآوری می‌شود به همین دلیل برای تدریس چنین مفاهیمی لازم است فراگیران را به محیط طبیعی (جنگل، کوه، دریا، رودخانه، بیابان و...) یا موزه و نمایشگاه‌ها برده یا اینکه یک رخداد و حادثه را از نزدیک مشاهده نمایند.

نتایج مشاهدات فراگیران می‌تواند به صورت تهیه گزارش، تصویربرداری و نت‌برداری و... در محل مربوطه صورت گیرد و یا اینکه در همان محل به بحث و گفتگو درباره موضوع مورد نظر پرداخته شود و یا اینکه مفاهیم و مطالب بدست آمده مقدمه‌ای برای بحث و گفتگو در جلسه بعدی کلاس درس باشد که گزارش این مشاهدات می‌تواند در ارزشیابی ملاک عمل قرار گیرد.

توجه: با توجه به اینکه روش تدریس، امری تجربی است و روز به روز توسعه می‌یابد، ذکر این روش‌ها به معنی محدود کردن دبیر نیست و در صورتی که دبیر با روش‌های دیگری آشناست و در آنها مهارت دارد، در صورتی که آن روش‌ها با اصول این برنامه منافاتی نداشته باشد، می‌تواند از آنها استفاده کند.

۸ — استفاده از بسته آموزشی

برای این کتاب نرم‌افزاری با عنوان «برفراز آسمان» تهیه شده است که در بردارنده تحلیل محتوای تمامی دروس توسط مؤلفان، فیلم‌های کمک آموزشی، تصاویر مرتبط با هر درس، متون کمک آموزشی و فیلم روش تدریس برخی از دروس است. این نرم‌افزار می‌تواند در کنار کتاب راهنمای معلم، کمک شایانی به دبیران جهت آموزش این کتاب با استفاده از روش‌های نوین آموزشی بکند.

یاددہی و یادگیری
ہر درس

فصل دوم

درس اول

تورا چگونه بشناسم؟

هدف کلی

آشنایی با صفات خداوند

اهداف جزئی:

– آگاهی از راه‌های شناخت صفات الهی

– شناخت صفات ثبوتیه

– شناخت صفات سلبيه

– تبیین رابطهٔ حمد و تسبیح با صفات ثبوتیه و سلبيه

ضرورت درس

دانش‌آموزان از دوره ابتدایی تا کنون با صفات بسیاری از خداوند در کتاب‌های هدیه‌های آسمان و پیام‌های آسمان آشنا شده‌اند. با این حال هنوز صفات بسیاری از خدا هست که به دلیل محدودیت کتاب درسی برای دانش‌آموز بیان نشده و نیاز است تا دانش‌آموزان برای شناخت بهتر خداوند با این صفات آشنا شوند. برای همین لازم است تا دانش‌آموز خود راه دستیابی به این صفات را فراگیرد. این درس با هدف معرفی راه‌های شناخت صفات الهی به دانش‌آموز تألیف شده است.

محورهای اصلی درس

- ۱- دغدغه همیشه‌گی انسان برای شناخت خالق خویش و محدودیت‌های انسان در این شناخت
- ۲- قرآن کریم و جهان آفرینش؛ دو منبع برای درک صفات الهی
- ۳- آشنایی با برخی از آیات قرآن در توصیف خداوند
- ۴- زیبایی‌ها و شگفتی‌های خلقت، آیه و نشانه‌ای بر صفات حق تعالی
- ۵- جامع صفات کمالی بودن خداوند و مبرا بودن وی از هر صفت نقص و عیب (صفات ثبوتی و سلبی)
- ۶- ستایش خداوند با صفات کمالی‌اش در هنگام حمد و بری دانستن وی از هر صفت عیب و نقص در هنگام تسبیح.

این درس به این پرسش‌ها، پاسخ می‌دهد

- ۱- آیا انسان می‌تواند به شناخت کاملی از خدا برسد؟
- ۲- از چه راه‌هایی می‌توان به شناخت خدا و صفات او رسید؟
- ۳- قرآن چه توصیفی از خداوند، ارائه می‌دهد؟
- ۴- چگونه می‌توان با تأمل در جهان خلقت، بی‌به صفات خداوند برد؟
- ۵- چه صفاتی را می‌توان به خدا نسبت داد و چه صفاتی را نمی‌توان؟
- ۶- حمد و ستایش خداوند به چه معناست؟
- ۷- معنای تسبیح و تنزیه خداوند چیست؟
- ۸- رابطه حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی چگونه است؟

روش تدریس

تذکر: روش‌های تدریسی که در این کتاب ارائه می‌شود، پیشنهادی بوده و هر یک از همکاران می‌توانند با تکیه بر توانایی‌های خود، روش‌های دیگری را جایگزین کنند.

شیوه تدریس «ورودی» : شعر سنایی بهترین ورودیه برای موضوع صفات خداست.

بهرتر است که برای تأثیرگذاری بیشتر، این شعر به یکی از شیوه‌های زیر خوانده شود:

– اجرای سرود به صورت گروهی توسط برخی از دانش‌آموزان یا همه آنها

– خواندن شعر توسط یکی از دانش‌آموزان خوش‌صدا و یا خود دبیر

– پخش شعر با صدای حسام‌الدین سراج (فایل مربوطه در نرم‌افزار بر فراز آسمان موجود است).
شیوه تدریس «تفکر در کتاب آسمانی»

از دانش‌آموزان می‌خواهیم به صورت داوطلب برخی از ویژگی‌های اخلاقی خود را بگویند. سپس به دانش‌آموزان می‌گوییم من شناخت چندانی از شما نداشتم اما اکنون با ویژگی‌هایی که از خودتان گفتید شناخت بیشتری نسبت به شما و شخصیتتان پیدا کردم. هر انسانی خودش را خیلی بهتر از دیگران می‌تواند توصیف کند. برای شناخت خدا نیز یکی از بهترین راه‌ها این است که ببینیم خداوند خودش را چگونه به ما معرفی کرده است. برای این کار به قرآن مراجعه می‌کنیم. خداوند در آیات متعددی به معرفی خود پرداخته است. برای اینکه دانش‌آموز با آیات مطرح شده ارتباط بیشتری برقرار کند، صفات خدا را بر اساس آیات قرآن که در درس آمده طبق جدول زیر روی تابلو می‌نویسیم.

سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که شماره هر آیه را در مقابل صفت خدا که در جدول مقابل نوشته شده، بیان کنند و یکی از دانش‌آموزان یا معلم در جدول بنویسد. سپس از دانش‌آموزان پیرامون معنا و مفهوم هریک از آیات پرسش می‌کنیم تا از میزان و صحت درک آنان از این صفات اطلاع یابیم و اگر پرسش یا ابهامی داشتند یا تصور نادرستی از صفات مذکور داشتند توضیحات لازم را ارائه می‌دهیم.

۱- اِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يَخْفَى	شکرگزار کارهای خوب بندگان
۲- وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ	توبه پذیر
۳- وَ مَنْ يَشَاقِ اللَّهَ فَاِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ	دوستدار بندگانش
۴- اِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ	مجازات کننده
۵- اِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ	عالم و آگاه
۶- وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا	ظلم نکردن

روش تدریس بخش «تفکر در کتاب خلقت» :

۱- در این بخش می‌توان از این تمثیل برای دانش‌آموز استفاده کرد :
فرض کنید که شما چندساعتی به بیرون از منزل رفته‌اید و بعد که برمی‌گردید می‌بینید که در خانه

تغییراتی رخ داده است. ظرف غذا و یک لیوان آب روی میز است. تلویزیون روشن است، کتابی روی میز است و... شما خیلی راحت تشخیص می‌دهید که در این ساعاتی که نبودید موجود متحرکی اینجا بوده است. این موجود غذا و آب می‌خورد و چون از بشقاب و لیوان استفاده کرده است، پس دارای شعور و آگاهی به آداب و عرف است. تلویزیون هم توانسته است روشن کند پس موجودی دارای هوش است، کتاب هم خوانده است پس باسواد است و... شما اگرچه هیچ وقت او را ندیدید ولی توانستید از علامت‌ها، متناسب با درک خود به برخی از صفات این موجود پی ببرید.

در مورد خدا هم می‌شود همین نکته را گفت :

اگرچه ما او را نمی‌بینیم (البته با چشم ظاهر) ولی برای ما یک سری علائم و شواهد در این جهان قرار داده است، علائمی که از طریق آن می‌توانیم به برخی از صفات خداوند همچون آگاهی، یگانگی، زیبادوستی، حکمت و... پی ببریم.

علاوه بر اینها برای ما یادداشت هم گذاشته است (قرآن) و در آن به معرفی دقیق خود پرداخته است.

پس از طریق مخلوقات می‌توان پی به صفات خدا برد چرا که همه موجودات نشانه‌های خدا هستند؛

به قول بابا طاهر :

«به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم»

۲- برای نشان دادن بخشی از شگفتی‌های خلقت می‌توان از کتاب‌های علوم و یا جغرافیای دانش‌آموزان نیز استفاده کرد و از مطالبی که در این کتاب‌ها وجود دارد و دانش‌آموز با آن آشناست در کلاس استفاده کرد.

روش تدریس «صفات ثبوتی و سلبی»: معلم جدول زیر را تابلو می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد که دو ویژگی و صفت مثبتی که در خود دارند و به آن افتخار می‌کنند را در قسمت اول جدول بنویسند (تأکید می‌کنیم صفات مثبت) و دو ویژگی و صفت منفی که در خود ندارند نیز در قسمت دوم جدول بنویسند.

..... هستم نیستم
..... هستم نیستم

دانش‌آموزان، ویژگی‌های خود را از روی جدول خود می‌خوانند و معلم از این فعالیت استفاده کرده و می‌گوید آن صفات خوبی که در وجود شما هست، نامشان صفات ثبوتی است. یعنی در وجود شما قرار و ثبوت دارد و آن صفات منفی‌ای که در شما نیست، نامشان صفات سلبی است. یعنی از خودتان سلب کرده‌اید.

حال خدا نیز آن صفاتی را که داراست، صفات ثبوتی می‌نامند و آن صفاتی که ندارد، صفات سلبی گویند.

تحلیل اجزای درس

در تدریس اجزای این درس، باید به موارد زیر توجه شود :

ورودیّه (شعر) : این درس با شعری زیبا از حکیم سنایی (۵۴۵-۴۷۳ هـ. ق) آغاز می‌شود (البته سه بیت پایانی این شعر به دلیل سخت بودن درک آن توسط دانش‌آموز، حذف شده است). در ابیات آغازین این شعر برخی از صفات خداوند به زیبایی توصیف شده و در قسمت بعد برخی صفات که نشان از نقص است از خداوند سلب شده است. این شعر به خوبی زمینه را برای ورود به بحث صفات خداوند آماده می‌کند.

فعالیت کلاسی : پس از خواندن شعر، دانش‌آموزان در گروه‌های خود روی متن آن، تأمل می‌کنند و صفاتی را که می‌توان به خدا نسبت داد، استخراج می‌کنند؛ مثلاً در بیت اول آمده که خداوند ملک، پاک و خداست و نیز آمده که او راهنما (هادی) است. با توجه به بیت دوم درمی‌یابیم که خداوند دارای فضل است و یکتاست و...

در قسمت دوم این فعالیت، این سؤال پرسیده شده که خداوند چه صفات دیگری دارد که در شعر به آنها اشاره نشده است. دانش‌آموزان در پاسخ می‌توانند به صفاتی همچون غفور، ستّار، ناظم، توّاب و... اشاره کنند.

راه‌های شناخت صفات خداوند : این بخش، سه هدف مهم را دنبال می‌کند.

اول آنکه، در قالب پرسش‌هایی، این سؤال را برای دانش‌آموز ایجاد کند که به راستی خالق او، چگونه خالق است؟ چه صفاتی دارد؟ و چگونه می‌توان پی به صفات او برد؟

متأسفانه نوجوان و جوان امروزی به دلیل گسترش ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، به شدت سرگرم و مشغول مسائل کم‌اهمیت شده است و از اندیشیدن به مسائل سرنوشت‌ساز و حیاتی، بازمانده است. از این رو، در ابتدای این درس، سعی شده است تا در قالب طرح پرسش‌هایی، او را در خصوص

برخی از سؤالات مهم زندگی به فکر واداریم.

دومین هدف که در پاراگراف دوم به آن توجه شده است این است که در راه شناخت خداوند، حتماً باید به سراغ منابع معتبر رفت تا به اطلاعات دقیق و صحیحی دست یابیم. ذکر این نکته از آن جهت است که متأسفانه امروزه فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی با ادعای حرکت در مسیر شناخت خدا، درصدد جذب جوانان هستند و با نوشته‌ها و کتاب‌ها و برگزاری جلسات و حلقه‌های گوناگون، افکار ناصواب و دور از تعالیم قرآن و اهل بیت را به مخاطبان خود ارائه می‌کنند. از این رو، در این قسمت بر این نکته تأکید شده که هر منبعی نمی‌تواند در جهت شناخت خدا، مورد استفاده قرار گیرد.

هدف سوم این بخش نیز توجه دادن به محدود بودن توانایی ما در درک و شناخت خداوند است.

در پاراگراف سوم گفته شده که انسان موجودی محدود است و خداوند نامحدود، و از این رو ممکن نیست که انسان محدود، قادر به درک کامل امری نامحدود باشد، چرا که ظرف فکر و اندیشه او گنجایش درک نامحدود را ندارد. این تذکر دانش‌آموز را به این نکته توجه می‌دهد که اگر چه ما موظف به شناخت خالق خویش هستیم اما باید ضعف‌ها و کاستی‌های خود را در این راه بشناسیم و بدانیم که هر چقدر در مسیر شناخت او پیش برویم، و هر اندازه شناخت خود را نسبت به خداوند بیشتر و بیشتر کنیم، باز هم قادر به درک کامل خداوند نخواهیم بود.

تفکر در کتاب آسمانی: این قسمت به معرفی اولین راه شناخت صفات الهی می‌پردازد تا دانش‌آموز بداند که با مراجعه به کتاب الهی می‌تواند توصیف خدا را از زبان خود خداوند بشنود. چرا که بهترین راه شناخت صفات خداوند این است که ببینیم خود او چگونه به معرفی خویش پرداخته است.

خداوند در معرفی خویش در قرآن کریم به گونه‌ای عمل می‌کند که انسان، هم نسبت به صفات خالق خویش، معرفت پیدا کند و هم قلب و جان وی متأثر از این معرفت گردد.

به طور مثال، خداوند در توصیف علم مطلق خویش، تنها به ذکر این نکته که خداوند به همه چیز علم دارد، اکتفا نمی‌کند بلکه علم بی‌حد و حصر خود را به گونه‌ای توصیف می‌کند که مخاطب با تمام وجود احساس می‌کند هیچ کجا از دید خدا پنهان نیست؛ اینکه خدا حتی از صدای پیچ ما نیز باخبر است و از فرو افتادن برگ درختی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، آگاه است، این احساس را در دل انسان تقویت می‌کند که هیچ چیز پنهانی برای خدا وجود ندارد. با این گونه توصیفات، انسان، هم پی به علم مطلق خدا می‌برد و هم، به مراقبت بر اعمال و رفتارش می‌افزاید، چرا که خدا را ناظر بر پنهانی‌ترین

اعمال خویش می‌بیند.

در ادامه معرفی صفات خداوند به صفاتی پرداخته شده که هر یک به دنبال پاسخ به برخی از سؤالات و شبهات دانش‌آموزان است.

برخی دانش‌آموزان به دلیل برخی آموزش‌ها و القائات غلط، تصویر تیره و تاری از خدا دارند و او را خالقی نامهربان می‌دانند. آنان گمان می‌کنند خداوند هر گناه‌کاری را به شدیدترین عذاب‌ها دچار می‌کند و از این‌رو، با خدای غضبناک و انتقام‌گیرنده‌ای مواجه‌اند. برخی نوجوانان نیز از خدا، ناامیدند و گمان می‌کنند به دلیل مرتکب شدن برخی گناهان، دیگر راهی به سوی خدا ندارند. گروه دیگری، خداوند را خالقی سخت‌گیر می‌دانند که نمی‌خواهد بندگان در خوشی و آسایش باشند و از این‌رو، با وضع قوانین سخت‌گیرانه، آنها را از لذت‌های دنیا، باز می‌دارد. نویسنده با توجه به شبهاتی این چنین که در ذهن برخی نوجوانان است، سعی کرده تا با کلام خداوند، به این باورهای نادرست، پاسخ گوید.

در ابتدا پس از بیان علم بی‌پایان خداوند به صفت مهربانی خدا اشاره شده است و گفته شده که مهربانی خداوند حد و مرزی ندارد و دامنه این مهربانی، آن قدر وسیع است که همه چیز و همه کس را دربر گرفته است :

و رحمتی وسعت کل شیء (اعراف : ۱۵۶)

خداوند آن قدر به مهربانی در حق بندگان توجه داشته که حتی آن را بر خود لازم و ضروری کرده است.

کتب علی نفسه الرحمة (انعام : ۱۲)

در ادامه به صفت «ودود» اشاره شده است. ودود از ریشه «ود» و به معنای دوست داشتن کسی یا چیزی است، و در این آیه به معنای این است که خداوند بندگان را دوست دارد.

متأسفانه برخی با اتکا به مهربانی خدا که به راحتی دست به گناه می‌زنند، از همین جهت لازم است تا در کنار امیدواری به رحمت خداوند از عذاب و خشم خداوند نیز بیمناک شوند؛ از همین رو در ادامه بحث عقوبت خداوند مورد توجه قرار گرفته است.

سپس این نکته بیان شده که برخلاف تصور برخی که خدا را خالقی ظالم می‌دانند خداوند به هیچ‌کس کوچک‌ترین ظلمی نمی‌کند و اگر مردم ظلمی در جهان می‌بینند، ناشی از اعمال خود آنهاست. آیات بعدی نیز یک به یک علاوه بر بیان یکی از صفات الهی به دنبال اصلاح برخی از ذهنیت‌های غلطی است که در بین برخی از دانش‌آموزان رواج دارد. بنابراین، این آیات فرصت خوبی است تا به اصلاح باورهای غلط برخی مخاطبان، بپردازیم.

فعالیت کلاسی : در این فعالیت، دانش‌آموزان با صفات دیگری از خداوند که در این دو سوره

آمده است، آشنا می‌شوند، صفاتی همچون رحمان، رحیم، رب العالمین، مالک یوم‌الدین و... بیشتر بدانیم: قرآن کریم به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت صفات الهی، به دانش‌آموزان معرفی شد. به یقین اهل بیت پیامبر، مفسران قرآن‌اند و کلام و سخن آنان نیز در راستای کلام وحی است. از این رو، مراجعه به تعالیم آنان نیز ما را در شناخت هرچه بیشتر خداوند، یاری می‌کند. در این قسمت، بخشی از خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه در توصیف خداوند آمده است. توصیفی که همچون تعالیم قرآن، هم بر معرفت ما بر خدا می‌افزاید و هم، دل و جان ما را متأثر از این معرفت می‌کند.

هر انسانی با شنیدن توصیف امام علی (ع) با خود این‌گونه خواهد گفت که خدایی که از درون لانه‌های مورچگان و خانه‌های حشرات، باخبر است، خدایی که از مخفی‌گاه ریزترین حشرات در بین ساقه‌ها و پوست درختان آگاه است، خدایی که صدای آهسته قدم‌ها را می‌شنود، به یقین از من نیز غافل نیست و مرا به حال خود، رها نکرده است. او از حال و روزم خبر دارد و تک‌تک اعمالم در برابر او، حاضر است.

این تلنگر، باعث می‌شود تا ما همیشه خود را حاضر در برابر او بدانیم و اعمال و کردار خود را اصلاح کنیم.

تفکر در کتاب خلقت : دومین راهی که در این کتاب برای شناخت صفات بیشتری از خالق هستی معرفی شده است، راه تفکر در جهان آفرینش است. نویسنده در این بخش، جهان آفرینش را به زیبایی، تشبیه به کتاب خلقت نموده است. یعنی همچون کتاب آسمانی، جهان آفرینش نیز به مانند کتابی است که محتوای آن ما را به سوی خالق هستی راهنمایی می‌کند. آیه‌های کتاب خلقت، همان مخلوقاتی‌اند که هر یک همچون نشانه‌ای، هدایتگر ما به سوی خداوندند.

در ادامه نیز سخنی از فیزیکدان بزرگ معاصر یعنی اینشتین آمده است تا تأییدی بر این مدعا باشد که به هر میزان علم و دانش ما نسبت به جهان اطراف افزایش یابد، بیشتر می‌توانیم پی به علم و قدرت خداوند ببریم (در بخش دانستنی‌های معلم، جملات دیگری از برخی دانشمندان در خصوص شگفتی‌های خلقت بیان شده است).

صفات نبوتی و سلبی : دانش‌آموزان پس از مطالعه در کتاب الهی مشاهده می‌کنند که در آیات قرآن در عین اینکه برخی صفات به خدا نسبت داده شده است، برخی صفات مانند فرزند داشتن، شریک داشتن و... از خدا سلب شده است. همچنین با مطالعه در کتاب آفرینش به این نکته پی می‌برند که اگرچه مخلوقات همه صفات کمالی خود را از خالق هستی گرفته‌اند اما برخی از ویژگی‌های

مخلوقات که ریشه در محدودیت و نقص دارد را نمی‌توان به خدا نسبت داد، مثل جسمانی بودن. موجود جسمانی به مکان معین و زمان معین، محدود است و این یک نقص است. موجود جسمانی نمی‌تواند در همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها باشد درحالی که خداوند در همهٔ زمان‌ها هست و همه‌جا حضور دارد.

توجه به این نکته یعنی اثبات برخی صفات برای خدا و سلب برخی صفات از وی، ورود به بحث جدیدی را با عنوان صفات ثبوتی و سلبی می‌طلبد. از این رو پس از معرفی دو منبع برای شناخت خداوند وارد بحث صفات ثبوتی و سلبی می‌شویم.

در این قسمت دو نکته مهم وجود دارد که بایستی به آن توجه داشته باشیم؛ اول اینکه مراقب باشیم با بیان صفات ثبوتی و سلبی، دانش‌آموز دچار یک اشتباه رایج نشود؛ و آن اینکه گمان کند خداوند دو دسته صفات دارد: صفات ثبوتی و صفات سلبی. باید به دانش‌آموز توضیح داد که خدا فقط یک دسته صفات دارد و آن صفات ثبوتی است. صفات سلبی همان صفات نقص هستند که اصلاً در خدا، راه ندارند و آنها را از خدا سلب می‌کنیم و می‌گوییم خداوند منزّه از این صفات است. دوم آنکه هدف این بخش صرف آشنا شدن با مفهوم صفات ثبوتی و سلبی است و نباید با طرح سؤالات معماگونه، دانش‌آموزان را وارد بحث‌های حاشیه‌ای درخصوص این بحث کنیم.

فعالیت کلاسی: با توجه به شعر ابتدای درس، دانش‌آموزان صفات ثبوتی و سلبی را در شعر جدا کرده و می‌نویسند:

صفات ثبوتی: مَلِک، پاک، راهنما، دارای فضل، یکتایی، حکیم و...

صفات سلبی: رنج و گداز، درد، نیاز، بیم و امید داشتن، عیب و خطا و...

حمد و تسبیح: این قسمت به تبیین رابطهٔ حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی، می‌پردازد. هر انسانی به طور طبیعی، زیبایی و کمال را دوست دارد و از زشتی و نقص، دوری می‌جوید. هر جا که زیبایی را ببیند، می‌ستاید و هر جا که زشتی را ببیند، بیزاری می‌جوید. وقتی ما گل زیبایی را به دست می‌گیریم و می‌بویم و لذت می‌بریم و «به‌به» می‌گوییم، همین ابراز احساس، حمد و ثنای این گل است. حال اگر کسی با تأمل و تفکر دریابد که همهٔ این زیبایی‌هایی که در مخلوقات است از جانب خداست و او زیباترین است و هیچ نقصی از نقص‌های مخلوقات در او راه ندارد، خودبه‌خود زبان به ستایش او می‌گشاید (حمد) و هر بدی را از او دور می‌کند (تسبیح).

به همین جهت است که انسان‌های مؤمن و کسانی که در حد خویش خدا را شناخته باشند، با دیدن هر خوبی و زیبایی در جهان، به تعریف و تمجید (حمد) خالق اصلی آن زیبایی می‌پردازند.

وقتی هم که در نماز می‌گوییم: الحمدلله یعنی تمام تعریف‌ها و ستایش‌های جهان از آن خداست چرا که هر کسی که زبان به ستایش یک خوبی می‌گشاید، دانسته یا ندانسته از خالق آن زیبایی، تمجید می‌کند.

برای درک بهتر این مطلب می‌توان مثال نی را زد. ممکن است کسی وقتی صدای زیبای نی را می‌شنود به تحسین و تمجید از نی پردازد در حالی که نی وقتی از لب‌های نوازنده دور می‌افتد بی‌نغمه خواهد شد و دیگر هیچ نوای خوشی ندارد. پس باید به تحسین خالق اصلی این نوای زیبا پرداخت که همان نوازنده نی است.

نی ز نغمه واماند چون ز لب جدا ماند

این نکته را نیز در تبیین رابطه حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی بایستی به دانش‌آموز بیان کنیم که در حمد و ستایش همواره صفات ثبوتی خدا بیان می‌شود و در تسبیح، خداوند را از صفات سلبی پاک و منزّه می‌داریم.

دانستنی‌های معلم

۱- در قرآن کریم ۱۲۷ مورد از صفات خداوند بیان شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

خدا	اله : خدا
اعلی : بالاتر	اکرم : گرامی‌تر
اعلم : داناتر	ارحم الراحمین : مهربان‌ترین مهربانان
احکم الحاکمین : استوارترین فرمانروایان	احسن الخالقین : بهترین آفرینندگان
اهل المغفرة : بخشایشگر	اقرب : نزدیک‌تر
ابقی : ماندگارتر	باری : هست‌کننده
باطن : حس‌نشدنی	بدیع : نوآور
بِرّ : نیک	بصیر : بینا
توّاب : بسیار توبه‌پذیر	جبار : بسیار جبران‌کننده
حکیم : سنجیده‌کردار	حلیم : بردبار
حیّ : زنده	حق : حق
حمید : ستوده	حسیب : حساب‌کننده
حفیظ : نگه‌دارنده	حقّی : مهربان

خالق: آفریدگار	خبیر: آگاه
خبیر: خوبترین	خلاق: بسیار آفریننده
خیر الحاکمین: بهترین داوران	خیر الزاقین: بهترین روزی دهندگان
خیر الغافرین: بهترین آمرزندگان	خیر الفاتحین: بهترین پیروزمندان
خیر الزاحمین: بهترین رحم کنندگان	خیر الوارثین: بهترین وارثان
ذو الطول: ولی نعمت	خیر المنزلین: بهترین نازل کنندگان
ذو الفضل العظیم: بخشایشگر بزرگ	ذو انتقام: انتقام گیرنده
ذو القوه: نیرومند	ذو الرحمه: دارای رحمت
ذو المعارج: صاحب مراتب	ذو الجلال و الاکرام: باشکوه و بزرگواری
رحیم: مهربان	رحمان: بخشاینده
رب: پروردگار	رثوف: مهربان
رزاق: بسیار روزی دهنده	رفیع الدرجات: بلندمرتبه
سمیع: شنوا	رقیب: نگهبان
شهید: گواه	سریع الحساب: زودحسابگر
شکور: بسیار سپاس دارنده	شاکر: سپاس دارنده
شدید المحال: سخت کیفر	شدید العقاب: سخت کیفر دهنده
ظاهر: آشکار	صمد: بی نیاز
عزیز: ارجمند	علیم: بسیار دانا
علی: بلندمرتبه	عفو: بخشایشگر
علام الغیوب: دانای نهانها	عظیم: بزرگ
غنی: ثروتمند	عالم الغیب و الشهاده: دانای نهان و آشکار
غالب: چیره	غفور: بسیار آمرزنده
غفار: بسیار آمرزنده	غافر الذنب: آمرزنده گناه
فاطر: آفریننده	فالق الإصباح: روشن کننده صبح
قوی: نیرومند	فتاح: بسیار گشاینده
قیوم: پاینده	قدوس: دور از هر عیب و نقص
قهار: بسیار چیره	قاهر: چیره

قادر: توانا	قریب: نزدیک
قابل التوب: توبه پذیر	قدیر: توانا
کریم: بخشنده	کبیر: بزرگ
لطیف: مهربان	کافی: کافی
مهیم: نگاهبان	مؤمن: ایمنی دهنده
مصور: صورت ساز	متکبر: بزرگ تر از دیگران
مجیب: برآورنده دعا	مجید: با عظمت
مولی: سرپرست	مبین: آشکار کننده
مقیم: توانا	محیط: دربرگیرنده
محیی: جان بخش	متعال: بلند مرتبه
مقتدر: قدرتمند	متین: استوار
مبدئ: آفریننده	مستعان: یاری خواسته شده
نور: روشنائی	نصیر: یاور
واحد: یگانه	وهاب: بسیار بخشنده
والی: صاحب اختیار	ولی: دوست
وکیل: کارگزار	واسع: گشایش دهنده
هادی: راهنما	ودود: بسیار مهربان

۲- تفکر در کتاب خلقت و مطالعه در شگفتی های آن اعجاب بسیاری از دانشمندان را در خصوص عظمت هستی برانگیخته است. در ادامه نمونه هایی از سخنان برخی از این اندیشمندان در خصوص جهان خلقت بیان می شود:

ماکس پلانک، یکی از بزرگترین فیزیک دانان نامی معاصر می گوید: «در برابر طبیعت کاوش ناپذیر که مدام نوبه نو می شود، آدمی هر اندازه از نظر علمی پیشرفته تر باشد، همچنان به کودکی می ماند که بیوسسته باید آماده شگفتی های حیرت زای تازه ای باشد»^۱.

اینستاین در خصوص کشف شگفتی های خلقت می گوید: زیباترین و عمیق ترین احساسی که ما می توانیم {به هنگام دیدن این زیبایی ها} تجربه کنیم احساسی عرفانی است... کسی که با این احساس بیگانه است و هنوز مجذوب و شگفت زده نشده است مثل مرده می ماند. (فیزیک دانان غربی و مسئله خدا باوری، ص ۳۴)

۱- تصویر جهان در فیزیک جدید، ماکس پلانک، ص ۱۰۵.

خانداش در آسمان، دور از زمین
 بود، اما در میان ما نبود
 مهربان و ساده و زیبا نبود
 در دل او دوستی جایی نداشت
 مهربانی هیچ معنایی نداشت
 هر چه می پرسیدم، از خود، از خدا
 از زمین، از آسمان، از ابرها
 زود می گفتند: این کار خداست
 پرس و جو از کار او کاری خطاست
 هر چه می پرسیم، جوابش آتش است
 آب اگر خوردی، عذابش آتش است
 تا بیندی چشم، کورت می کند
 تا شدی نزدیک، دورت می کند
 کج گشودی دست، سنگت می کند
 کج نهادی پای، لنگت می کند
 با همین قصه، دلم مشغول بود
 خواب میم، خواب دیو و غول بود
 خواب می دیدم که غرق آتشم
 در دهان اژدهای سرلشتم

پیش از اینها فکرمی کردم خدا
 خاندا می دارد کنار ابرها
 مثل قصر پادشاه قصه ها
 تختی از الماس تختی از طلا
 پایهای بر بنش از عاج و بلور
 بر سر تختی نشسته با غرور
 ماه برق کوچکی از تاج او
 هر ستاره، پولکی از تاج او
 اطلس پیراهن او، آسمان
 نقش روی دامن او، لگنشان
 رعد و برق شب، طنین خنده اش
 سیل و طوفان، نغره توفنده اش
 دکه پیراهن او، آفتاب
 برق تیغ خنجر او ماهتاب
 هیچ کس از جای او آگاه نیست
 هیچ کس را در حضورش راه نیست
 پیش از اینها خاطر مملو دگر بود
 از خدا در ذهنم این تصویر بود
 آن خدا بی رحم بود و حاکمین

در دهان اژدهای حکمکین
 بر سرم باران گرز آتشین
 محومی شد نغره بایم، بی صدا
 در طنین خنده خشم خدا...
 نیت من، در ناز و در دعا
 ترس بود و وحشت از خشم خدا
 هر چه می کردم، همه از ترس بود
 مثل از بر کردن یک درس بود
 مثل تمرین حساب و هندسه
 مثل تنبیه مدیر مدرسه
 تلخ، مثل خنده ای بی حوصله
 سخت، مثل حل صدها مسئله
 مثل تکلیف ریاضی سخت بود
 مثل صرف فعل ماضی سخت بود
 ...
 تا که یک شب دست در دست پدر
 راه افتادم به قصد یک سفر
 در میان راه، در یک روستا
 خانهای دیدم، خوب و آشنا
 زود پرسیدم: پدر، اینجا کجاست؟

گفت، اینجا خانه خوب خداست!
 گفت: اینجا می شود یک لحظه ماند
 کوشهای خلوت، نازمی ساده خواند
 با وضویی، دست و روئی تازه کرد
 با دل خود، گفتگوی تازه کرد
 گفتش، پس آن خدای حکمکین
 خانه اش اینجا است؟ اینجا، در زمین؟
 گفت: آری، خانه او بی ریاست
 فرش هایش از گلیم و بوریاست
 مهربان و ساده و بی کینه است
 مثل نوری در دل آینه است
 عادت او نیست خشم و دشمنی
 نام او نور و نشانش روشنی
 خشم، نامی از نشانی های اوست
 حالتی از مهربانی های اوست
 قمر او از آشتی، شیرین تر است
 مثل قمر مهربان مادر است
 دوستی را دوست، معنی می دهد
 قهر هم با دوست معنی می دهد
 هیچ کس با دشمن خود، قهر نیست

قمری او هم نشان دوستی است

...

تازه فهمیدم خدایم، این خداست

این خدای مهربان و آشاست

دوستی، از من بر من نزدیک تر

از رگ کردن بر من نزدیک تر

آن خدای پیش از این را باد برد

نام او را هم دلم از یاد برد

آن خدا مثل خیال و خواب بود

چون جبابی، نقش روی آب بود

می توانم بعد از این، با این خدا

دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

می توانم با این خدا پرواز کرد

سفره دل را برایش باز کرد

می توان در باره گل حرف زد

صاف و ساده، مثل بلبل حرف زد

چکد چکد مثل باران راز گفت

با دو قطره، صد هزاران راز گفت

می توان با او صمیمی حرف زد

مثل یاران قدیمی حرف زد

می توان تصنیفی از پرواز خواند

با الفبای سکوت آواز خواند

می توان مثل علف ها حرف زد

با زبانی بی الفبا حرف زد

می توان درباره هر چیز گفت

می توان شعری خیال انگیز گفت

مثل این شعر روان و آشا

« پیش از اینها فکر می کردم خدا »

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- پرسش ها و پاسخ ها (خدا)، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه.
- ۲- رسائل توحیدی، علامه طباطبایی.
- ۳- راه های خداشناسی در طبیعت، ابوطالب تجلیل، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴- توحید، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.

درس دوم

در پناه ایمان

هدف کلی

شناخت حقیقت ایمان

اهداف جزئی :

- آشنایی با ایمان و تفاوت آن با شناخت و معرفت عقلانی
- آشنایی با علت عمل نکردن به برخی از دانسته‌ها
- آگاهی از راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا
- تأثیر ایمان به خدا در زندگی انسان

ضرورت درس

دانش‌آموزان در درس گذشته با صفات خداوند آشنا شدند و او را به عنوان خالقِ مهربان، توبه‌پذیر، شاکر و ... شناختند. اکنون قرار است به درک این نکته برسند که شناخت خدا اگرچه لازم و ضروری است اما برای حرکت به سوی خدا کافی نیست و در کنار شناخت، نیازمند حقیقت دیگری به نام ایمان هستیم. به عبارت دیگر، آثار عملی شناخت خدا زمانی آشکار می‌شود که این شناخت به مرحله ایمان برسد. بنابراین دانش‌آموزان در این درس می‌آموزند که چگونه می‌توانند در مسیر ایمان به خدا گام بگذارند تا اثر دانسته‌های خویش در مورد خدا را در جای جای زندگی خویش احساس کنند.

محورهای اصلی درس

- ۱- علت قصور و کوتاهی انسان در عمل به دانسته‌های خویش
- ۲- ایمان، اعتماد و اطمینان قلبی کامل به یک مطلب، یک شخص، یک دین یا... است.
- ۳- همراهی شناخت و ایمان منجر به عمل می‌شود.
- ۴- راه‌های تقویت ایمان به خدا: تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش، یاد و ذکر خداوند، انجام اعمال صالح و پرهیز از گناهان.
- ۵- آرامش و رهایی از احساس بیهودگی دو نتیجه ایمان به خدا در زندگی انسان

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

- ۱- چرا برخی افراد با وجود آنکه فایده بسیاری از کارها را می‌دانند آن را انجام نمی‌دهند؟
- ۲- چرا برخی با وجود شناخت نسبت به خدا، نسبت به دستورات و تعالیم وی بی‌توجه هستند؟
- ۳- ایمان چیست؟
- ۴- آیا ممکن است به خدا ایمان داشت اما به دستورات او عمل نکرد؟
- ۵- چگونه می‌توانیم بر ایمان خود به خداوند بیفزاییم؟
- ۶- ایمان به خدا چه تأثیری بر زندگی ما می‌گذارد؟
- ۷- نتایج دور شدن از ایمان به خدا چیست؟

روش تدریس

شیوه تدریس «ورودیه»: شروع تدریس با سؤالات مطرح شده در ورودیه می‌تواند روش خوبی برای آغاز این درس باشد. شما می‌توانید سؤالات دیگری نیز به این بخش اضافه کنید و دانش‌آموزان را به تفکر بیشتر وادارید. مثلاً بگویید چرا بعضی از نوجوانان با وجود آنکه از مضرات بازی‌های کامپیوتری باخبرند اما ساعت‌ها پای آن می‌نشینند؟ چرا برخی‌ها با آنکه می‌دانند حجاب و پوشش مناسب چه فوایدی دارد اما باز با ظاهر نامناسب در جامعه حضور می‌یابند؟ و چراهای دیگر.

شیوه تدریس «تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش»: در این قسمت می‌توان با ذکر مواردی از عجایب و شگفتی‌های خلقت، روح و جان مخاطب را در برابر عظمت خداوند خاضع کرد. برای نمونه می‌توان از متن شماره ۳، بخش دانستنی‌های معلم استفاده کرد.

شیوه تدریس «آثار ایمان»: در بخش آثار ایمان می‌توان قبله‌نمایی را به کلاس آورد و با

نشان دادن آن به دانش‌آموزان این گونه گفت که عقربه‌های قبله‌نما پیوسته لرزان‌اند، مگر زمانی که همسو با قبله باشند.

دل آدمی نیز همین طور است،
لرزان و مضطرب است مگر اینکه با خدا همسو شود و همواره در یاد خدا باشد.
پیامبر(ص) همواره دلی آرام داشت. چرا؟ چون پیوسته در یاد خدا بود :
«لایقوم و لایجلس الا علی ذکر الله» یعنی در تمام نشست‌ها و برخاست‌ها یاد خدا می‌کرد.
البته نه به این معنا که دائم تسبیح به دست بود. بلکه هر کجا می‌خواست کاری انجام دهد، آنچه را که مطابق رضای خدا بود انجام می‌داد.
و یاد خدا به این معناست.

تحلیل اجزای درس

ورودی: ورودیه این درس با طرح سؤالاتی به دنبال آماده کردن ذهن دانش‌آموزان برای درک این نکته است که صرف دانستن در خصوص یک مطلب، موجب عمل به آن نمی‌شود، بلکه علاوه بر شناخت، نیاز به وجود امر دیگری است تا به وسیله آن، انسان در جهت عمل به دانسته‌های خویش گام بردارد.
دانش‌آموز با نگاهی به زندگی خود و اطرافیانش موارد متعددی را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود آنکه به خوبی برخی کارها معترفند اما حاضر به انجام آن نیستند. مثلاً از فواید مسواک زدن با خبرند اما به آن تن نمی‌دهند، و یا از اثرات ورزش بر سلامتی آگاهند، اما وقتی برای آن اختصاص نمی‌دهند. همچنین موارد بسیاری را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود علم به مضرات یک عمل، حاضر به دست کشیدن از آن نیستند. به عنوان نمونه از مضرات سیگار با خبرند اما آن را ترک نمی‌کنند.
طرح این نمونه‌ها کمک می‌کند تا دانش‌آموز به این نتیجه برسد که تنها شناخت برای عمل کردن کافی نیست بلکه در کنار شناخت، نیاز به امر دیگری نیز هست تا بتواند انسان را به سمت عمل سوق دهد.
فعالیت کلاسی: دانش‌آموز پس از مطالعه ورودیه با همفکری دوستان خود باید بیان کند که حلقه مفقوده میان شناخت و عمل چیست؟ باور و اعتقاد قلبی (یا همان ایمان) به آنچه که می‌داند همان چیزی است که اگر در کنار شناخت قرار گیرد، موجب حرکت انسان به سمت عمل می‌شود. یعنی اگر انسان با جان و دل آنچه را که می‌داند نپذیرد، یقیناً به سمت عمل به علم خویش نخواهد رفت.
البته ممکن است دانش‌آموزان به سؤال این فعالیت جواب‌های متعددی دهند اما هر جوابی که به این معنا نزدیک باشد قابل پذیرش است.

دو دوست جدایی ناپذیر : در بخش قبل به دنبال اثبات این مطلب بودیم که برای عمل به دانسته‌های خویش باید به آن باور قلبی (ایمان) داشته باشیم. در این قسمت می‌خواهیم بحث باور قلبی را در حوزه اعتقادات دینی مطرح کنیم. (در بخش قبل ایمان به معنای عام آن، یعنی باور قلبی به هر موضوع و مطلبی طرح شد و در این قسمت به دنبال مطرح کردن بحث ایمان به معنای خاص آن، یعنی ایمان به خدا هستیم) یعنی دانش‌آموزان را متوجه این نکته کنیم که همانطور که صرف شناخت یک حقیقت منجر به عمل نمی‌شود، صرف شناخت خدا و آشنایی با صفات و ویژگی‌های او نیز لزوماً به تسلیم شدن در برابر خدا و تبعیت از او منجر نمی‌شود، بلکه باید در کنار این شناخت، باور قلبی یا همان ایمان به خدا را نیز در درون خود ایجاد کنیم.

در این بخش اشاره‌ای هم به همراهی ایمان و عمل شده است. یعنی هر جا که ایمان باشد عمل نیز به دنبال آن خواهد بود. در واقع عمل ثمره و نتیجه ایمان است.

ذکر این نکته از آن رو ضروری است که برخی گمان می‌کنند همین که به خدا و پیامبر او ایمان دارند کافی است و از همین رو تقید چندانی به انجام اعمال دینی ندارند. در حالی که کسی که اهل عمل به دستورات الهی نیست در واقع ایمان هم ندارد و ادعای ایمان او حرف گزافی است؛ زیرا محال است که فرد به حقیقتی ایمان داشته باشد اما عملی به دنبال آن نباشد. پس هرگاه دیدیم که عمل نیست بدانیم که ایمان هم نیست.

نکته مهم : پر رنگ کردن بحث ایمان در این قسمت به معنای کم توجهی به اهمیت بحث معرفت و شناخت نیست زیرا تا نسبت به حقیقتی شناخت پیدا نکنیم نمی‌توانیم نسبت به آن باور قلبی پیدا کنیم و در واقع شناخت مقدمه ایمان است.

شناخت ← ایمان ← عمل

بنابر این ادعای کسانی همچون مسیحیان که می‌گویند ایمان یعنی باور به چیزی که درک و شناختی از آن نداریم، ادعایی باطل و تنها در توجیه عقاید غیر عقلانی آنهاست زیرا در مسیحیت تحریف شده عقایدی همچون تثلیث و یا جسم انگاری خدا وجود دارد که با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و از همین رو آنان ناچارند برای موجه نشان دادن چهره مسیحیت و توجیه این عقاید، ایمان را به گونه‌ای تفسیر کنند که نیاز به عقل و معرفت در آن وجود نداشته باشد. اما در حقیقت ایمانی که همراه با معرفت و شناخت نباشد ایمان نیست بلکه صرفاً تقلید و پیروی کورکورانه است. اما ایمانی که در دین اسلام مطرح است، ایمانی است که شناخت و معرفت مقدمه ضروری آن است.

فعالیت کلاسی : این فعالیت به دنبال نقد برخی از رفتارهای غلط در میان جامعه است. جامعه‌ای که اکثر افراد آن خود را مؤمن به خدا می‌دانند، اما در عمل شاهد بروز رفتارهایی هستیم که در تعارض با این ایمان است. در حقیقت با توجه به مطالب بخش پیش که به پیوستگی و همراهی ایمان و عمل اشاره داشت، دانش‌آموزان برخی رفتارهای رایج در جامعه را که با ادعای ایمان افراد در تعارض است بیان می‌کنند. مثلاً کسی که به خدا ایمان دارد و او را ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌داند حق دیگران را پایمال نمی‌کند، ظاهر و پوشش خود را مطابق با معیارهای الهی قرار می‌دهد و... از همین رو، بروز رفتارهایی برخلاف معیارهای الهی نشان دهنده این است که یا هنوز ایمان در دل این‌گونه افراد وارد نشده است و یا ایمان این افراد ضعیف است.

بیشتر بدانیم : این بخش در پاسخ به سخنی است که متأسفانه در میان برخی از مردم رواج دارد و به محض اینکه کسی به اعمال و رفتار آنان اعتراض کند می‌گویند : این چیزها خیلی مهم نیست بلکه مهم این است که قلبت پاک باشد!

در این قسمت با توجه به آنچه که دانش‌آموز درباره همراهی ایمان و عمل خوانده است و با کمک یک مثال بیان شده است که ممکن نیست کسی در قلبش ایمان باشد اما به دنبال آن عمل و کردار صالح نباشد. یقیناً کسی که ظاهر و کردار و گفتار نامناسبی دارد، یا قلبش نیز از نور ایمان تهی است و یا از ایمان اندکی بهره‌مند است.

حقیقت ایمان : تبیین معنای ایمان از اهداف این قسمت است. همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید تعریفی که در این بخش، از ایمان ارائه شده تعریفی کلی است که هر گونه ایمانی را در بر می‌گیرد؛ چه ایمان مذهبی و چه ایمان به امور غیر مذهبی. هدف از این تعریف کلی هم این بوده است که مخاطب متوجه شود که ایمان منحصر در مسائل دینی نیست و به هر حالت اعتماد و اطمینان قلبی که انسان به یک موضوع دارد ایمان (یا همان باور قلبی) گفته می‌شود. مثلاً کسی که برای ورزش کردن وقت می‌گذارد معلوم است که به ورزش و تأثیرات آن در بدن ایمان دارد. حتی ممکن است فرد به زشتی‌ها و بدی‌ها و شیطان ایمان بیاورد. خداوند در قرآن کریم از کسانی یاد می‌کند که به طاغوت و شیطان ایمان می‌آورند. (سوره نساء/۵۱)

پس از تعریف کلی ایمان، به تبیین یکی از مصادیق ایمان که همان ایمان به خداست پرداخته شده است. از این قسمت به بعد هر آنچه که در مورد ایمان گفته می‌شود مربوط به ایمان به معنای دینی و مذهبی آن است.

پاسخ به یک سؤال : ممکن است این سؤال پیش آید که چرا از همان ابتدا به بحث ایمان دینی

پرداخته نشد؟ یکی از دلایل این مسئله زمینه سازی برای پاسخ به شبهه‌ای است که ممکن است در ذهن برخی از دانش‌آموزان شکل بگیرد و آن اینکه: اگر عمل همیشه همراه با ایمان است پس چگونه شاهد آن هستیم که در برخی از جوامع بی‌ایمان، کارهای خوب و پسندیده‌ای از سوی مردم انجام می‌شود، مثلاً قانون به خوبی در این کشورها رعایت می‌شود؛ نظم اهمیت بالایی دارد و... در حالی که گفته شده عمل ثمره ایمان است اما در این جوامع ایمانی وجود ندارد!

این شبهه در صورتی در ذهن مخاطب رخ می‌دهد که گمان کند منظور از ایمان در بحث همراهی ایمان و عمل، همان ایمان دینی است. اما اگر دانش‌آموز طبق تعریف ارائه شده در درس، بداند که ایمان به هر گونه باور و اعتقاد قلبی‌ای گفته می‌شود که انسان به یک مطلب یا موضوعی دارد (هرچند که آن موضوع، غیر دینی باشد)، پاسخ به این شبهه آسان می‌شود. طبق این تعریف حتی در جوامع بی‌دین نیز ایمان وجود دارد. به عنوان نمونه در این کشورها مردم به این باور قلبی رسیده‌اند که رعایت نظم به نفع همه است و به نظم ایمان آورده‌اند، بنابراین به آن عمل می‌کنند. و یا به این باور درونی رسیده‌اند که رعایت قانون به نفع همگان و از جمله خود آنهاست برای همین به قانون عمل می‌کنند. پس آنها نیز ایمان دارند، ایمان به نظم، ایمان به قانون... و به دلیل این ایمان است که این اعمال از آنها سر می‌زند. راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا: پس از آشنایی دانش‌آموز با حقیقت ایمان و جایگاه آن، این سؤال در ذهن وی شکل می‌گیرد که چگونه می‌تواند شناخت خود را به مرحله ایمان برساند و ایمان به خدا را در دل خود تقویت کند و در زمره مؤمنان واقعی قرار گیرد. در این قسمت با استفاده از سیره معصومین (صلوات الله علیهم) سه راه در جهت تقویت ایمان توضیح داده شده است. البته راه‌های تقویت ایمان، راه‌های رسیدن به ایمان نیز هست.

تفکر پیرامون آیات خدا در جهان پیرامون: در این قسمت دانش‌آموز می‌تواند با رجوع به آموخته‌های خود در کتاب‌های علوم و یا جغرافیا نمونه‌هایی از شگفتی‌های طبیعت را که مظهر علم و قدرت خدا هستند بیان کند. همچنین دبیر می‌تواند با اشاره به آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ آل عمران و نیز آیات ۱۰ تا ۱۵ نحل از این شگفتی‌ها را از زبان قرآن بیان کند. به یقین هر چه بیشتر در قدرت و عظمت خداوند تفکر کنیم، قلب ما بیشتر سر تسلیم فرو خواهد آورد زیرا به این باور می‌رسیم که در برابر خالق هستی و عظمت وصف ناپذیر او ذره‌ای ناچیز هستیم که تنها با اتصال به او می‌توانیم ارج و قرب بیابیم. (برخی از این شگفتی‌ها در بخش دانستنی‌های معلم آمده است.)

یاد و ذکر خدا/وند: می‌توان در این قسمت علاوه بر تأکید بر انس با قرآن و توجه به نماز اول وقت، دانش‌آموزان را با برخی دیگر از راهکارهای جاری ساختن یاد خدا در زندگی آشنا سازیم: هم‌نشینی با

افراد با ایمان، مطالعه در زندگی امامان و سایر انسان‌های مؤمن (شهدا، بزرگان دین و...)، حضور در مسجد و...

بیشتر بدانیم : این بخش به دنبال پررنگ کردن بحث برنامه‌ریزی برای تلاوت منظم قرآن و نیز اقامه نماز اول وقت است. این دو کار در سیره ائمه و اولیاء خدا از بهترین راهکارها برای افزایش ایمان به خداست. اگر دانش‌آموزان یاد بگیرند که برنامه‌ای منظم و روزانه برای تلاوت قرآن داشته باشند و همچنین نماز خود را در ابتدای وقت آن بخوانند، نور ایمان را در قلب خود احساس خواهند کرد.

انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان : در این قسمت رابطه دوسویه ایمان و عمل صالح بیان شده است. برای تبیین بهتر این مطلب می‌توان این مثال را زد: کسی که ارزش خدمت به نیازمندان و محرومان را می‌داند (شناخت) و سپس علاقه قلبی و باور قلبی به این کار پیدا می‌کند (ایمان)، رو به سوی کمک به محرومان می‌آورد (عمل)، از طرف دیگر، با پا گذاشتن به این کار و روبرو شدن با محرومان و نیازمندان، روز به روز بر علاقه و محبتش به آنان و باور قلبی‌اش برای کمک به محرومان افزوده می‌شود (افزایش ایمان).

ایمان \longleftrightarrow عمل

فعالیت کلاسی : در این فعالیت سعی شده تا با ارائه یک مثال، دانش‌آموزان با تأثیر برخی اعمال بر ایمان انسان آگاه شوند. به همین منظور ابتدا روایتی از امیرالمؤمنین ذکر شده که دوستی با افراد گناهکار را باعث از بین رفتن ایمان می‌دانند. دانش‌آموزان با توجه به این حدیث بایستی بیان کنند که دوستی با چنین افرادی چگونه باعث نابودی ایمان می‌شود. به‌عنوان نمونه این گونه دوستان به انسان پیشنهاد دیدن فیلم‌های نامناسب را می‌دهند که باعث از بین رفتن ایمان می‌شود. یا انسان تحت تأثیر آنها لباس‌هایی را می‌پوشد که باعث تضعیف ایمان انسان می‌شود، همچنین انسان پس از مدتی رفت و آمد با این افراد واجبات دین خود مثل نماز را به فراموشی می‌سپارد که خود عاملی در جهت تضعیف ایمان است.

آثار ایمان : پس از آنکه دانش‌آموزان ارزش ایمان را شناختند، اکنون شایسته است که با ثمرات ایمان بیشتر آشنا شوند. در این درس به دو اثر ایمان بر انسان اشاره شده است: آرامش و رهایی از احساس بیهودگی. انتخاب این دو اثر از میان آثار فراوان ایمان به خدا، به علت ویژگی‌های خاص روحی دانش‌آموزان در این سن است. دانش‌آموزان با ورود به این سن که سن استقلال طلبی و شکل‌گیری شخصیت و هویت نوجوان است با بحران‌های متعددی مواجه می‌شوند که از آن جمله احساس تشویش و اضطراب و نیز احساس سردرگمی و بیهودگی در زندگی است.

نوجوان امروزی به دلیل قرار گرفتن در دنیای غرب زده کنونی و به چالش کشیده شدن هویت دینی وی، بیش از هر زمان دیگری با این بحران‌ها مواجه است. دنیای پر اضطراب غرب که هویت انسان را در همین دنیای مادی خلاصه می‌کند، اگر چه به دلیل جاذبه‌های ظاهری موجب کشش جوانان به سمت خود می‌شود اما نمی‌تواند پاسخ‌گوی فطرت پاک نوجوان و جوان ما باشد. همین امر موجب می‌شود تا جوان امروزی گرفتار تشویش، اضطراب، افسردگی و احساس پوچی شود. از این رو، لازم است تا بدانند که برای رهایی از این ورطه باید قلب خود را با یاد و نام خدا آرام کند و هویت واقعی خود را در سایه ایمان به خدا پیدا نماید.

دانستنی‌های معلم

۱- امام خمینی در کتاب «چهل حدیث» می‌نویسد: بدان که «ایمان» غیر از علم به خدا و سایر صفات کمالیه ثبوتیه و جلالیه و سلبیه و علم به ملائکه و رسل و کتب و یوم قیامت است. چه بسا کسی دارای این علم باشد و مؤمن نباشد. شیطان، عالم به تمام این مراتب به قدر من و شما هست و کافر است. بلکه ایمان یک عمل قلبی است که تا آن نباشد، ایمان نیست. باید کسی که از روی برهان عقلی یا ضرورت ادیان چیزی را علم پیدا کرد، به قلب خود نیز تسلیم آنها شود و علم قلبی را، که یک نحو تسلیم و خضوع است و یک طور تقبل و زیر بار رفتن است، انجام دهد تا مؤمن گردد. و کمال ایمان، «اطمینان» است. نور ایمان که قوی شد، به دنبالش اطمینان در قلب حاصل می‌شود و تمام اینها غیر از علم است. ممکن است عقل شما به برهان، چیزی را ادراک کند ولی قلب تسلیم نشده باشد و علم بی‌فایده گردد؛ مثلاً شما به عقل خود ادراک کردید که مرده نمی‌تواند به کسی ضرر بزند و تمام مرده‌های عالم به قدر مگس، حس و حرکت ندارند و تمام قوای جسمانی و نفسانی از او مفارقت کرده، ولی چون این مطلب را قلب قبول نکرده و تسلیم عقل نشده، شما نمی‌توانید با یک مرده در شبی تاریک به سر ببرید. ولی اگر قلب تسلیم عقل شد و این حکم را از او قبول کرد، این کار برای شما هیچ اشکالی ندارد و چنانچه بعد از چند مرتبه اقدام، قلب تسلیم شده، دیگر باکی از مرده نمی‌کند^۱.

۲- شعری در خصوص ایمان:

شخص انسان دارد و شخصیت انسان ندارد	آدمی کاندرا طریق معرفت ایمان ندارد
تا بدانی هیچ ارزش علم بی‌ایمان ندارد	ای که مغروری به دانش، دانشت را بیشتر کن
لرزد و ریزد گر از ایمان بی و بنیان ندارد	کاخ دانش گر همه از سنگ و از یولادسازی

۱- شرح چهل حدیث، ص ۳۷

۳- نکاتی در خصوص بخش «تفکر پیرامون آیات خدا در گستره هستی»:

آیا می‌دانید یک میلیون کره زمین در خورشید جا می‌شود؟

آیا می‌دانید در هر ثانیه ۴/۵ میلیون تن از خورشید می‌سوزد و به انرژی تبدیل می‌شود؟

آیا می‌دانید رقم تخمین زده شده از ستاره‌های جهان ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ است؟

(سه به همراه بیست و سه صفر) است؟

آیا می‌دانید که ما در یک شب کاملاً صاف و در منطقه‌ای کاملاً تاریک (در دل کویر) نهایتاً

۳۰۰ ستاره را با چشم می‌بینیم؟

آیا می‌دانید که براساس محاسبات ستاره‌شناسان حدود یکصد میلیارد کهکشان در آسمان وجود

دارد که کهکشان راه شیری، یعنی کهکشانی که ما در آن قرار داریم، تنها یکی از این کهکشان‌هاست؟

آیا می‌دانید وقتی انگشت خود را به سمت آسمان می‌گیرید، تنها پشت یک بند آن معادل ۵۰ هزار

کهکشان وجود دارد؟

آیا می‌دانید که هر کدام از این کهکشان‌ها به تنهایی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد ستاره را در خود

جای داده‌اند؟

آیا می‌دانید که نزدیک‌ترین کهکشان به ما بیش از دو میلیون سال نوری و دورترین کهکشانی که

تاکنون با ابزارهای پیشرفته امروزی رصد شده است، ۱۳ میلیارد سال نوری با ما فاصله دارد؟ (یعنی

این نوری که امروز ما از نزدیک‌ترین ستاره می‌بینیم مربوط به دو میلیون سال پیش است که اکنون به

دست ما رسیده است؟)

یعنی اگر در هر ثانیه، ۳۰۰ هزار کیلومتر را طی کنیم، بعد از ۱۳ میلیارد سال به این کهکشان

می‌رسیم.^۱

آیا می‌دانید ...

شما با شنیدن این همه شگفتی‌ها، چه احساسی نسبت به خالق هستی پیدا می‌کنید؟

۴- ویژگی‌های انسان مؤمن از نگاه امام سجاده (ع): «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: الْوَرَعُ فِي

الْخَلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقَلْبَةِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ، وَالجِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ

امام زین العابدین علیه السلام: نشانه‌های مؤمن پنج تا است: پارسایی در خلوت، صدقه دادن در

تنگدستی، شکیبایی در برابر مصیبت، بردباری هنگام خشم، و راست‌گویی با وجود بیم و ترس (بحارالانوار

ج ۶۴ ص ۲۹۳)

۱- برگرفته از سایت تخصصی انجمن نجوم ایران.

۵- مدتی زیبا و مناسب برای بخش «راه‌های دستیابی و تقویت ایمان»

«مدتی بود که احساس می‌کردم، حالم خوب نیست. برای معاینه به درمانگاه خدا رفتم. آزمایش خون گرفتند؛ معلوم شد که میزان ایمانم پایین آمده است. زمانی که دمای بدنم را سنجیدند، دماسنج ۴۰ درجه اضطراب نشان داد. ضربان قلبم را که گرفتند، معلوم شد که قلبم مدتی است برای خدا نمی‌تپد. چشمم را معاینه کردند، معلوم شد مشکل نزدیک‌بینی هم دارم، چون جز خودم و خواسته‌های دنیوی خودم کسی را نمی‌دیدم، زمانی که از مشکل شنوایی‌ام شکایت کردم، معلوم شد که مدتی است صدای خدا را، آن‌گاه که در طول روز مرا به صحبت با خویش می‌خواند، نمی‌شنوم. وقتی که معاینات تمام شد و از حال و روز بد خودم باخبر شدم، خداوند مهربان برای درمان همه این امراض به من مشاوره‌ای رایگان داد و من نیز تصمیم گرفتم از این پس تنها از داروهایی که در کلمات راستینش برایم تجویز کرده است، استفاده کنم: هر شبانه‌روز پنج نوبت نماز بخوانم، در هر ۲۴ ساعت حداقل روزی یک صفحه قرآن تلاوت کنم و در معانی آیات آن بیندیشم، هر صبح خود را با توکل به خدا آغاز نمایم و زمانی که به بستر می‌روم به کارهای آن روز خود فکر کنم و از اشتباهاتم توبه نمایم.»

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان و ایمان)، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲- نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، محسن جوادی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

درس سوم

دین راستین

هدف کلی

معرفی دین الهی به عنوان برنامه کامل زندگی و راه رسیدن به سعادت

اهداف جزئی :

- آشنایی با موضوعات مشترک دعوت انبیا
- پی بردن به یکی بودن دین الهی
- شناخت دلایل عدم تحقق هدف دین در برخی از جوامع دین دار
- آشنایی با روش‌های دفاع از دین
- ارائه نمونه‌هایی از مدافعان دین

ضرورت درس

این درس از دروس بنیادی در تعلیم و تربیت دینی است زیرا به اصل دین و فلسفه وجودی آن می‌پردازد، تحلیل درست این مهم و درک درست دانش‌آموز از آن در پذیرش سایر مسائل در حوزه‌های اخلاقی، اعتقادی و احکام دین نقش سازنده و عمیقی خواهد داشت.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

- ۱- آیا با وجود علم، باز هم نیاز به دین داریم؟
- ۲- آیا ما یک دین داریم یا چند دین؟
- ۳- مهم‌ترین آموزه‌های دین واحد چیست؟
- ۴- دلایلی که جوامع دین‌دار عقب‌مانده هستند، چیست؟
- ۵- وظایف ما نسبت به دین چیست؟
- ۶- چه کسی صلاحیت ارائه دین به انسان را دارد؟

محورهای اصلی درس

- ۱- همه انسان‌ها به دنبال سعادت در زندگی هستند اما مصداق‌های سعادت‌مندی در نزد آنها متفاوت است.
- ۲- برای رسیدن به سعادت باید به همه سؤالات اساسی انسان پاسخ درست و قابل اعتماد داد، تا براساس آن برنامه زندگی را طراحی نمود.
- ۳- توانایی‌های انسان محدود است و نمی‌تواند به همه سؤالات پاسخ دهد.
- ۴- خداوند متعال به خاطر داشتن دو صفت خالق بودن و عالم بودن، توانایی پاسخ به سؤالات و نیازهای انسان را دارد.
- ۵- همه پیامبران در طول تاریخ به یک دین دعوت می‌کرده‌اند.
- ۶- ایمان به خدای یگانه و پرستش او و ایمان به دنیای پس از این دنیا و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا دو موضوع اساسی و زیربنای دعوت انبیاء بوده است.
- ۷- هدف محوری پیامبران ایمان به خدای یگانه و تقرب به اوست و راه تقرب اخلاص در همه رفتارهاست.
- ۸- جهل به دین و عمل نکردن به دستورات آن مهم‌ترین عوامل گرفتاری و مشکلات جوامع مسلمان است.
- ۹- پاسداری از دین می‌تواند در سه شکل دفاع علمی، عمل بر اساس دین و دفاع در صحنه نبرد باشد.

تحلیل اجزای درس

ورودی: ورودیه این درس با عنوان «مقایسه کنید» می‌باشد. در این مقایسه شبه جزیره عربستان

در دو موقعیت پیش از بعثت (دوره جاهلیت) و پس از آن محور قرار گرفته است. (این مقایسه از خطبه ۲۶ نهج البلاغه گرفته شده است.)

عدم ذکر نام عربستان جهت برانگیختن حس کنجکاوی دانش آموز و ایجاد شرایط مناسب برای گفتگوی پیرامون فعالیت کلاسی است.

در این بخش مصداق‌های روشن ارتباطات بشر یعنی ارتباط با خالق، خلق، خود و خلقت به شکل صریح و گاه ضمنی در دو دوره زمانی مقایسه شده و تفاوت آنها کاملاً آشکار است.

پرستش خدای یگانه در مقابل چندگانه پرستی (شرک)، زندگی همراه با ملال و سختی در مقابل زندگی با رفاه بیشتر، زندگی سراسر جنگ، خونریزی و پایمال کردن حقوق انسان در مقابل به رسمیت شناختن حقوق دیگران و عدم تعدی به یکدیگر و حاکمیت جهالت و نادانی بر زندگی در مقابل زندگی مبتنی بر علم و دانش.

در این ورودیه مصداق‌هایی ذکر شده است. همکاران عزیز با مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی دوره جاهلیت می‌توانند مثال‌های متعدد دیگری را اضافه نمایند. ما در بخش دانستنی‌ها به برخی دیگر از این موضوعات اشاره کرده‌ایم. همکاران محترم در این بخش با محور قرار دادن زمان و تکیه بر آن (بیست سال) و تحلیل تک‌تک عبارات شرایطی را فراهم نمایند تا نهایتاً با مشارکت فعال دانش‌آموزان، ایشان به صورت کامل تفاوت‌ها را درک نمایند.

فعالیت کلاسی: پس از درک کامل تفاوت‌های دو دوره با ایجاد تناظر یک به یک گزاره‌ها در زمینه‌های مختلف سؤال مطرح شود. ممکن است در پاسخ به این سؤال آمدن دین یا بعثت نبی و عباراتی نظیر آن گفته شود که صحیح می‌باشد.

در حقیقت مجموع ورودیه و فعالیت پس از آن وظیفه ایجاد شرایط برای درک و فهم دانش‌آموزان از آثار و فواید دین را بر عهده دارند. در جامعه‌شناسی از این موضوع با عنوان کارکرد دین بحث می‌شود و در کلام از آن با عنوان فواید بعثت انبیاء یاد می‌شود.

پس از فعالیت کلاسی و در ادامه جایگاه دین در زندگی بشر به فلسفه وجودی دین مبتنی بر آنچه که در علم کلام از آن با عنوان ضرورت نزول وحی و بعثت نام برده می‌شود پرداخته است. در این مثال، با استدلال عقلانی ضرورت دین برای رسیدن به سعادت بشر محور قرار گرفته است.

محور این استدلال عالم بودن خداوند بر اسرار آفرینش از جمله ابعاد، نیازها و ظرفیت انسان است. در این بخش ابتدا بر سعادت طلبی انسان و عدم تحقق این مهم در زندگی تأکید شده است و

سپس با طرح سؤالاتی با محوریت «برنامه زندگی»، ذهن دانش‌آموز را به عوامل و زمینه‌های برنامه درست برای رسیدن به سعادت سوق می‌دهد.

در ادامه «سعادت بشر» را وابسته به ارائه پاسخ درست و قانع‌کننده به سؤالات اساسی زندگی می‌داند و در ادامه به این سؤالات پرداخته شده است.

هدف از طرح این سؤالات روشن شدن این نکته است که انسان با محدودیت‌هایی روبه‌روست و به تنهایی نمی‌تواند به این سؤالات اساسی پاسخ دهد و نیازمند عامل دیگری است که از قید این محدودیت رها باشد. پاراگراف انتهایی این بخش با یادآوری ورودیه، بر این نکته تأکید می‌کند که تفاوت در منابع پاسخ‌گویی به سؤالات بشر تفاوت عظیمی را در سعادت بشر می‌تواند به همراه داشته باشد.

فعالیت کلاسی: این فعالیت کلاسی، به یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح در حوزه دین پرداخته است. پاسخ به این سؤال با مشارکت دانش‌آموزان ارائه می‌شود. تحلیل درست سؤال و پاسخ درست آن و تسلط آنان حکایت از فهم درست مطالب پیشین دارد.

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که آموزش علوم تجربی به حوزه تربیت دینی می‌تواند وارد کند و زمینه تقابل دین و علم را در ذهن دانش‌آموز ایجاد نماید و در نهایت به باورهای دینی دانش‌آموز لطمه زند، «علم‌باوری» است.

«علم‌باوری» (scientism) یا همان علم‌زدگی معتقد است که «فقط در علوم تجربی این توان وجود دارد که بتواند حقایق را به شکل صحیح نشان دهد».

ترویج این نوع نگاه آموزه‌های دینی را آموزه‌های درجه دو و فاقد اعتبار می‌داند چرا که با فیلترهای معرفت‌ساز در علوم طبیعی و تجربی به‌دست نیامده‌اند. این در حالی است که انسان تنها به بخشی از معارف از طریق تجربه دست می‌یابد. از این رو در تبیین علوم باید بر این نکته توجه شود که اصولاً حوزه کار علم کجاست؟ آیا در هر زمینه‌ای می‌تواند معرفت ارائه دهد؛ ثانیاً آیا همه یافته‌های علوم براساس آزمایش به دست آمده است.



پس از فعالیت کلاسی برای نخستین بار از «دین الهی» سخن به میان آمده است. آنچه پیش از این آمده بود در باب محدودیت انسان در پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی و نیاز به کمک در یافتن پاسخ این پرسش‌ها بود.

خداوند متعال با داشتن سه ویژگی خالق بودن، عالم بودن و قادر بودن ضمن پاسخ‌گویی به سؤال بشر از طریق وحی و با واسطه پیامبران، راه و برنامه سعادت بشر را در اختیار او قرار داده است.

فعالیت کلاسی: این فعالیت تأکید مجددی بر «ضرورت بعثت انبیاء» است. انبیاء با تعلیم و تزکیه انسان‌ها آنها را از ضلالت و گمراهی، که بیش از بعثت در آن می‌زیسته‌اند، خارج می‌نماید. در ارائه مصداق‌هایی از ضلالت می‌توان از دانش‌آموزان یا مطالب ابتدای درس بهره گرفت. **دین واحد، پیامبران متعدد:** این بخش به سؤال مهم دیگری در حوزه دین پاسخ می‌دهد. با توجه به کثرت انبیاء الهی آیا آنها دین‌های متفاوتی ارائه داده‌اند یا آنکه یک راه و برنامه را از جانب خداوند آورده‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال می‌توان از استدلال‌های عقلانی مبتنی بر فطرت یکسان بشر بهره گرفت. خلاصه این استدلال آن است که چون بشر خلقتی یکسان دارد و از سوی دیگر، غایت و هدفی واحد دارد، لذا باید برنامه واحدی برای هدایتش به سوی هدف ارائه نمود.

در این درس از این استدلال بهره گرفته نشده است بلکه با محور قرار دادن آموزه‌های الهی مشترک، که توسط پیامبران آورده شده است، واحد بودن راه و برنامه سعادت بشر ترسیم شده است و در ادامه، فرایند واحد و مشترک انبیاء الهی در دعوت مردم به این آموزه‌ها آمده است: اصلاح عقاید باطل، توجه به تفکر و دعوت به آن، تأکید بر بحث معاد و روز جزا، و ارائه برنامه زندگی بر اساس عقاید درست ارائه شده با محوریت رضای خداوند.

دین‌دانی و دین‌داری: از آنجا که تمرکز درس تاکنون بر فلسفه وجودی دین و نقش دین در سعادت‌مندی دنیوی و اخروی بشر بوده است، ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا اکنون جوامع دین‌دار به سعادت نرسیده‌اند و یا حتی ممکن است برخی عامدانه و از روی غرض با توجه به شرایط حاکم بر جوامع اسلامی، دین را عامل عقب‌ماندگی ایشان معرفی نمایند. بخش حاضر برای پاسخ‌گویی به همین سؤال و شبهه طراحی شده است و عوامل و زمینه‌های عقب‌ماندگی ارائه شده است. این بخش می‌تواند شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموز به نقد و ارزیابی خود و محیط پیردازد. برای انجام این بخش، طرح سؤال از جانب دبیر گرامی و گفتگوی دانش‌آموزان در خصوص این مسئله را پیشنهاد می‌کنیم. حتی می‌توان مدیریت کلاس را به عهده دانش‌آموزان گذاشت. پایبندی به نتایج این روش، با جهت‌دهی دبیر پایدارتر خواهد بود.

دفاع از دین: آخرین بخش درس به راه‌های دفاع از دین پرداخته است. مناسب است که این بخش در فضای گفتگوی میان دانش‌آموزان پرورده شود و توسط دبیر محترم جمع‌بندی گردد. این قسمت به نوعی در ارتباط با بخش قبل و مکمل آن است. چرا که این دو بخش در صدد ترسیم وظیفه مسلمانان در خصوص دین است. یعنی یک مسلمان باید هم نسبت به دین شناخت داشته باشد (دین‌دان)، هم به آن عمل کند (دین‌دار) و درنهایت از آن دفاع نماید (دین‌بان). پس به طور خلاصه

می توان گفت که تربیت مسلمان واقعی مبتنی بر سه ضلع است :

- ۱- دانایی ما از دین (دیندانی) ؛ دین خود را بشناسیم و با احکام و معارف آن آشنا شویم.
- ۲- دارایی های ما از دین (دینداری) ؛ یعنی دین در اعمال و رفتار ما نیز ظاهر شود. یعنی آموزه های دینی را در رفتار فردی و اجتماعی خودمان پیاده کنیم.
- ۳- قله دینداری (دین بانی، یا همان دفاع از دین) ؛ اینکه انسان نگهبان دین باشد و به مرحله ای برسد که تمام دارایی هایش را برای حفظ دین خرج کند، یعنی دین بان شود.



تنوع ابزارها و محیط های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله فضاهای مجازی و امکان بهره مندی سهل و آسان از آنها ضمن آنکه توانسته و می تواند آثار و برکات فراوانی در حوزه ترویج دین فراهم آورد، ممکن است این آسیب را به همراه داشته باشد که گزاره های غیراصیل به جای آموزه های اصیل بشینند. در این میان معرفی اندیشمندان و آثار ایشان به نسل جوان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در بحث حاضر یکی از این اندیشمندان که به روش دفاع علمی از دین دفاع کرده است به عنوان الگو معرفی شده است.

بخش حاضر به گونه ای انجام شود که هر یک از دانش آموزان در این زمینه بیندیشد و راهکاری ارائه نماید.

دانستنی های مورد نیاز معلم

- ۱- در بحث تبیین انتظار بشر از دین، از چند بعد می توان به آن نگریست :
الف) تبیین انتظار بشر از دین، از راه بررسی ادله ضرورت بعثت انبیاء (روش عقلی در علم کلام) :

اثبات ضرورت نزول وحی و بعثت برای رساندن انسان به سعادت واقعی و حقیقی خود او با این مقدمات تبیین می شود :

- ۱- آفریدگار انسان، خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدفی عالی آفریده است.
- ۲- انسان حقیقی جاودانه است و باید در «صراط مستقیم» به سوی ابدیت حرکت کند تا از

این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند. و اگر در انتخاب این راه مرتکب خطا شود، دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.

۳- چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیازهای وی واقف است و جز او از حقیقت انسان و نیازها و انتظارات واقعی انسان، آگاهی ندارد.

۴- چون فقط خداوند از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیازهای او آگاه است، هیچ کس جز او نمی تواند راه رسیدن به سعادت را برای انسان مشخص سازد و اگر هم بخواهند در این راه گامی بردارند چون به همه نیازهای انسان آگاه نیستند، دچار اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می شوند.

در نتیجه خداوند برنامه هدایت انسان را تنظیم و آن را به وسیله پیک معصوم ارسال می کند تا بشر با پیمودن راه و برنامه الهی، مصون از گزند سهو و نسیان و خطا زندگی خود را شکل دهد و به سعادت حقیقی خویش نایل آید.

بنابراین دلیل نیاز انسان به راهنمایی انسان کامل، آن است که بشر عادی، نه ظرفیت آن را دارد که به علوم بی کران احاطه پیدا کند و نه فرصت آن برای او فراهم است تا همه حقایق را تدریجاً بشناسد. از این رو بسیاری از خیرات هست که انسان خیر بودن آن را نمی داند، از آن گریزان است و بسیاری از شرور است که چون شر بودن آنها را نمی داند به سمت آن گرایش پیدا می کند (عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی تحبوا شیئاً و هو شر لکم). پس برای شناخت راه و مسیر سعادت نیاز به راهنمایی خداوند دارد.

ب) تبیین انتظار بشر از دین، از راه بررسی فواید دین (در علم کلام):

بررسی فواید دین در کتاب های کلامی با عنوان فواید بعثت انبیاء و در زبان جامعه شناسان از آن به کارکرد دین یا خدمات و حسنات دین آمده است.

خواجه نصیرالدین در تجرید الاعتقاد جامع ترین بیان را در فواید دین ارائه کرده است: تأیید یافته های عقلی، از بین بردن ترس، رفع نیاز انسان، شناخت حسن و قبح افعال، شناساندن اشیاء سودمند و زیان آور به انسان، حفظ نوع انسانی، تربیت و تکمیل انسان ها فراخور استعداد آنها، تعلیم صنایع و فنون سودمند، تعلیم اخلاق و سیاسات، بیان ثواب و عقاب اعمال، معرفی انسان کامل به عنوان قلب عالم هستی، همبستگی اجتماعی، معنابخشی به زندگی، راهنمایی به زندگی با آرامش، پاسخ به احساس تنهایی.

۲- فواید بعثت انبیاء در قرآن :

۱- تعلیم حقایق دست نیافتنی (و یعلّمکم ما لم تکنوا تعلمون / بقره، ۱۵۱).

۲- تزکیه (بقره، ۱۲۹ و ۱۵۱).

۳- اقامه قسط و عدل (حدید، ۲۵).

۴- آزادی انسانها (اعراف، ۱۵۷).

۵- رفع اختلاف (بقره، ۲۱۳).

۶- یادآوری فطریات و مستقلات عقلیه (ابراهیم، ۵۲).

۷- دعوت به حیات و زندگانی (انفال، ۲۴).

۳- پاسخ به برخی از پرسش‌های رایج دانش‌آموزان :

پرسش اول: اگر دینداری برای رسیدن به سعادت لازم و ضروری است، پس چرا کشورهایی

که ظاهراً بی‌دین هستند، غرق در سعادت و خوشبختی‌اند؟

جواب: اولاً در همین کشورها نیز مردم با مشکلات زیادی مانند افسردگی، عدم امنیت، از هم‌گسیختگی شدید خانوادگی، رواج شدید مواد مخدر و الکل و ... مواجه هستند و آنچه ما از رفاه و آرامش در این کشورها می‌بینیم تنها بخشی از چهرهٔ این کشورهاست. ثانیاً هر چند مردم این کشورها پایبندی چندانی به دین ندارند، اما در میان آنها فرهنگ‌ها و عادات خوبی همچون نظم، پایبندی به قانون، روحیهٔ کار و تلاش برای تولید و آبادی کشور وجود دارد. مسلم است که هر کشوری که با جدیت تلاش کند، به نتیجه خواهد رسید. البته توصیه به این اعمال در تعالیم دینی ما هم وجود دارد ولی متأسفانه مردم ما کمتر عمل می‌کنند. جمله معروفی که از سید جمال‌الدین اسدآبادی نقل می‌شود به همین موضوع مربوط است. ایشان می‌گوید: «من در اروپا اسلام را دیدم ولی مسلمانی را ندیدم اما در اینجا مسلمان می‌بینم ولی از اسلام خبری نیست». ثالثاً فراموش نکنیم که خوشبختی و سعادت که دین به انسان هدیه می‌کند، هم خوشبختی در دنیاست و هم خوشبختی در آخرت و دین تنها به خوشبختی در دنیا بسنده نمی‌کند. پس ممکن است عده‌ای با کار و تلاش برای دنیای خود، در این دنیا زندگی راحت‌تری داشته باشند، اما بدون رعایت دستورات دین، از سعادت اخروی محروم خواهند ماند.

پرسش دوم: خداوند به ما عقل داده است، پس دیگر چه نیازی به دین داریم؟

جواب: خداوند برای خوشبختی انسان دو رسول قرار داده است. رسول درونی (عقل) و

رسول ظاهری (پیامبر) هر یک از این رسولان مأمور برطرف کردن بخشی از نیازهای انسان هستند به عنوان نمونه پرسش‌هایی همچون چگونه با ساخت وسایل و ابزارها زندگی راحت‌تری داشته باشیم؟

چگونه نظم را در جامعه پیاده کنیم؟ و ... در حوزه عقل قرار دارند و عقل انسان قادر به پاسخگویی آنهاست. اما بخشی از سؤالات انسان هست که عقل نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد. پرسش‌هایی که از حیطه آزمایش و تجربه بشر خارج هستند، از جمله این سؤالات هستند: روح چیست؟ سرنوشت ما در قیامت به چه چیزهایی بستگی دارد؟ عالم برزخ چگونه است؟ و ... پس عقل و دین دست در دست یکدیگر انسان را به سعادت و خوشبختی می‌رسانند و بدون هریک، دیگری نیز نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد.

پرسش سوم: اگر واقعاً دینداری لازم است، چرا برخی از افراد سرشناس، و یا برخی از دانشمندان و یا برخی از کشورهای دین ندارند و یا به دین عمل نمی‌کنند؟

جواب: اگر شما ببینید که عده‌ای از مردم بهداشت را رعایت نمی‌کنند، شما چه می‌کنید؟ آیا درست است که بگوئید حالا که عده‌ای ترجیح می‌دهند بیمار باشند، دیگر ما چرا باید بهداشت را رعایت کنیم؟ وقتی ما فواید دین را دانستیم، دیگر نمی‌توانیم برای دینداری منتظر دیگران باشیم.

۴- شعری از جامی:

درین عزت ره خواری مپوید	به جز آیین دینداری مجوید
ازین عالم برون، ما را خدایی ست	که ره گم‌کردگان را رهنمایی ست
پرستش جز خدایی را روا نیست	که غیر او پرستش را سزا نیست

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- نیاز به دین، حسن یوسفیان، کانون اندیشه جوان.
- ۲- رهنان دین (آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه)، مصطفی دلشاد تهرانی، نشر دریا.
- ۳- انتظار بشر از دین، آیت‌الله جوادی آملی، نشر اسراء.
- ۴- کارکردهای ماندگار دین، جمعی از محققین، مؤسسه علمی آینده‌سازان

درس چهارم

راه‌نمایان الهی

هدف کلی

شناخت برخی از ویژگی‌های مشترک رسولان الهی

اهداف جزئی:

- آشنایی با ویژگی مبارزه با شرک، طاغوت و عقاید خرافی
- آشنایی با ویژگی عبودیت و تسلیم در برابر اوامر الهی
- آشنایی با ویژگی پایداری در سختی‌ها
- ارزیابی و نقد رفتار و عقاید فردی و اجتماعی خود بر اساس الگوی گرفته شده از پیامبران

ضرورت درس

وجود درس با محوریت معرفی شخصیت رسولان الهی، پس از ارائه فلسفه وجودی دین الهی که در درس قبل ارائه شد، از دو جهت ضرورت می‌یابد.

الف) از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی، معرفی الگو است. معرفی الگوها علاوه بر آنکه امکان انجام یک فعل را که در الگو تجلی یافته است نشان می‌دهد، چگونگی انجام آن را نیز به همراه دارد. به عبارتی دیگر به مخاطب، امکان انجام عمل و چگونگی آن را نشان می‌دهد. از همین رو است که قرآن کریم به معرفی الگوهای متعددی در جهات مثبت و منفی و با جنسیت‌های متفاوت پرداخته است. کتاب درسی پیام‌های آسمان که رسالت خود را تربیت دینی می‌داند با طراحی این درس، با تأسی از این روش قرآنی، به معرفی الگوهای مسیر سعادت اقدام نموده است.

ب) ضرورت دیگری که سبب طراحی این درس شده است، فضای رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه سینما پیرامون پیامبران الهی است. در سال‌های اخیر، تولیدات سینمای غرب با محوریت پیامبران الهی افزون شده است. تصویری که در این فیلم‌ها از رسولان الهی ارائه می‌شود، تصویری ناقص و البته انحرافی است به‌گونه‌ای که حتی برخی از آنها مورد اعتراض کلیسا نیز قرار گرفته است. این فیلم‌ها به‌آسانی در اختیار دانش‌آموزان قرار دارد و چنانچه اقدام مناسبی در این زمینه صورت نگیرد، تلقی دانش‌آموزان نسبت به پیامبران الهی ناقص و انحرافی می‌شود. ارائه این درس در پاسخ به این نیاز برخاسته از فضا و محیط حاکم بر دانش‌آموز است.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- آشنایی با زندگی و ویژگی‌های پیامبران چه تأثیری بر زندگی ما دارد؟
- ۲- پیامبران الهی چه ویژگی‌های بارزی داشتند؟
- ۳- آیا دردنیای امروز نیز عقاید باطل و خرافی وجود دارد؟
- ۴- چگونه می‌توانیم همچون پیامبران تسلیم امر خدا باشیم و با عقاید باطل مبارزه کنیم؟

محورهای اصلی درس

- ۱- پیروی از الگوهای مناسب سبب موفقیت در مسیر زندگی می‌شود و رسولان الهی، الگوهای مسیر سعادت بشر هستند.
- ۲- تسلیم امر خدا بودن، استقامت و ایستادگی در راه حق، پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها از جمله ویژگی‌های مشترک رسولان الهی بوده است.
- ۳- مخالفان پیامبران الهی با تکذیب پیامبران و قتل آنان به سرکشی در مقابل آنان می‌پرداختند.
- ۴- رمز استقامت پیامبران در مقابل مخالفان، اطمینان به وعده‌های بزرگ الهی بوده است.
- ۵- از مهم‌ترین عقاید باطل وجود شریک یا شریکان برای خداوند است و مهم‌ترین رسالت پیامبران دعوت به یکتاپرستی است که در مقابل آن عقیده باطل قرار دارد.
- ۶- دلیل قرار دادن شریک برای خدا و پرستش آنها، اعتقاد به دخالت آنها در خیر و شر زندگی بوده است.

- ۷- رسولان الهی در مقابل مشرکان، ضمن خرافه دانستن اعتقاد آنها با استدلال محکم و دعوت به اندیشه‌ورزی و تفکر به مبارزه با عقاید باطل‌شان می‌پرداختند.
- ۸- از مهم‌ترین عوامل گمراهی مردم، «علم نداشتن» و تبعیت از کسانی بوده است که آنها نیز

علم نداشته‌اند.

۹- عقاید خرافی منحصر به زمان خاصی نیست. آنها را باید شناخت و برای از بین رفتن آنها

اقدام کرد.

تحلیل اجزای درس

ورودیه: این ورودیه به صورت ضمنی به دنبال تبیین بحث ضرورت اسوه قرار دادن پیامبران الهی، برای طی کردن مسیر سعادت است. بنابراین ضرورت، آشنایی با ویژگی‌های پیامبران اهمیت می‌یابد. بنابراین آشنایی با ویژگی‌های پیامبران الهی از طریق تبیین ضرورت الگو قرار دادن پیامبران در ورودیه، فضای لازم برای ورود به درس را فراهم می‌آورد.

این ورودیه با استفاده از مثال عینی و ملموس، که قابلیت اجرا دارد به بحث الگو و اسوه وارد شده است. برای طی کردن درست این بخش ضرورت دارد که دانش‌آموزان به صورت عملی به نوشتن متن در دو حالت الگو داشتن و نداشتن اقدام نمایند تا به صورت محسوس تفاوت دو حالت برایشان روشن گردد.

سعی شده در انتخاب محتوا برای تمرین خط، از محتوای متناسب با متن بهره‌گیری شود. بنابراین شعر انتخاب شده، هدفمند و با عنایت بوده است. توجه به این نکته ضروری است که مضمون شعر در این بخش موضوعیت ندارد و نباید فرایند آموزش این بخش بر توضیح محتوای شعر متمرکز شود.

پس از انجام عملی و نوشتن شعر و فهم این نکته که داشتن الگو تأثیر فراوانی بر داشتن خط زیبا دارد، به یک نکته باید توجه شود و آنکه هر الگویی باید متناسب با هدف باشد. بر این اساس، زمانی که طی مسیر سعادت ابدی هدف است الگوی متناسب با آن، پیامبران الهی هستند.

به صورت خلاصه آنچه در این ورودیه مورد نظر است آن است که:

۱- انسان‌ها در ابعاد مختلف دارای نقص هستند و برای آنکه نقص خود را در زمینه‌های مختلف برطرف نمایند احتیاج به الگو دارند.

۲- در انتخاب الگوها، باید به تناسب الگوها با نوع فعالیت و هدف پیش رو توجه ویژه نمود. در اینجا طی مسیر سعادت ابدی مورد نظر است. بر این اساس «پیامبران الهی» بهترین الگوها هستند.

۳- تبعیت از پیامبران الهی، بدون آشنایی با ویژگی‌های آنها میسر نمی‌باشد؛ بنابراین لازم است شناخت کافی از ویژگی‌های آنها به دست آوریم. درس حاضر به این مهم می‌پردازد.

نکته مهم : دربارهٔ ورودیه‌ها به این نکته باید توجه کرد که محتوای ورودیه‌ها دارای دو حالت متفاوت می‌باشند :

گاه محتواها صرفاً طریقت دارند. به این معنا که برای وصول به هدف موردنظر از آنها به عنوان ابزار استفاده می‌شود تا به فهم موضوع کمک نمایند ولی موضوعیت ندارند یعنی معلم می‌تواند از محتوای متفاوتی استفاده نماید. به عنوان مثال در درس حاضر استفاده از مثال خط و نگارش صرفاً طریقت دارد و دبیر محترم می‌تواند از هر مثال دیگری در این موضوع استفاده نماید، مثل الگوها در خیاطی و بدیهی است از این بخش‌ها در طراحی سؤال استفاده نمی‌شود.

اما برخی دیگر از محتواها علاوه بر طریقت، موضوعیت نیز دارند. یعنی خود محتوای ورودیه مهم و دارای بار آموزشی است. نمونهٔ بارز این نوع محتواها را در ورودیه درس قبل داشتیم. این مهم در بحث ارزشیابی نیز اثرگذار است چرا که از محتواهایی که هم طریقت دارند و هم موضوعیت سؤال طراحی می‌شود و از آن بخش که صرفاً طریقت دارد سؤالی طرح نمی‌گردد.

ویژگی‌های پیامبران

از مجموع ویژگی‌های پیامبران، سه ویژگی انتخاب شده است. تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها. ویژگی‌های ارائه شده در سه حیطة کاملاً متفاوت ارائه شده‌اند.

الف) ویژگی تسلیم در برابر امر خداوند : این ویژگی به رابطهٔ شخصی پیامبران با خداوند متعال اشاره دارد.

قبل از بیان مصداق‌های تسلیم رسولان در برابر اوامر و خواسته‌ها، تسلیم امر مولا بودن را در زندگی دنیایی و در میان جامعهٔ انسانی را امری عقلایی دانسته‌اند و از این موضوع دنیایی استفاده کرده و وجود این خصلت در میان برگزیدگان الهی را جزء لاینفک حکمت خداوند دانسته است. در بیان نمونه‌ها، سه مصداق از تسلیم بودن سه رسول که دو تن از آنها اولوالعزم می‌باشند، ارائه شده است.

۱- حضرت ابراهیم علیه‌السلام : دانش‌آموزان در پایهٔ دوم دورهٔ ابتدایی با این شخصیت آشنا شده‌اند. این آشنایی در قالب گفتگوی ایشان با حاکم زمان خود، که جلوه‌ای از شجاعت کم‌نظیر آن حضرت است، بوده است. خوب است بدانیم در قرآن کریم در میان رسولان الهی دو پیامبر به صراحت به عنوان الگو معرفی شده‌اند ؛ حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت ابراهیم علیه‌السلام.

در سراسر قرآن کریم در فرایند مقابله با مشرکان، مسیحیان و یهودیان، حضرت ابراهیم علیه السلام مقیاس سنجش عقاید آنان بوده است.

۲- حضرت موسی علیه السلام: این پیامبر بزرگ الهی در پایه چهارم ابتدایی به دانش آموزان معرفی شده و داستان ولادت ایشان محور آموزش بوده است. پیش از آن در درس قرآن، جریان محاجه ایشان با فرعون و معجزات آن حضرت آمده است. اما داستان ارائه شده در این درس برای اولین بار در کتاب‌های درسی آمده است و آشنایی پیشین برای آن وجود ندارد.

۳- حضرت ایوب علیه السلام: داستان سوم مربوط به حضرت ایوب علیه السلام است. در تدریس این بخش نیز نیازمند آن هستیم که مشکلات و سختی‌های حضرت ایوب برای دانش آموزان بیان شود. شناخت تاریخ و مکان نبوت ایشان می‌تواند به تدریس کمک نماید.

استفاده از آیات قرآن کریم در فرایند تدریس این داستان‌ها، ضمن ایجاد فضای معنوی، سبب آشنایی بیشتر با قرآن کریم می‌گردد و زمینه مطالعه بیش از پیش قرآن را فراهم می‌آورد.

فعالیت کلاسی: این فعالیت می‌تواند جواب‌های متعددی داشته باشد که باید از سوی دانش آموزان بیان شود. هدف این فعالیت این است که دانش آموز پس از آشنایی با صفات پیامبران سعی در پیاده کردن این صفات در زندگی خود داشته باشد.

ب) ویژگی استقامت و پایداری در راه خدا: این ویژگی در رابطه پیامبر با خلق خداست محوریت دعوت الهی. مواجهه مردم با دعوت پیامبر اکرم دو نمود کاملاً متمایز در دو بُعد متفاوت داشته است و این جریان بدون استثناء برای همه رسولان الهی در طول تاریخ رخ داده است. گروهی ایمان آورده‌اند و گروه دیگری با محور قرار دادن زندگی این دنیا و با اعتقاد به تقابل میان لذت‌های دنیا و آخرت، در تقابل پیامبران دو گونه عکس‌العمل نشان داده‌اند: ایراد اتهام دروغگویی و دیگری قتل.

دروغگو خواندن رسولان الهی در قالب ساحر بودن، مجنون بودن، افسانه بودن محتواها، مسخره کردن و افترا صورت می‌گرفت.

در این بخش نیز دو رسول یعنی حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام انتخاب شده‌اند. دانش آموزان با حضرت نوح (ع) در پایه دوم ابتدایی به صورت مختصر آشنا شده‌اند. ایشان نماد استقامت می‌باشند، به گونه‌ای که پس از ۹۵۰ سال دعوت، عده معدودی به وی ایمان آوردند و سایرین در مقابل ایشان به انواع آزار و اذیت، تمسخر، تهدید و ... متوسل شدند.

در بخش دیگر به استقامت حضرت ابراهیم (ع) در مواجهه با نزدیکان، مردم مشرک و پادشاه زمان خود پرداخته شده است. نکته بسیار مهم این بخش دلیل و مبنای این همه استقامت می‌باشد که همان وعده‌های بزرگ الهی است.

فعالیت کلاسی: در این فعالیت که یک فعالیت تکمیلی است از دانش‌های پیشین دانش‌آموز استفاده شده است. به این ترتیب بخشی از محتوای آموزشی با این فعالیت ارائه می‌شود. این فعالیت متمرکز بر استقامت پیامبر بزرگوار و اصحاب گرانمایه ایشان در سه جریان بزرگ شعب ابوطالب، لیلۃ المبیت و جنگ اُحُد است.

ج) پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها: این بخش از درس از این جهت که می‌تواند با زندگی روزمره دانش‌آموز ارتباط ایجاد نماید و زمینه نقد و ارزیابی اندیشه‌های خود و محیط را فراهم آورد از اهمیت دو چندانی برخوردار است. برای پردازش این موضوع در زمان پیامبران الهی، مهم‌ترین عقیده باطل یعنی عقیده به «شُرک» مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه مشرکان، خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است اما تدابیر دنیا در اختیار شریکان وی است. شرکاء الهی بین اقوام مشرک متفاوت بوده است. ستارگان، ماه، خورشید، بت‌ها و... نمونه‌هایی از این شرکاء بوده‌اند. آنها با اعتقاد به اینکه خیر و شر دنیایشان وابسته به آنهاست به عنوان منبع خیرات و کاشف مضرات عبادت می‌شوند.

روش مبارزه پیامبران با این عقیده باطل بخش دوم این موضوع است. این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱- روش عملی؛ عدم اعتقاد پیامبران به شرک و باطل دانستن این عقیده.

۲- ارائه دلایل روشن مبنی بر درست نبودن این اعتقاد.

۳- دعوت مردم به اندیشه‌ورزی و تفکر پیرامون پدیده‌های الهی و همچنین نقد اندیشه‌های خود

در خصوص توانایی‌های بت‌ها.

در ادامه این موضوع به مهم‌ترین عاملی که سبب تبعیت مردم از عقاید باطل می‌شود توجه شده است؛ یعنی پیروی از کسانی که علم و آگاهی نداشته‌اند (آبا و اجداد). این موضوع در آیات متعددی از قرآن آمده است.

راه‌هایی از بند عقاید باطل مراجعه به کسانی است که دارای «علم الهی» بوده و از منبع دانش و علم یعنی خداوند متعال کسب فیض می‌نمایند. مراجعه به آنها و تبعیت از ایشان راهکار خلاصی از قیود عقاید باطل و خرافه‌هاست.

فعالیت کلاسی: در این بخش عدم تبعیت از علم و عالمان الهی محور خرافه‌پرستی معرفی شده است. در این فعالیت با ارائه آیات قرآنی مصداق‌هایی از نداشتن علم و آگاهی و آسیب‌ها و مشکلاتی

که ناشی از آنهاست بیان شده است :

– شریک قرار دادن برای خدا در حالیکه دلیلی برای آن ندارند.

– احتجاج و مجادله بر پایه جعل و هوی و هوس و نداشتن علم.

– ایجاد دختران و پسران برای خداوند بدون داشتن علم.

عکس‌العمل مشرکان در مقابل مبارزه پیامبران : مشرکان در مقابل دعوت پیامبران به یگانه پرستی و دوری از عقاید خرافی، خرافات دیگری را مطرح می‌کردند و با باطل از باطل دفاع می‌کردند. تطیّر یا فال بد زدن از جمله این باطل‌ها بود.

وجود عقاید باطل و خرافه و تبعیت از آنها منحصر به زمان خاصی نبوده است و در زمان کنونی نیز با انبوهی از این امور غیرواقع که در میان مردم جهان گسترش یافته و پیروانی دارند روبه‌رو هستیم. **یک نکته :** در درس پیشین بر این نکته که علم، توانایی پاسخگویی به سؤالات انسان را ندارد، تأکید کردیم؛ اما در این درس بر ضرورت تبعیت از علم و عالمان تأکید نمودیم آیا این دو در تناقض نیست. در این زمینه باید به نکات زیر توجه کرد :

اولاً: منظور از علم در درس قبل علم به معنای علوم تجربی که محصول تلاش انسان‌ها است، بود. ثانیاً: تأکید کردیم «علم» به تنهایی قادر به پاسخگویی به تمام نیازهای انسان نیست و درعین حال واقع‌نمایی علم را در بخشی از امور نفی نکردیم. اما مراد از علم در این درس، علمی است که از منبع اصیل آن، خالق جهان هستی، صادر شده و از طریق پیامبران الهی در اختیار انسان قرار داده شده است.

فعالیت کلاسی : در فعالیت کلاسی خواسته شده است به نمونه‌های دیگری از امور غیرواقع که در محیط پیرامونی خود می‌بینند اشاره نموده و آنها را با ارائه منشأشان نقد نمایند. این فعالیت کمک می‌کند تا دانش‌آموز با توجه به نکات درس به بی‌پایه و اساس بودن این خرافات پی‌برد. همچنین باعث می‌شود تا نسبت به این خرافات حالت تهاجمی گرفته و به راحتی زیر بار آنها نرود.

دانستنی‌های معلم

۱- پاسخ مراجع درباره دعانویسی، فالگیری و جن‌گیری

آیت‌الله مکارم شیرازی : «نوشتن دعاهایی که از حضرات معصومین (علیهم السلام) رسیده و در کتب معتبر موجود است، اشکالی ندارد. ولی دعانویسی حرفه‌ای، که شغل افراد سودجوست، صحیح نیست و غالب کتاب‌هایی که به آن استناد می‌کنند، اعتباری ندارد.» ایشان همچنین در خصوص رمالی و

فالگیری می‌گویند: «بسیاری از مدعیان آن افرادی دروغگو یا خطاکارند و فال‌گیری از خرافات است و گرفتن پول برای گرفتن فال جایز نیست»

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «نوشتن دعاهایی که با دلیل معتبر از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده و اجرت گرفتن در مقابل آن، اشکال ندارد ولی مراجعه به فالگیرها یا دعانویسانی که به صورت‌های مختلف از منابعی که اعتبار شرعی ندارد، نقل می‌کنند یا می‌نویسند جایز نیست و پول گرفتن اینگونه اکل مال به باطل و حرام است.»

۲- داستان ۴ سالگی پیامبر (ص) در خصوص گردن‌بند اهدایی حلیمه: هنگامی که آن حضرت در سن ۴ سالگی در نزد دایه خود، حلیمه، بود، روزی از وی خواست تا برای بیرون بردن گوسفندان به برادران رضاعی خود کمک کند و با آنها به صحرا رود. حلیمه خواهش او را پذیرفت اما قبل از خروج وی، مهره‌ای را به گردن وی آویخت تا او را از خطرات حفظ کند. پیامبری درنگ آن مهره را از گردن بیرون آورد و فرمود: من خدایی دارم که مرا از خطرات حفظ می‌کند. (بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲)

۳- علت رو آوردن به خرافات: یکی از علل گرایش انسان‌ها به خرافات، خودخواهی و میرا دانستن خود از خطاها و اشتباهات است. یعنی ما هیچ وقت حاضر نیستیم علت اصلی مشکلات را خودمان بدانیم و در حقیقت خودمان را بالاتر از این می‌دانیم که بخواهیم کار اشتباهی انجام دهیم. به همین دلیل مشکلات زندگی خود را گردن دیگران می‌اندازیم. مثلاً به دلیل عدم رعایت مسائل بهداشتی و بی‌توجهی به سلامتی و تندرستی خود، دچار بیماری می‌شویم، آنگاه می‌گوئیم. در فلان مجلس ما را چشم زدند. یا به دلیل بی‌تدبیری در زندگی خود با مشکلاتی مواجه می‌شویم و فوراً می‌گوییم حتماً برایمان دعا نوشته‌اند یا بخت ما را بسته‌اند و ...

علت دوم گرایش به خرافات، روح تنبلی‌ای است که در برخی وجود دارد. یعنی حال نداریم تا در هنگام بروز مشکلات به سراغ ریشه‌یابی علل آن برویم و به حل مشکل پردازیم، از همین رو فوراً سریع‌ترین راه را پیدا کرده و همه مشکلات را به گردن روزگار و دیگران می‌اندازیم.

۴- احادیثی در خصوص اعتقاد به فال

پیامبر (ص): فال بد زدن نوعی شرک به خداست. (بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۲)
(در این روایت پیامبر فال بد زدن را با یکتا پرستی متضاد می‌داند؛ زیرا کسی که به عنوان مثال صدای کلاغ یا عدد ۱۳ را به فال بد می‌گیرد و آن را در سرنوشت خود مؤثر می‌داند، در واقع برای خداوند و قدرت او شریک قائل شده است.)

— پیامبر (ص): از ما نیست کسی که فال بد بزند، یا برایش فال بد زده شود (یعنی به فال بد دیگران نسبت به خود اعتقاد داشته باشد). (مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۳)

— پیامبر (ص): هنگامی که فال بد زدی اعتنا مکن و به کار خود ادامه بده (محجة البیضاء، ج ۵، ص ۳۲۵) شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌فرماید: «[طبق سخن پیامبر] اگر در قضیه‌ای به چیزی فال بد زدی، این را به دل خود بد راه نده، برعکس عمل کن. یعنی برعکس اینکه اشخاص وقتی به چیزی فال بد می‌زنند، بعد دنبال آن کار نمی‌روند و مثلاً می‌گویند بدشگون است، به هر چیز که فال بد زدی عمل کن و دنبالش برو» (مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۶۵)

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- داستان پیامبران، موسوی گرمارودی، نشر قدیانی
- ۲- قلمرو پیامبران، احد فرامرز قراملکی، نشر کانون اندیشه جوان
- ۳- مجموعه آفتاب اندیشه (راه‌نما)، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه
- ۴- سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، محمدعلی امانی، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- ۵- اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، نشر بوستان کتاب قم

درس پنجم

آخرین پیامبر و آخرین پیام

هدف کلی

معرفی حضرت محمد(ص) به عنوان آخرین پیامبر و قرآن کریم به عنوان آخرین پیام الهی

اهداف جزئی :

- آشنایی با علت ختم نبوت
- ویژگی‌های آخرین پیامبر
- ویژگی‌های آخرین پیام الهی
- نحوه هدایت یافتن انسان توسط آخرین پیام الهی
- آشنایی با شیوه بهره‌مندی از قرآن در زندگی

ضرورت درس

پس از آشنا شدن دانش آموزان با مفهوم دین و اعتقاد به دین اسلام به عنوان تنها راه رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت، لازم است تا دانش آموزان با این نکته آشنا شوند که این دین، آخرین دینی است که توسط خداوند ارسال شده است و پیامبر اسلام، آخرین پیامبر الهی است و از این پس هر ادعایی در خصوص دین جدید کذب می‌باشد.

محورهای اصلی درس

- ۱- زندگی انسان‌ها روی زمین همانند کاروانی است که از مبدأیی شروع شده و به سوی مقصدی در حال حرکت است.
- ۲- تبیین سیر ارسال پیامبران از سوی خداوند و نقش هر پیامبر نسبت به پیامبر قبلی و بعدی
- ۳- پایان ارسال نبی با بعثت پیامبر اکرم (ص)
- ۴- تبیین جایگاه دین اسلام نسبت به ادیان قبلی
- ۵- جایگاه آخرین پیام الهی در هدایت همه انسان‌ها
- ۶- محورهای اساسی قرآن کریم
- ۷- جایگاه قرآن کریم در زندگی انسان مسلمان
- ۸- نحوه استفاده عملی از قرآن کریم در زندگی

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱- چرا خداوند که همواره برای هدایت انسان‌ها پیامبرانی را ارسال می‌کرد با بعثت پیامبر به این کار پایان داد؟
- ۲- پیامبر اکرم چه جایگاهی در میان پیامبران دارد؟
- ۳- قرآن کریم چه جایگاهی در میان کتاب‌های آسمانی دارد؟
- ۴- قرآن کریم چه محتوایی دارد؟
- ۵- چگونه می‌توان از قرآن کریم به صورت عملی استفاده کرد؟

روش تدریس

۱- روش آغاز درس : یکی از روش‌های تدریس این است که در ابتدای کلاس سؤالات فوق به صورت تدریجی و با فاصله برای دانش‌آموزان مطرح شود. ولی این مستلزم این است که معلم احاطه کافی به مطالب درس و سایر محتوایی که در راهنمای معلم آمده است، داشته باشد و سؤالی طرح نشود که خودش نتواند پاسخ دهد؛ هرچند که جواب تمام سؤالات فوق در درس آمده است.

۲- شیوه تدریس بخش «آخرین پیام» :

الف) معلم به همراه خود یک جلد قرآن بیاورد و در اول کلاس آن را به دانش‌آموزان نشان دهد و این سؤالات را بپرسد که این کتاب چه نقشی در زندگی شما دارد؟ آیا به غیر از قرائت و تلاوت آن

استفاده دیگری هم دارد؟ این کتاب برای چه نوشته شده است؟ محتوای آن چیست و چگونه می‌توان از آن استفاده کرد؟ آیا در این دنیا کتابی وجود دارد که همپای آن باشد و بتواند جای آن را بگیرد؟ این سؤالات ذهن دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌کند.

ب) معلم به همراه خود یک دفترچه راهنمای استفاده از ابزار خاص همانند یخچال، ماشین لباس‌شویی و... را بیاورد و برای دانش‌آموزان مطرح کند که سازندگان این دستگاه‌ها این دفترچه‌های راهنما را برای استفاده درست از این وسیله‌ها برای ما فرستاده‌اند. آیا خداوند که ما را ساخته است، کتاب راهنما نیز برای ما فرستاده است؟ آیا ما می‌توانیم بدون کتاب راهنما به هدف زندگی برسیم؟ هدف سازنده دستگاه استفاده مطلوب از آن بوده است، هدف از خلقت ما چیست که با کتاب راهنمای الهی بتوانیم به آن برسیم؟

۳- روش تدریس بخش «جایگاه قرآن در زندگی»:

الف) می‌توان سخنان بزرگان را درباره قرآن در ابتدای این بخش برای دانش‌آموز خواند. باتوجه به شرایط کلاس می‌توان از سخنان بزرگان دین، بزرگان علم، دانشمندان غربی و... استفاده کرد تا فضا برای طرح بحث آماده شود. بخشی از این سخنان در بخش دانستنی‌های معلم آمده است. ب) در قسمتی از این بخش سؤال شده که ما چگونه می‌توانیم با قرآن ارتباط برقرار کنیم و آن را کتاب راهنمای زندگی خود قرار دهیم؟ در این قسمت می‌توان مثال دریا را زد و به بچه‌ها گفت که گاهی ما کنار دریا می‌ایستیم و به آن نگاه می‌کنیم، گاهی به آن نزدیک می‌شویم و دستی به آن می‌زنیم، گاهی در آن شنا می‌کنیم، گاهی به قایق‌سواری در آن می‌پردازیم و گاهی لباس‌غواصی پوشیده و به اعماق آن می‌رویم و از شگفتی‌ها و زیبایی‌های نهفته در دریا لذت می‌بریم. در این مثال‌ها هر کس به گونه‌ای با دریا تعامل می‌کند.

ما مسلمانان در مورد قرآن، که این درس از آن به دریای معارف یاد کرده است، نیز رفتارهای مشابهی داریم. بعضی‌ها قرآن را در گوشه‌ای از خانه قرار می‌دهند و تنها نظاره‌گر آن هستند، برخی هر صبح فقط برخی آیات آن را برای حفظ از بلا و حوادث می‌خوانند، گروهی دیگر آیات آن را به سرعت می‌خوانند و رد می‌شوند و برخی دیگر در معنای آیات دقت و تفکر می‌کنند و از رهنمودهای آن بهره‌مند می‌شوند.

همان‌طور که کسی که کنار دریا می‌ایستد و تنها نظاره‌گر آن است بهره و لذت کمتری نسبت به کسی که در دریا شنا کرده یا با قایق یا کشتی به سفر در آن پرداخته و یا همچون غواص به غور در آن پرداخته است، می‌برد، ما انسان‌ها نیز به فراخور نوع ارتباط خود با قرآن از بهره‌های معنوی متفاوتی برخوردار می‌شویم.

تحلیل اجزای درس

کاروان بشریت (ورودیه): ورودیه درس، زندگی بشر از ابتدای خلقت تاکنون را به کاروانی در حال حرکت تشبیه کرده است. کاروانی که همچون هر کاروان دیگری نیاز به ساربان و راهنما دارد تا به بیراهه نرود و مسیر را گم نکند. نکته‌ای که این ورودیه بر آن تأکید دارد این است که خداوند در برهه‌ای از تاریخ به کار ارسال نبی برای هدایت کاروان بشریت پایان داده است. حال سؤال این است که چرا با وجود نیاز بشر به راهنما، خداوند ارسال نبی را متوقف کرد؟!

این مسئله به خوبی در شعر مرحوم شبستری نیز بیان شده است. برای اجرای این ورودیه می‌توان ابتدا شعر را خواند و بعد توضیحات قبل از شعر را. به طور کل این شعر و متن قبل از آن و در نهایت فعالیت کلاسی به دنبال ایجاد این سؤال در ذهن دانش‌آموز است که چرا دیگر پیامبری برای هدایت بشر ارسال نشد. ایجاد این سؤال باعث می‌شود تا مطالبی که در ادامه درس می‌آید بهتر فهم شود. پس هدف ورودیه ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموز است.

در شعر ورودیه بر مقام جمع‌الجمعی پیامبر اکرم تأکید شده است:

و زیشان سید ما گشته سالار	هم او اول هم او آخر در این کار
---------------------------	--------------------------------

یعنی آن حضرت در مقامات معنویه اول است و در صف انبیاء آخر است. همین ویژگی مقام معنوی است که موجب می‌شود خداوند آخرین پیام خود را از طریق ایشان ارسال کند.

آخرین پیامبر: در این بخش به چند موضوع اساسی تأکید شده است:

۱- اینکه تعالیم پیامبران توسط برخی انسان‌ها تحریف و یا نابود می‌شود و این باعث می‌شود خداوند پیامبر دیگری بفرستد.

۲- بشارت آمدن پیامبر اکرم را پیامبران سابق به امت‌های خود داده بودند و مردم از ادیان مختلف ذهنیت لازم را برای ظهور آخرین پیامبر داشتند.

۳- خداوند بر خاتم‌النبین بودن پیامبر اکرم تأکید دارد و به آن در قرآن کریم تصریح کرده است. تأکید این مطلب خیلی مهم است تا تمام کسانی که بعد از پیامبر اکرم ادعای نبوت و یا هدایت انسان‌ها از منشاء غیر الهی دارند، نفی شوند.

۴- نقش دین اسلام در میان سایر ادیان، تکمیل‌کننده و تصحیح‌کننده است. دین اسلام تمامی تحریف‌هایی که در ادیان سابق صورت گرفته بود را تصحیح کرد و نواقصی که در ادیان سابق به دلایل متعدد وجود داشته است را تکمیل کرده است.

۵- دین اسلام به تنهایی برای هدایت انسان‌ها کافی است و هر کسی در هر جای دنیا بخواهد به

خداوند برسد و در دنیا و آخرت سعادت‌مند شود راهی بهتر از این دین برایش وجود ندارد.

توجه: در این بحث ممکن است این سؤالات از سوی دانش‌آموزان مطرح شود.

الف) اگر دین اسلام کافی است پس چرا مسلمانان پیشرفت نکرده‌اند؟ چون مسلمانان به تعالیم اسلام عمل نکردند و اگر واقعاً به تمام تعالیمی که در قرآن و سنت پیامبر اکرم و ائمه آمده است عمل شود وضعیت مسلمانان بسیار متفاوت خواهد بود. همچنان که در برهه‌هایی که به دستورات دین در عرصه علم آموزی عمل شد، شاهد رشد و شکوفایی تمدن اسلامی بودیم.

ب) چرا خداوند قرآن را این قدر پیچیده کرده است که مسلمانان نمی‌توانند از آن به راحتی بهره‌مند شوند؟ این مطلب درست نیست. خداوند قرآن را برای هدایت انسان‌ها بسیار ساده قرار داده است (و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر) ولی مسئله این است که قرآن به طور کل در زندگی مسلمانان جایگاهی نیافته است و مهجور واقع شده است؛ همان شکایتی که پیامبر اکرم از مسلمانان در روز قیامت خواهد داشت (ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً). اگر قرآن وارد زندگی مردم شود هم به راحتی می‌توانند استفاده کنند و هم رشد و تعالی یابند.

فعالیت کلاسی: در جهت تعمیق مباحث این بخش است. مصرع دوم این بیت به طرز ظریفی به این نکته اشاره دارد که دعوت تمام پیامبران یکی بوده است و در واقع به یک راه دعوت کرده‌اند (نام احمد نام جمله انبیاست)، در عین حال که پیامبر اکرم از نظر مقام و نیز کامل بودن دینش از همه آنها بالاتر است.

آخرین پیام

موضوعات اساسی این بخش عبارت‌اند از:

۱- دینی کامل است که بتواند به تمامی پرسش‌های اساسی انسان‌ها پاسخ دهد. قرآن کریم این توان را دارد و به بهترین راه هدایت می‌کند. قرآن، آخرین پیام الهی است که خداوند با آخرین پیامبر خود فرستاده است.

۲- محتوای اساسی قرآن کریم در سه محور اساسی مبدأ، راه و معاد دسته‌بندی شده است که شایسته است این سه بخش به خوبی برای دانش‌آموز تفهیم شود. به این نحو که تمامی مطالب قرآن کریم در درون این سه حیطه قرار دارد؛ مطالب علمی، داستان، خبر از غیب، سرگذشت اقوام و پیامبران، خیر از آینده، و... .

۳- در سه آیه‌ای که به کار رفته است سه ویژگی اساسی قرآن مورد نظر بوده است:

اول آنکه قرآن به استوارترین راه هدایت می‌کند در حالیکه سایر راه‌ها و کسانی که به این راه‌ها دعوت می‌کنند این ویژگی را ندارند.

دوم، قرآن برای قلب‌های انسان شفاست. این شفا بودن از جنبه‌های متعدد است که قلب انسان مضطرب با خواندن قرآن آرام می‌شود، انسان‌های بیمار با شنیدن قرآن آرام می‌گیرند، کسی که به بیماری‌های روحی همچون حسادت، بخل، میل به گناه و... دچار شده باشد و خود را به قرآن عرضه کند دوی آن را در قرآن می‌یابد و ...

و سوم، قرآن برای استفاده کردن و هدایت یافتن آسان قرار داده شده است و فقط کافی است که کسی بخواهد از طریق قرآن هدایت شود.

فعالیت کلاسی : در درس «دین راستین» سؤالات اساسی که برای هر انسانی مطرح است، بیان شده است. با توجه به اینکه درس مذکور قبل از این درس در کتاب آمده است دانش‌آموز به راحتی می‌تواند به آن درس مراجعه کند و سؤالات اساسی را بیابد. خیلی مهم است که دانش‌آموز تمامی آن سؤالات را در این سه حیطه قرار دهد.

جایگاه قرآن در زندگی : در این بخش بر این نکته تأکید شده است که قرآن گنجی است که بسیاری از مسلمانان قدر آن را نمی‌دانند و کمتر از آن استفاده می‌کنند. قرآن خود به سراغ افراد نمی‌رود تا آنها را دعوت به استفاده کند بلکه این مردم هستند که باید به طرف قرآن بروند و در برابر او زانو بزنند و از نور هدایت او استفاده کنند.

قرآن ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در هیچ کتابی این ویژگی‌ها جمع نشده است (روی این ویژگی‌ها که در اینجا آمده است تأکید شود). برای شرح ویژگی‌های خاص قرآن می‌توان از روایت امیرالمؤمنین استفاده کرد. روایت امیرالمؤمنین علیه السلام دارای نکاتی است که روی آنها تأکید شود.

۱- قرآن نور است. خاصیت نور این است که راه را نشان می‌دهد و انسان می‌تواند با پیگیری مسیر نور از گمراهی نجات یابد.

۲- قرآن اخبار پیشینیان و آینده جهان را در درون خود دارد.

۳- قرآن داروی درد انسان‌ها را دارد. درد اصلی انسان در این دنیا دور شدن از صراط مستقیم الهی است که قرآن بیان می‌کند چگونه به راه بیاییم و از مسیر الهی دور نشویم.

۴- قرآن به زندگی انسان سر و سامان می‌دهد. انسان را از حیرت و سرگردانی و بی‌هدف بودن نجات می‌دهد. موجب هدف‌دار شدن و با برنامه‌شدن زندگی انسان می‌شود؛ البته به شرط اینکه انسان بخواهد از قرآن استفاده کند.

در پایان، سه گام نزدیکی و استفاده از قرآن برای دانش‌آموز شرح داده شود. گام اول که کتاب آموزش قرآن متولی آن است صحیح خواندن قرآن است. گام دوم درک و فهم و گام سوم استفاده از قرآن در زندگی است.

دانستنی های معلم

۱- شعر

گویای بی زبان که گلویت پر از صداست
آرامشی که می دهی ام وقت خواندنت
با چه بسنجمت؟ به چه چیزت مثل زخم؟
مثل انار تازه و شاداب و آبدار
گاهی مثل زبشّه زنی گاهی ام ز فیل
تکرار صحنه های تو جذاب و دیدنی ست
نقل دهانمان قصص الانبیای تو
روزی که پا به عرصه محشر گذاری

معنای حرف های تو در سینه که هاست؟
مانند حال یافته چشمه بقاست
وقتی به بی مثالی تو صحبت گواست
همچون رطب کلام تو شیرین و جانفراست
گاهی چورعد و برق هراس تو بار جاست
نه سینما، که هر ورق عین صدماست
افسانه نیستی که سراینده ات خداست
آه دستت درون دست عزیزان مصطفاست

شهریار

۲- دیدگاه دانشمندان درباره قرآن

— **روژه گارودی (نویسنده فرانسوی):** «پیام اساسی قرآن عبارت از آن است که در انسان آگاهی بسیار ژرفی درباره پیوندهایش با خدا، با انسان و جهان پدید آورد. این بینش جهانی همه ابعاد زندگی، در زمینه اسلام را از لحاظ هنر، دانش و کردار دربرمی گیرد».

— **دکتر یوهان ولفگانگ فون گوته (ریاضی دان، شاعر و نویسنده آلمانی، ۱۸۳۲-۱۷۴۹ م):**

«عظمت احکام مقدس اسلام که قرآن مجموعه آن است، بهت و حیرت عجیبی در ما ایجاد نموده است».

— **ماهاتما گاندی (رهبر بزرگ هندوستان):** «از راه آموختن دانش قرآن، هر کسی به اسرار

روحی و حکمت های دین نائل می شود».

— **چارلز فرانسیس (استاد آمریکایی):** «انجیل کتابی است که در امریکا کسی آن را

نمی شناسد، اما قرآن کتابی است که هر مسلمانی با آن آشنا است و این ادعا، گراف نیست».

— **پروفسور هوستون اسمت (استاد دانشگاه در امریکا):** «هیچ کتابی در جهان به قدر آن

(قرآن) خوانده نمی شود. چه بسیار مردم که سراسر آن کتاب را به حافظه سپرده اند و تأثیرات آن در نفس

خوانندگان از حد حساب خارج است... عقیده و ایمان مسلمانان به کتاب الهی خود در اوج شدت

است، چنان که مسیحیان در احترام به کتاب خود هرگز به پای ایشان نمی رسند».

— **توماس کارلایل (فیلسوف، مورخ و نویسنده اسکاتلندی):** «هنگامی که قرآن مجید را

مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم این کتاب علاوه بر آنکه وحی آسمانی است، از نظر کلمات و ترکیب، بلیغ‌ترین کتاب است».

— فرانسوا — ماری آروئه (ولتر) (فیلسوف، نویسنده بزرگ و مشهور فرانسوی) : «من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیرمتدین ارائه دهند، او حتماً اولی را بر خواهد گزید؛ زیرا کتاب محمد (ص) به طور آشکار افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است».

— آر. اف. بودلی (خاورشناس و نویسنده سوئیسی) : «کتاب او — قرآن — رو به روی من است، از نظر اصیل و سالم ماندن از حوادث تاریخی بی‌نظیر است. کسی قدرت تشکیک در صحت و بقای آن به همان نحوی که نازل شده است را ندارد».

— دکتر شبلی شمیم (دانشمند بزرگ لبنانی) : «پیامبر اسلام، مدبر عالی و حکیم عالی مقام است. او با بلاغت قرآن، عقول بشر را متوجه خویش ساخت و آنها را در برابر کتاب خویش از خود بی‌خود کرد»^۱.

۳ — تشبیهی از پیامبر (ص) : پیامبر (ص) می‌فرمایند: *إِنَّ الذِّی لَیْسَ فِی جَوْفِهِ شَیْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ کَالْبَیْتِ الْخَرِبِ* یعنی کسی که در درونش چیزی از قرآن نباشد، همانند خانه ویران است (کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۲). از این تشبیه می‌توان استفاده کرد و از دانش‌آموزان پرسید که خانه خراب چه ویژگی‌هایی دارد که اگر قلبی با قرآن مأنوس نباشد، این‌گونه ویران خواهد بود؟ تشابه خانه ویران با قلب خالی از قرآن را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

— خرابه‌ها امنیت ندارند، قلب بدون قرآن نیز مضطرب است و آرامش ندارد.
— خرابه‌ها محل تردد خلافکاران است، قلب بدون قرآن هم محل تردد شیطان و وسوسه‌های اوست.
— خرابه‌ها متعفن و بدبویند، قلب بی‌قرآن نیز از عطر معنویت محروم است.
— خرابه‌ها با اندک تکانی خراب‌تر می‌شوند، قلب بی‌قرآن نیز متزلزل و هر روز رو به سویی است.
— به پناه گرفتن در خرابه‌ها نمی‌شود اطمینان کرد، به انسان‌های دور از قرآن نیز نمی‌توان اطمینان کرد.

۱ — برگرفته از کتاب قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- کتاب شگفتی‌های علمی و زبان ریاضی قرآن، مهندس علیرضا خردمندی، اکسیر قلم بابل
- ۲- قرآن از نگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، محمد مهدی علیقلی
- ۳- قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، جعفر رضایی فر
- ۴- قرآن و آخرین پیامبر، آیت الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه
- ۵- پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، سید محمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی



درس هشتم

خورشید پنهان

هدف کلی

آشنایی با برخی از ویژگی‌های قیام امام زمان

اهداف جزئی :

- توصیف برخی از ویژگی‌های دوران ظهور
- آشنایی با برخی از مسائل مهم در خصوص ظهور حضرت مهدی (عج)
- تبیین برداشت درست از انتظار
- تبیین ویژگی‌های منتظر واقعی

ضرورت درس

دانش‌آموزان در خصوص موضوع مهدویت سؤالات زیادی دارند. خصوصاً آنکه به دلیل اثرگذاری بسیار اعتقاد به منجی در فرهنگ شیعی، این موضوع مورد هجوم فراوان دشمنان قرار گرفته است تا این عقیده اثرگذار و امیدبخش به عقیده‌ای سست و تاریک تبدیل شود. از همین رو لازم است تا با بیان حقیقت این عقیده، زیبایی و محکم بودن مبانی آن برای دانش‌آموز مشخص گردد و چهره واقعی آن از لابه‌لای غبار شبهات بیرون آورده شود.

محورهای اصلی درس

- ۱- توصیف کوتاه از اوضاع جهان پس از تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

- ۲- ریشه داشتن اعتقاد به ظهور منجی در تمامی ادیان گذشته
- ۳- نکاتی در خصوص طول عمر آن حضرت
- ۴- مشخص نبودن زمان ظهور حضرت مهدی (عج) و کذب بودن ادعاهای مطرح شده در این باره
- ۵- امام زمان برای برقراری عدل و مهربانی قیام می کند نه خونریزی و کشتار
- ۶- عمل به واجبات، پرهیز از گناهان و توجه به حل مشکلات مردم از ویژگی های مهم یاران امام زمان است.
- ۷- ترسیم چهره منتظران واقعی در دوران غیبت

این درس به این پرسش ها پاسخ می دهد :

- ۱- جهان پس از ظهور حضرت مهدی (عج) چگونه خواهد بود؟
- ۲- آیا صرفاً ما شیعیان به ظهور منجی اعتقاد داریم؟
- ۳- چگونه ممکن است یک انسان، حدود ۱۲ قرن عمر کرده باشد؟
- ۴- آیا زمان قیام آن حضرت مشخص است؟
- ۵- آیا امام زمان به وقت ظهور، جوی خون راه می اندازد و بیشتر اهل زمین را می کشد؟
- ۶- حکومت آن حضرت چه مدت طول می کشد؟
- ۷- وظایف ما در دوران غیبت چیست؟

روش تدریس

- ۱- قبل از شروع درس می توان از روش زیر استفاده کرد :
- قبل از اینکه متن درس را بخوانیم، برای هر سؤال درس (۵ سؤال مطرح شده در متن درس)، جدول های شبیه جدول صفحه بعد، به تعداد گروه ها طراحی کرده و در اختیار گروه ها قرار می دهیم ؛ یا اینکه روی تابلو کشیده و از گروه ها می خواهیم که هر جدول را در برگه ای جداگانه برای خود رسم کنند. سپس از گروه ها می خواهیم در زمان تعیین شده به سؤالات جدول پاسخ دهند. بعد از اتمام وقت از نماینده هر گروه می خواهیم پاسخ های اعضا را در مورد سؤال بیان کند و ما آنها را تأیید و یا تصحیح می کنیم و توضیحات لازم را می دهیم. به همین ترتیب سؤالات مربوط به درس توسط دانش آموز و معلم پاسخ داده می شود. پس از پایان این کار به سراغ کتاب می رویم و متن کتاب را با کمک دانش آموزان می خوانیم. این روش کمک می کند تا دانش آموز با توجه به پاسخ هایی که خود به سؤالات داده است، نسبت به پاسخ کتاب به سؤالات، حساس و دقیق شود تا میزان انطباق پاسخ های خود با کتاب را بسنجد.

سؤال ۱: حضرت مهدی (ع) چگونه نزدیک به ۱۲ قرن عمر کرده است؟

پاسخ عضو شماره ۱
پاسخ عضو شماره ۲
پاسخ عضو شماره ۳
پاسخ عضو شماره ۴
پاسخ عضو شماره ۵

سؤال ۲: حضرت مهدی (ع) چه زمانی قیام می کنند؟

پاسخ عضو شماره ۱
پاسخ عضو شماره ۲
پاسخ عضو شماره ۳
پاسخ عضو شماره ۴
پاسخ عضو شماره ۵

۲- در روش دیگر قبل از آغاز درس، از دانش آموزان می خواهیم مهم ترین سؤال های خود درباره امام زمان (عج) را مطرح کنند و تعدادی از این سؤالات را بر روی تخته یادداشت می کنیم. خواهید دید که اکثر سؤالات دانش آموزان همین سؤالاتی است که درس به آنها پاسخ داده است. سپس از دانش آموزان می خواهیم درباره پاسخ این سؤالات به بحث و گفت و گو بپردازند. این روش ذهن دانش آموز را برای یادگیری و فهم بهتر مطالب درس آماده می کند.

۳- می توان از گروهی از دانش آموزان خواست تا شعر یا سرودی را تمرین کنند و در کلاس ارائه دهند. همچنین می توان از سرودها و اشعاری که در نرم افزار بر فراز آسمان در خصوص امام زمان آمده است، برای پخش در کلاس استفاده کرد.

۴- عنوان درس نیز می‌تواند به آمادگی ذهنی دانش‌آموز برای ورود به درس کمک کند. از دانش‌آموزان پرسیم که منظور از خورشید پشت ابر چیست؟ این تعبیر در مورد چه کسی به کار می‌رود؟ چرا امام زمان (علیه‌السلام) خودشان را به خورشید پشت ابر تعبیر کرده‌اند؟ دانش‌آموزان نکات زیبایی در خصوص این تشبیه بیان خواهند کرد. ما نیز می‌توانیم به کمک آنها آمده و برخی از وجوه این تشبیه را بیان کنیم:

الف) پشت ابر ماندن خورشید موقتی است و پس از مدتی خورشید نمایان می‌شود، امام نیز پس از مدتی غیبت ظهور خواهند کرد.

ب) خورشید در حالت پشت ابر نیز زمین را از تاریکی مطلق حفظ می‌کند و از سرد شدن آن جلوگیری می‌کند و بخشی از فواید خود را به موجودات می‌رساند؛ امام نیز در دوران غیبت زمین را از نابودی معنوی حفظ می‌کند، افراد مستعد را یاری می‌رساند و...

ج) ابر، خورشید را از دید کسانی که در زمین هستند می‌پوشاند نه کسانی که بر فراز ابر حرکت می‌کنند؛ غیبت نیز خاص کسانی است که به دنیا و آنچه در آن است دل بسته‌اند اما کسانی که در آسمان معنویت سیر می‌کنند امکان بهره‌مندی از حضور ایشان را دارند.

۵- در بخش «منتظران حقیقی» می‌توان به دانش‌آموزان گفت که بچه‌ها! دوست دارید در این سن دانشجوی شوید؟ یک دانشگاهی از بین شماها دانشجوی می‌پذیرد! چه کسی می‌خواهد دانشجوی این دانشگاه شود:

اطلاعیه مهم

برگزاری آزمون دانشگاه انتظار فرج

دانشگاه انتظار فرج، بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان دانشجوی می‌پذیرد.

با ابراز تأسف این دانشگاه هنوز ۳۱۳ فارغ‌التحصیل نداشته و برای تکمیل ظرفیت در تمام

مدت شبانه‌روز، از علاقه‌مندان آزمون به عمل می‌آورد:

مدارک لازم برای ثبت نام:

۱- نماز اول وقت

۲- عشق به اهل بیت (ع)

۳- راستگویی

۴- برگه تسویه حساب حق الناس

۵- انجام واجبات و ترک محرّمات

۶- کمک به مستمندان

۷- رعایت حیا و عفاف

۸-

۹-

«با آرزوی موفقیت‌تان در این آزمون بزرگ»

تحلیل اجزای درس

ورودیه : در این قسمت سعی شده تا به صورت مختصر توصیفی از اوضاع جهان پس از حکومت رسیدن حضرت مهدی علیه‌السلام بیان و وضعیت جهان در عرصه‌های فرهنگی، اخلاقی، علمی، اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیست در دوران پس از ظهور توصیف شود :

علمی : علم و دانش چنان شکوفا شده که تمام ...

اقتصادی : مردم به دنبال فرد مستمندی می‌گردند تا صدقه‌ای به او بدهند.....

اخلاق : حرص و طمع و ثروت اندوزی از میان جامعه رخت برسته است.

سیاسی : خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست.

فرهنگی : دادگاه‌ها و زندان‌ها دیگر شلوغ نیست.

فعالیت کلاسی : در این قسمت دانش‌آموزان با توجه به دانسته‌های خود سعی می‌کنند تا توصیفی از زمان ظهور در عرصه‌های مختلف داشته باشند. مثلاً مردم چگونه با هم رفتار خواهند کرد. فروشنده‌ها، کارمندان و ... چه تغییری در رفتار خود خواهند داشت؟ زنان جامعه در این دوران از لحاظ اخلاق و رفتار چگونه خواهند بود و

عقیده‌ای اثرگذار : این بخش بر دو نکته تأکید دارد. اول اینکه اعتقاد به ظهور، تأثیر فراوانی بر شیعیان داشته و باعث شده است تا در سخت‌ترین شرایط نیز در برابر مشکلات ایستادگی کنند زیرا آنان مطمئن بودند که در پس این مشکلات دوران روشنی وجود دارد که همه این سختی‌ها زمینه‌ساز و مقدمه آن دوران است. بر همین اساس شیعیان هیچگاه در برابر فشارها و سختی‌هایی که از سوی حاکمان زمان خود به آنان وارد می‌آمد، سر تسلیم فرو نمی‌آوردند و جانانه ایستادگی می‌کردند.

دوم اینکه، اعتقاد به ظهور منجی اختصاص به شیعیان ندارد. در میان مسلمانان هم شیعه و هم اهل سنت به ظهور موعود اعتقاد دارند و نام ایشان را هم «مهدی» گفته‌اند. با این تفاوت که برخی از اهل سنت معتقدند که این موعود هنوز به دنیا نیامده است. استناد آنان به احادیثی است که از پیامبر نقل

شده و ایشان فرموده است که «مهدی» بعداً به دنیا خواهد آمد. روشن است که کلمه «بعداً» به بعد از عصر پیامبر مربوط است. از این جهت این احادیث با اعتقاد شیعه سازگار است.

در میان سایر ادیان نیز اعتقاد به موعود وجود دارد. یعنی توسط حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) و نیز در دین زرتشت وعده ظهور منجی داده شده است. منشأ اختلاف در مصداق موعود، به اصل اختلاف ادیان باز می‌گردد. همانطور که خداوند دین واحدی فرستاده است، موعود نهایی و جهانی همه پیامبران نیز یک نفر بیشتر نخواهد بود و نمی‌شود خداوند چند موعود به مردم معرفی کند. بنابراین، اگر مثلاً پیروان حضرت موسی به حضرت عیسی ایمان می‌آوردند و نیز اگر پیروان حضرت موسی و عیسی دعوت رسول خدا را می‌پذیرفتند، تعدد ادیان ایجاد نمی‌شد و به همین ترتیب تعدد موعود نیز اتفاق نمی‌افتاد. پس همانطور که دین الهی واحد است، موعود الهی هم واحد است. دانستن این نکته پذیرش این عقیده را برای مخاطبان آسان می‌کند زیرا متوجه می‌شود که این عقیده مختص یک گروه نیست بلکه حقیقتی است جهانی و فراگیر.

سوالات

سؤال اول:

در تبیین امکان طول عمر آن حضرت دو پاسخ داده شده است. یک پاسخ، امکان طول عمر انسان را از منظر آیات قرآن بررسی کرده است و دیگری به بیان امکان طول عمر انسان از نظر دانش پزشکی پرداخته است.

در تکمیل پاسخ اول می‌توان به آیه ۲۵۹ سوره بقره و داستان عزیر اشاره کرد. بر اساس این آیه، غذای عزیر پس از گذشت صد سال به خواست خدا هیچ تغییری نکرده بود، در حالی که به طور طبیعی می‌بایست پس از چند روز فاسد می‌شد. هر صد سال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می‌ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی‌اش سالم نگاه داشت. یعنی خداوند عمر غذا را افزایش داده است. حالاً عمر طبیعی انسان مثلاً ۷۰ سال است، ۵۲۰۰ برابر ۷۰ چقدر می‌شود؟ خدایی که می‌تواند غذا را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی بدون تغییر حفظ کند، می‌تواند انسان را هم برای قرن‌ها حفظ کند. با این حساب حضرت ولی عصر (عجل‌الله فرجه) عمری نکرده است. عمر ایشان الان حدوداً ۱۲۰۰ سال است. یعنی حدود ۱۶ برابر عمر انسان معمولی عمر کرده و هنوز تا ۵۲۰۰ برابر خیلی مانده است.

همچنین می‌توان از مثال صورت نیز استفاده کرد؛ یعنی بگویم در صورت ما ابرو و مژه ثابت است و بعد هشتاد سال یک اندازه می‌ماند اما در کنار آن ریش قرار دارد که هر روز در حال رشد است

و در هفته چند بار باید اصلاح شود و کمی آن طرف تر موی سر است که هر ماه نیاز به اصلاح دارد. یعنی در یک پوست و یک گوشت، یک مو ثابت است و یک مو متغیر. همان خدایی که یک مو را ثابت نگه می‌دارد و یک مو را متغیر، یک انسان را ثابت نگه می‌دارد و باقی انسان‌ها را متغیر.

سؤال دوم:

در این بخش به سه مسئله مهم توجه داده شده است:

اول: قسمت اول پاسخ به این سؤال به منظور جلوگیری از برخی سوء استفاده‌ها از باورها و اعتقادات مردم به امام زمان (ع) نگاشته شده است، چراکه متأسفانه برخی افراد شیاد و سودجو که به دنبال جمع کردن مرید برای خود می‌باشند، خود را به عنوان رابط امام زمان معرفی کرده و ادعا می‌کنند که توسط خود امام از زمان ظهور آن حضرت مطلع گشته‌اند. از همین جهت باید به دانش‌آموزان بگوییم که چنین ادعاهایی دروغ بوده و زمان ظهور آن حضرت امری مخفی است.

دوم: در قسمت بعدی این نکته بیان شده است که هر زمان که شرایط و زمینه‌های ظهور فراهم شود، آن امام ظهور خواهند کرد و گفته شده که یکی از مهم‌ترین این شرایط آمادگی مردم برای همراهی با امام است. بنابراین، ما می‌توانیم در جلو انداختن ظهور آن حضرت اثرگذار باشیم. یعنی خود و جامعه خود را برای یاری و همراهی امام آماده کنیم زیرا تا مردم آماده نباشند و شرایط برای ظهور ایشان فراهم نباشد، آن حضرت از پرده غیبت بیرون نخواهند آمد.

سوم: در بخش پایانی این قسمت یکی دیگر از شرایط ظهور آن حضرت بیان شده است و آن وجود یارانی با وفا و آماده است. یارانی که تا پای جان آماده ایستادن در راه آرمان‌های امام خود باشند. در این قسمت مناسب است تا با ایجاد حس عاطفی به دانش‌آموزان بگوییم که تک تک آنها می‌توانند لیاقت یاری آن حضرت را داشته باشند به شرط اینکه رفتار و اخلاق خود را در حد و اندازه یار امام زمان بکنند و با پاکی و صفای قلب به استقبال آن حضرت روند.

سؤال سوم:

برخی وقتی به توصیف قیام امام زمان می‌پردازند، آن‌چنان چهره ترسناک و سراسر جنگ و خونریزی از قیام آن حضرت توصیف می‌کنند که مخاطب دچار رعب و وحشت می‌شود و از این قیام تصویری منفی پیدا می‌کند. از این رو باید مراقب بود که در بیان ویژگی‌های قیام امام زمان، به روایات ضعیف اتکا نکنیم و ذهن نوجوانان را با برخی گفته‌های ضعیف از حقیقت شیرین قیام دور نسازیم. امام زمان برای جلوگیری از جنگ و خونریزی ای می‌آید که ظالمان و مستکبران در جهان به پا کرده‌اند و اگر خونی نیز توسط ایشان ریخته شود، خون همین افراد است.

فعالیت کلاسی: در این فعالیت دانش‌آموزان باید بر این نکته تأکید کنند که ارائه چهره‌ای خشن از امام زمان و قیام او قطعاً با هدف تخریب قیام مقدس آن حضرت صورت می‌گیرد، تا مردم با ترس از ایشان، هیچ‌گاه انتظار قیام ایشان را نکنند و برای فراهم نمودن زمینه‌های ظهور تلاشی نکنند. القای خشونت و وحشت برای قیام عدالت‌جویانه امام زمان که از سوی برخی فیلم‌های ساخته شده در غرب دنبال می‌شود، تنها با هدف منزجر کردن مردم از امام زمان و قیام وی صورت می‌گیرد.

سؤال چهارم:

برخی از افراد گمان می‌کنند که پس از ظهور حضرت مهدی (ع) جهان به پایان رسیده و قیامت برپا می‌شود و از این رو از قیام ایشان واهمه دارند و آن را مصادف با پایان جهان می‌دانند. در این قسمت به این شبهه پاسخ داده شده است تا دانش‌آموز بداند که پس از قیام، تازه دوران صلح و آرامش آغاز می‌شود و این دوران ممکن است آن قدر طولانی باشد که همه عمر بشر از آدم تا روز ظهور در برابر دوران پس از ظهور ساعتی بیش نباشد.

سؤال پنجم:

در این قسمت باید به سه نکته مهم توجه کرد:

اول: برخی از دانش‌آموزان گمان می‌کنند که یاران امام زمان تنها ۳۱۳ نفرند، در حالی که این تعداد تنها مربوط به یاران نزدیک و یا به تعبیری فرماندهان اصلی ایشان است اما به غیر از این تعداد، افراد بی‌شماری نیز برای یاری آن حضرت به پا می‌خیزند.

دوم: دانش‌آموز باید به درک این مطلب برسد که او هم اگر همت کند و به واجبات دین خود عمل کند، می‌تواند یکی از یاران آن حضرت باشد. این قسمت از درس فرصتی است برای ایجاد انگیزه‌ای درونی در دانش‌آموزان تا احساس کنند که می‌توانند با قدری تلاش و همت در زمرهٔ دوستان و یاران آن حضرت قرار گیرند.

سوم: دانش‌آموز باید به این نکته پی‌برد که معنای یاری کردن امام و یاور ایشان بودن، صرفاً به معنای حضور در زمان قیام آن حضرت نیست؛ بلکه هر کس که با اعمال و رفتار خود دل امام زمان را شاد کند و در جهت پیاده کردن آرمان‌های امام تلاش کند، قطعاً جزو دوستان و یاران امام خواهد بود، حتی اگر عمرش به زمان ظهور نرسد.

فعالیت کلاسی: با توجه به آنچه که دانش‌آموزان در درس خوانده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که قرار گرفتن در جمع یاران امام زمان در گروهی عمل به واجبات دین و پرهیز از گناهان است. از این رو باید برنامه‌ای برای زندگی خود در نظر بگیرد که در آن سعی در عمل به دستورات دین داشته‌باشد.

یار امام زمان به نماز اهمیت فراوان می‌دهد، از سخنان زشت پرهیز می‌کند، ظاهری در شأن انسان مسلمان دارد، نگاه خود را از حرام باز می‌دارد و...

منتظران حقیقی: لازم است تا همکاران محترم در این قسمت، ویژگی‌های منتظران واقعی را تبیین کنند و توضیح دهند که جامعه منتظر، جامعه‌ای نیست که دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند تا مهمان بیاید، بلکه به خانه می‌رود و خانه را آماده می‌کند. جامعه منتظر یک جامعه فعال است و خود را آماده پذیرایی از موعود می‌کند، چنین اشخاصی خانه دل را از غبار گناهان پاک می‌کنند و دل را با عمل صالح زینت می‌دهند و به امام عصر نشان می‌دهند که توانایی یاری و پشتیبانی ایشان را دارند. متأسفانه برخی گرایش‌های غلط در جامعه ما وجود دارد که یار و منتظر امام زمان را کسی معرفی می‌کند که فقط محبت و یاد امام را در دل دارد و برای تعجیل در ظهور دعا می‌کند، صلوات می‌فرستد، نماز می‌خواند اما در عمل و سبک زندگی خود، امام زمان پسند زندگی نمی‌کند.

نکته بعد اینکه کسی که در شب منتظر خورشید است با این بهانه که فردا خورشید طلوع خواهد کرد، در تاریکی به سر نمی‌برد، بلکه برخاسته و چراغی روشن می‌کند. در زمستان که منتظر بهاریم از سرما به خود نمی‌لرزیم، بلکه با روشن کردن بخاری به سراغ گرما می‌رویم. پس نمی‌توان با این ادعا که قرار است امام زمان ظلم و فساد را از میان بردارد، ما هیچ اقدامی جهت مبارزه با ظلم و اصلاح جامعه بر نداریم.

دانستنی‌های معلم

۱- شعری در خصوص ویژگی منتظر

فرض کن حضرت مهدی (عج) به تو ظاهر گردد.

ظاهرت هست چنانی که خجالت نکشی؟

باطنت هست پسندیده صاحب نظری؟

خانه‌ات لایق او هست که مهمان گردد؟

لقمه‌ات در خور او هست که نزدش ببری؟

پولی بی‌شبهه و سالم ز همه دارایت

داری آن قدر که یک هدیه برایش بخری؟

حاضری گوشی همراه تو را چک بکند؟

با چنین شرط که در حافظه دستی نبوی!؟

واقفی بر عمل خویش تو بیش از دگران؟

می توان گفت تو را شیعه اثناعشری؟؟

۲- برخی ها می گویند چون قرار است امام زمان بیاید و عدالت را برقرار کند، پس دیگر نیاز نیست که ما برای برقراری صلح و عدالت و اقامه دین خدا قیام کنیم! در پاسخ به چنین افرادی می توانیم از مثال های زیر استفاده کنیم :

آیا شب که می شود، چون قرار است فردا خورشید طلوع کند، پس دیگر لازم نیست در شب تاریک چراغ روشن کنیم؟! یا اینکه در شب، با اینکه منتظر طلوع خورشید هستیم، برمی خیزیم و چراغ یا شمعی روشن می کنیم. پس انتظار نور معنایش این نیست که در تاریکی بنشینیم. و یا در زمستان منتظر گرمای بهاریم اما معنایش این نیست که بنشینیم و بلرزیم و وسیله گرمایشی روشن نکنیم. و یا یک بیمار را در نظر بگیرید، بیمار منتظر چیست؟ منتظر سلامتی است. اما آیا او همینطور در بستر بیماری می خوابد تا سلامتی را باز یابد؟ یا اینکه دکتر می رود و دارو می خورد. انتظار سلامتی معنی اش این نیست که مثل لاشه بیفتیم تا سالم شویم.

۳- شعری در خصوص امام زمان (عج)

یاران موعود

چرا یاوری نیست بهر قیام
همان منجیان نهان جهان
جهان مسلخ مردمانست کنون
نماییم بهر ظهورش دعا
خداجوی و فرمانبر و مهربان
سلحشور پرشورِ راه خدا
روزبه کهنمویی

چرا منتظر مانده چشم امام
کجایند یاران صاحب زمان
ز ظلم و گناه و فساد و جنون
بیاید تا ما همه، هم صدا
همه یکدل و مؤمن و پرتوان
همه یار موعود، بی ادعا

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- عصر ظهور، علی کورانی، شرکت چاپ و نشر بین الملل
- ۲- آشتی با امام زمان، محمد شجاعی، نشر محیی
- ۳- دولت مهدی، سیرت مهدی، دلشاد تهرانی، انتشارات دریا
- ۴- غرب و آخر الزمان، شفیعی سروستانی، نشر هلال
- ۵- جاهلیت مدرن، موعود عصر، شفیعی سروستانی، نشر موعود
- ۶- نگین آفرینش، جمعی از مؤلفان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (ع)



درس هفته

رهبری در عصر غیبت

هدف کلی

آشنایی با چرایی و چگونگی رهبری در عصر غیبت و رهبران و راهنمایان دین در آن عصر

اهداف جزئی :

– فلسفه غیبت امام زمان (عج)

– چگونگی رهبری و هدایت مردم در دوران غیبت

– آشنایی با گوشه‌ای از شخصیت امام خمینی به عنوان یکی از هدایتگران عصر غیبت

ضرورت درس

در درس قبل دانش‌آموزان با برخی موضوعات پیرامون امام زمان (عج) و ظهور ایشان و ویژگی‌های حکومت‌ها در دوران ظهور آشنا شدند. اکنون ممکن است این پرسش‌ها برای دانش‌آموزان مطرح شود که قبل از ظهور آن حضرت، جامعه چگونه می‌تواند بر مسیر قوانین الهی حرکت کند و مردم چگونه می‌توانند پاسخ سؤالات و پرسش‌های دینی خود را دریافت نمایند؟ چه کسی در این دوران بایستی بر اجرای قوانین دین نظارت کند؟ چه کسی می‌تواند میان مردم قضاوت کند؟ چه کسی قرار است مردم را در دفاع از دین و کشور بسیج نماید؟

در این درس از عالمان دین به عنوان کسانی یاد شده است که می‌توانند محل رجوع مردم باشند و در رأس این عالمان، ولی فقیه قرار دارد که متولی اجرای احکام در سطح جامعه است.

محورهای اصلی درس

- ۱- تبیین شرایط سخت زندگی امامان در عصر خویش
- ۲- غیبت امام دوازدهم به علت آماده نبودن جامعه برای پذیرش ایشان
- ۳- تأکید امام صادق (ع) بر مراجعه مردم به علمای دین در هنگام عدم دسترسی به امام
- ۴- ویژگی‌ها و شرایط علمای دین در کلام امام صادق (ع)
- ۵- عمل کردن به دستورات امامان در عصر غیبت در قالب عمل کردن به فتوا و دستورات فقها
- ۶- آشنایی با برخی از ویژگی‌های امام خمینی (ره) به عنوان یکی از هدایتگران عصر غیبت

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- دلیل غیبت امام زمان (عج) چیست؟
- ۲- در دوران غیبت هدایت و رهبری جامعه اسلامی برعهده کیست؟
- ۳- آیا هر عالم دینی می‌تواند هدایتگر مردم در عصر غیبت باشد؟
- ۴- آیا ولایت فقیه، مسئله جدیدی است یا برگرفته از تعالیم امامان معصوم (ع) است؟

تحلیل اجزای درس

ورودیه: یکی از سؤالات جدی دانش‌آموزان در خصوص امام زمان (عج)، چرایی غیبت ایشان است. این ورودیه به دنبال تبیین این نکته است که علت غیبت آن حضرت، قدرشناسی جامعه بود. از یک سو حاکمان جامعه در آن دوران از هیچ اقدامی برای تحت فشار قراردادن ائمه دریغ نمی‌کردند و از سوی دیگر مردم نیز وظیفه خود را در تبعیت از امام انجام نمی‌دادند و در مواقعی حتی به مخالفت با آنان نیز اقدام می‌کردند. این ورودیه با نگاهی گذرا به شرایط آن زمان، نمونه‌های قدرشناسی جامعه آن دوران را بیان می‌کند:

امام حسن (ع) و اदार به صلح می‌شود، امام حسین (ع) با وجود اعلام حمایت هجده هزار نفر از مردم کوفه، با ۷۲ نفر از یارانش به شهادت می‌رسد و امامان بعدی نیز با دسیسه حکومت به زندان می‌افتند و در نهایت همگی به شهادت می‌رسند. حتی امامان نهم، دهم و یازدهم (ع) در سنین جوانی، شهید شدند.

با این شرایط قطعاً اگر امام زمان (ع) غائب نمی‌شدند، ایشان نیز به شهادت می‌رسیدند. پس در این موقعیت، بهترین راه، غیبت از دیدگان است تا هنگامی که جامعه آمادگی و ظرفیت لازم را برای

حضور ایشان پیدا کند. برای تبیین بهتر این مسئله، شاید ذکر این مثال مفید باشد :

فرض کنید که شهرداری منطقه‌ای برای ایجاد روشنایی در یک محل، در آنجا چراغ برق قرار دهد. اما افراد سرور آن محل، چراغ را بشکنند. شهرداری برای بار دوم چراغ دیگری نصب می‌کند، اما باز توسط همان عده شکسته می‌شود. این کار برای بار سوم و چهارم نیز ادامه می‌یابد اما هر بار این چراغ شکسته می‌شود. به نظر شما آیا شهرداری حق ندارد اعلام کند که تا وقتی این وضعیت ادامه دارد، در این مکان چراغی نصب نمی‌کنیم؟

خداوند نیز برای هدایت مردم امامان را فرستاد؛ اما دستگاه ظلم و جور آن دوران یکی پس از دیگری آنها را به شهادت رساند و خداوند به همین دلیل امام دوازدهم را از نظرها پنهان کرد تا جامعه شرایط لازم را برای حضور ایشان به دست آورد و تا وقتی این شرایط و شایستگی ایجاد نشود آن حضرت ظهور نخواهند کرد.



در بخش دوم درس، روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان در مسئله قضاوت که یکی از ستون حکومت است، رجوع به کسانی که عالم به مسائل دین نباشند را رد می‌کنند و از مردم می‌خواهند که حتماً در حل مسائل و مشکلات خود به فقیهان مراجعه کنند.

در این قسمت دو نکته را لازم است برای دانش‌آموزان تبیین کنیم :

۱- حدیث امام صادق (ع) به خوبی نشان می‌دهد حتی در زمان حضور امام معصوم، چون همه مردم به آن بزرگواران دسترسی نداشتند، امامان مردم را به شاگردان مکتب خود ارجاع می‌دادند. پس وقتی در زمان حضور باید به علما و فقها مراجعه کرد، در زمان غیبت به طریق اولی باید به علمای دین مراجعه کنیم.

۲- طبق سخن امام، حکم و فتوای فقهای دین، همانند حکم و دستور امام است و کسی که از حکم و فتوای فقها سرپیچی کند، در اصل از دستور امام و بالاتر از آن از دستور خداوند سرپیچی کرده است.

فعالیت کلاسی : این فعالیت به دنبال بیان این نکته است که هر عالم دینی نمی‌تواند وظیفه هدایت مردم را برعهده بگیرد، بلکه عالمان دین بایستی عاملان دین هم باشند که طبق حدیث، بایستی پرهیزکار باشند و از دین خود محافظت کنند و همچنین تابع هوای نفس خود نباشند و تنها از دستورات الهی پیروی کنند.

از این‌رو، دانش‌آموز باید بداند که صرف اینکه کسی لباس دین بر تن کند، کتاب بنویسد و بر

بالای منبر به موعظه پردازد، دلیل بر این نیست که می‌تواند هدایتگر مردم باشد، بلکه شرط اصلی این است که رفتارهای این فرد براساس دستورات الهی باشد.



بخش بعدی به دنبال تأکید مجدد بر این نکته است که طبق حدیث امام صادق (ع) مخالفت با رأی و حکم فقها در مسائل دینی، در حقیقت مخالفت با حکم امام معصوم است. پس نمی‌شود کسی ادعای پیروی از امامان را داشته باشد اما در مسائل دینی، خود را موظف به تبعیت از احکام فقهی نداند. در قسمت دوم این بخش، بحث ولایت فقیه مطرح شده است. ساده‌ترین دلیل برای اثبات ولی فقیه این است که بالاخره هر جامعه‌ای نیاز به حاکم دارد، زیرا بدون مدیر و رهبر دچار هرج و مرج می‌شود. رهبر جامعه اسلامی علاوه بر داشتن ویژگی‌های مدیریتی همچون شجاعت، مدبر بودن، توانایی و...، باید اسلام‌شناس نیز باشد و در میان اسلام‌شناسان باید داناترین، با تقواترین و آگاه‌ترین آنان نسبت به مسائل و حوادث جهان انتخاب شود و ولایت فقیه چیزی جز این نیست.

بیدارگر قرن: این بخش به دنبال ترسیم بخشی از ویژگی‌های امام خمینی (ره) به عنوان یکی از فقها و عالمان راستینی است که توسط امامان معصوم به عنوان هدایتگران عصر غیبت معرفی شده‌اند. ویژگی‌هایی که در این قسمت بیان شده است در حقیقت ارائه نمونه و مصداق برای حدیث امام صادق (ع) است که مردم را به تبعیت از فقیهانی فرا خواندند که پرهیزکار و مطیع دستورات الهی هستند.

سعی شده شخصیت امام خمینی (ره) این بار از زبان ناظران بیرونی بیان شود زیرا دانش‌آموزان تاکنون از زبان یاران و نزدیکان امام، مطالب زیادی در خصوص ایشان شنیده‌اند و لازم است تا از نگاه یک غیرایرانی با گوشه‌ای از شخصیت ایشان آشنا شوند تا بدانند که وی حتی برای غیرایرانی‌ها و غیرمسلمانان نیز شخصیتی عظیم و اثرگذار بود.

دانستنی‌های معلم

۱- آیا ولی فقیه معصوم است؟

روشن است در میان معتقدان به ولایت فقیه هیچکس معتقد به عصمت ولی فقیه نبوده و حتی چنین ادعایی نکرده است، زیرا ما معتقدیم فقط پیامبران، حضرت زهرا و امامان صلوات الله علیهم اجمعین معصومند.

اکنون سؤال این است که با توجه به عدم عصمت ولی فقیه و احتمال خطا و اشتباه در او، آیا این

احتمال مانع اطاعت از وی می‌گردد؟

به نظر می‌آید چنین ملازمه‌ای وجود ندارد یعنی چنان نیست که اگر کسی معصوم نبود، اطاعت او لازم نباشد. اگر به سیره عملی شیعیان توجه کنیم، می‌یابیم آنها بی‌چون و چرا از مراجع، تقلید می‌کرده‌اند و به فتوای آنان عمل می‌نموده‌اند، در حالی که هیچ کس معتقد به عصمت مراجع نبوده، بلکه با تغییر فتوای مرجع می‌فهمیدند نه تنها او عصمت ندارد، که قطعاً اشتباه هم کرده است، زیرا یا فتوای پیشین او خطا بوده یا فتوای جدیدش. همچنین از اختلاف فتاوی مراجع معلوم می‌شود بعضی از آنان دچار خطای در فتوا شده‌اند، ولی با این حال هیچ کس اندک تردیدی در وجوب تقلید از مراجع ندارد. اگر به روش خردمندان در زندگی توجه کنیم، می‌یابیم آنان در مواردی، اطاعت را ضروری می‌دانند، گرچه دستور دهنده را معصوم نمی‌دانند.

فرض کنید فرماندهی در جنگ به سربازان خود دستوری بدهد؛ اگر سربازان بخواهند به استناد اینکه احتمال دارد فرمانده خطا کند، از دستورش سرپیچی نمایند، آیا کار جنگ سامان خواهد گرفت؟ آیا اقدام و حرکتی صورت می‌گیرد؟ آیا شکست این گروه حتمی نیست؟ پس تبعیت نکردن چنان زبانی دارد که با ضرر ناشی از پیروی از دستور اشتباه قابل مقایسه نیست. به عبارت دیگر اطاعت از فرمانده چنان منافی دارد که با ضرر اندک ناشی از پیروی یک مورد دستور اشتباه قابل مقایسه نیست. همچنین زمانی که به پزشک متخصص مراجعه می‌کنید، آیا احتمال خطا در تشخیص او می‌دهید؟ با وجود چنین احتمالی از مراجعه به پزشک چشم نمی‌پوشید.

اطاعت نکردن از حاکم موجب هرج و مرج و اختلال نظام جامعه می‌گردد. در تمام موارد مذکور روش خردمندان اعتنا نکردن به احتمالات ضعیف به هنگام عمل است. حال اگر به خصوصیات ولی فقیه توجه کنیم و در نظر داشته باشیم که حاکم اسلامی همیشه در هر کاری با صاحب نظران و متخصصان مشورت می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد و مردم هم وظیفه دارند از خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی برای حاکم شرعی مضایقه نکنند، احتمال خطا تا حد بسیاری کاهش می‌یابد و دیگر معقول نیست از دستورهای او سرپیچی کنیم.

۲- توضیح دو اصطلاح «مرجع تقلید» و «ولایت فقیه»

مرجع، از کلمه رجوع گرفته شده است و به معنی کسی است که به او رجوع می‌کنند. مردم به فقیه رجوع می‌کنند تا احکام دینی خود را از او بپرسند. البته این رجوع به این صورت نیست همه مردم به محل زندگی فقیه بروند و حضوری از وی بپرسند. این رجوع، می‌تواند استفاده از کتاب «توضیح المسائل» باشد، می‌تواند سؤال از روحانی محل باشد که نظرات فقیه را می‌داند، می‌تواند از

طریق تلفن به دفتر فقیه باشد و یا مراجعه به سایت آن مرجع.
تقلید نیز به معنی پیروی کردن است؛ پیروی از نظرات فقیه درباره نماز، روزه، خمس، امر به معروف و نهی از منکر و سایر احکام دینی.
ولایت نیز به معنی سرپرستی و اداره کردن است. فقیهی که اداره جامعه را بر عهده دارد و دستورات او در جامعه اجرا می شود «ولی فقیه» نام دارد.

۳- منشأ اختلاف فتوای مراجع

یکی از سؤال هایی که دانش آموزان دارند، علت اختلاف در فتوای مراجع است. آنها می گویند اگر منبع فتوای علما، کتاب قرآن و احادیث معصومین است، چرا اختلاف نظر پیش می آید. در این مورد توجه دانش آموزان را به چند نکته جلب می کنیم:

الف) مجتهدان با ائمه اطهار (ع) در بیان احکام دین، تفاوت دارند. معصومین (علیهم السلام) براساس علم الهی احکام را بیان می کنند برای همین حکم آنان یقینی است و اختلافی هم در میان آنها نیست. اما مجتهدان براساس تفکر و اندیشه خود حکم می کنند، بنابراین احتمال خطا وجود دارد؛ همان طور که احتمال خطا و اشتباه در نظر پزشک یا هر متخصصی هست.

ب) مجتهدان در تلاش علمی خود، به قرآن و احادیث مراجعه می کنند؛ آیات و احادیث را کنار هم می گذارند و با قواعدی که در اختیار دارند، درباره آن آیات و احادیث می اندیشند و نظر خود را ابراز می کنند. در اینجا ممکن است مجتهدی به یک نتیجه و مجتهد دیگر به نتیجه دیگر برسد.

ج) یکی از منابعی که مجتهدان استفاده می کنند، کتاب های حدیث است. مجتهدان هنگام مراجعه به این کتاب ها می کوشند که احادیث معتبر را از غیرمعتبر جدا کنند و از احادیث معتبر کمک بگیرند. در اینجا نیز ممکن است مجتهدان اختلاف نظر پیدا کنند و حدیثی از نظر یک فقیه معتبر و از نظر مجتهد دیگر، غیرمعتبر تلقی شود.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- ولایت فقیه به زبان ساده، جواد محدثی، نشر بوستان کتاب
- ۲- پیشینه تاریخی ولایت فقیه، احد جان بزرگی، نشر کانون اندیشه جوان
- ۳- ولایت فقیه، هادوی تهرانی، کانون اندیشه جوان
- ۴- نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، مصباح یزدی، نشر مؤسسه امام خمینی
- ۵- نسیم اندیشه (دفتر سوم)، جواد آملی، نشر اسراء



درس هشتم

وضو و تیمم

هدف کلی

آشنایی با برخی از احکام وضو و تیمم

اهداف جزئی:

- آشنایی با موارد وجوب وضو
- آشنایی با شرایط وضوی صحیح
- آشنایی با موارد وجوب تیمم
- یادگیری شیوه انجام تیمم

ضرورت درس

دانش‌آموزان در پایه دوم ابتدایی با شیوه گرفتن وضو آشنا شده‌اند. همچنین در پایه چهارم چگونگی انجام تیمم را آموخته‌اند. در این کتاب سعی بر این است که برخی مطالب بیان نشده در خصوص وضو که مربوط به شرایط صحت وضو می‌شود، برای دانش‌آموزان بیان شود. همچنین با توجه به اینکه یکی از موارد تیمم، انجام آن به جای غسل است و بر دانش‌آموزان دختر و پسر در این سن غسل‌های مختلف واجب می‌شود، لذا لازم است که بار دیگر به آموزش تیمم پرداخته شود.

محورهای اصلی درس

- ۱- ارزش و برکات وضو از زبان پیامبر (ص)
- ۲- موارد وجوب وضو
- ۳- موارد استحباب وضو
- ۴- هفت شرط صحت وضو
- ۵- مواردی که به جای غسل یا وضو باید تیمم کرد.
- ۶- شیوه انجام تیمم
- ۷- آنچه که وضو و تیمم را باطل می‌کند.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱- آیا فقط برای خواندن نماز باید وضو گرفت؟
- ۲- آیا با هر آبی (مثلاً آب دریا) می‌توان وضو گرفت؟
- ۳- آیا بر روی لاک می‌توان وضو گرفت؟
- ۴- چه مواقعی باید تیمم کرد؟
- ۵- چگونه تیمم کنیم؟
- ۶- چه چیزی موجب باطل شدن وضو یا تیمم می‌شود؟

تحلیل اجزای درس

ورودیه : این ورودیه با حدیثی از پیامبر آغاز شده است تا بر جایگاه و اهمیت این عمل عبادی تأکید کند. بسیاری از دانش‌آموزان گمان می‌کنند که وضو گرفتن فقط برای خواندن نماز است، در حالی که یکی از توصیه‌های پیشوایان دین این است که هر کس سعی کند تا حد امکان در تمام اوقات روز با وضو باشد، زیرا وضو آثار و برکات بسیاری دارد که در این حدیث برخی از این آثار بیان شده است.

نکته مهم در مورد این حدیث این است که پیامبر با این سخن به دنبال واجب کردن وضو در تمام اوقات روز نبوده است، بلکه ایشان توصیه کرده است که در حد امکان سعی کنید تا در همه حالات با وضو باشید و لذا نباید این حدیث را به گونه‌ای بیان کرد که مخاطب گمان کند وضو در همه حال واجب است.

پس از این حدیث، برخی از موارد وجوب وضو و نیز موارد استحباب آن بیان شده است.

شرایط و ضوی صحیح : شرایط صحت وضو، بیش از هفت مورد است که در اینجا با توجه به نیاز دانش‌آموز تنها به این هفت مورد اکتفا شده است.

نکته مهم : با توجه به زیاد بودن مطالب این بخش سعی شود تا به درک مفهوم درس توسط دانش‌آموزان توجه کنیم و آنها را وادار به حفظ عبارات و واژگان نکنیم؛ مثلاً اگر دانش‌آموزی آب مطلق را به آب خالص تعبیر کرد، معلوم است متوجه معنای این بخش شده است و نباید عین کلمه آب مطلق را از او بخواهیم. حتی ممکن است دانش‌آموزی در تعریف آب مطلق تنها بتواند به نمونه‌هایی از این آب اشاره کند، مثلاً بگوید آب رودخانه، آب چشمه و آب لوله‌کشی را آب مطلق می‌گویند، اما آب گلاب یا میوه، مطلق نیست. این نشان می‌دهد که مخاطب مفهوم آب مطلق را درک کرده و همین برای ما کافی است.

فعالیت کلاسی : این فعالیت محک خوبی است برای اینکه دریابیم دانش‌آموزان تا چه حد احکام مطرح شده در درس را فرا گرفته‌اند.

مورد اول اشاره به بحث آب مطلق و مضاف دارد که دانش‌آموزان با توجه به اطلاعاتی که در این باره کسب کرده‌اند پاسخ این پرسش را می‌دهند.

مورد دوم نیز به بحث آب مطلق و مضاف مربوط می‌شود. در پاسخ به این سؤال، اکثر دانش‌آموزان وضو گرفتن از آب رودخانه را صحیح می‌دانند. اما احتمالاً افراد نکته‌سنجی هم به این مطلب اشاره می‌کنند که گاه آب رودخانه‌ها به علت بارش شدید باران و ورود گل‌ولای به آب، به شدت گل‌آلود می‌شود. در چنین شرایطی آب رودخانه، دیگر آب خالص یا مطلق نیست و تبدیل به آب مضاف می‌شود و از همین جهت وضو گرفتن با آن، باعث بطلان وضو می‌شود.

مورد سوم نیز دو جواب دارد. اگر صحبت پشت تلفن به قدری طولانی شود که حالت وضو به هم بخورد، وضو باطل است. اما اگر صحبت کوتاهی باشد، مثلاً در این حد که سلام و علیکی بکنیم و به آن فرد بگوییم که بعداً با وی تماس می‌گیریم، وضوی ما صحیح است.

بیشتر بدانیم : در این قسمت برخی سؤالات رایج دانش‌آموزان در خصوص مسائل پیرامونی وضو پاسخ داده شده است. برای زیاد نشدن احکام این درس، این مطالب در قسمت بیشتر بدانیم قرار گرفته تا خود دانش‌آموز براساس میل و رغبت شخصی خود به دانستن احکام، به سراغ این مطالب برود.

تیمم : دانش‌آموزان در پایه چهارم ابتدایی با تیمم و برخی احکام آن آشنا شده‌اند. اکنون لازم است بار دیگر تیمم به آنها آموزش داده شود. این آموزش دوباره از دو جهت است: اول آنکه از

آشنایی اولیه دانش‌آموزان با موضوع تیمم، پنج سال می‌گذرد و به یادآوری مجدد نیاز دارد؛ دوم اینکه دانش‌آموزان در سنی قرار دارند که در برخی زمان‌ها غسل بر آنها واجب می‌شود و در برخی شرایط بایستی به جای غسل، تیمم کنند؛ لذا مطلوب است که بار دیگر احکام تیمم را با دقت بیشتری فرا گیرند.

فعالیت کلاسی: در بخش قبلی دو مورد از مواردی که باید به جای غسل یا وضو، تیمم کرد، بیان شد. در این فعالیت از مخاطبان خواسته شده که سه مورد دیگر را نیز بیان کنند. نکته قابل توجه در این بخش این است که موردی که در خود کتاب ذکر شده است، از مواردی است که دانش‌آموزان در کتاب هدیه‌های آسمان پایه چهارم با آن آشنا نشده‌اند، برای همین کاملاً جدید است. اما در کتاب چهارم، سه مورد از موارد وجود تیمم بیان گردیده است که انتظار می‌رود دانش‌آموزان در این فعالیت، همان موارد را بیان کنند.

این موارد عبارت‌اند از:

۱- آب نداشته باشیم.

۲- آب باشد اما استفاده از آب برای بدن ضرر داشته باشد.

۳- وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیریم یا غسل کنیم، نماز قضا می‌شود.

شیوه انجام تیمم: در این قسمت مراحل تیمم به ترتیب نشان داده شده است، اما نکاتی را

لازم است در این قسمت بدانیم:

۱- در کتاب گفته شده که تیمم باید بر خاک پاک یا هر چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است،

انجام گیرد. چیزهای دیگری که تیمم بر آن صحیح است، عبارت‌اند از: سنگ، کلوخ، سنگ مرمر، ریگ.

۲- در هنگام تیمم در کف دست‌ها و یا پیشانی و پشت دست‌ها مانعی نباشد، مثلاً کسی که

انگشتر در دست دارد نمی‌تواند با انگشتر تیمم کند.

دانستنی‌های معلم

چند حدیث درباره وضو:

- پیامبر (ص): وضو زیاد بگیر تا خداوند عمرت را زیاد کند. (امالی مفید، ص ۶۰، ج ۵)

- پیامبر (ص): شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پا در وضو رازی دارد. شستن صورت

در وضو، یعنی خدایا هرگناهی که با این صورت انجام دادم، آن را شست و شو می‌کنم تا با صورت پاک

به جانب تو بایستم و عبادت کنم، شستن دست‌ها در وضو، یعنی خدایا، از هر گناه دست شستم و به

واسطه گناہانی که با دستم مرتکب شدم، دستم را تطهیر می‌کنم. مسح سر در وضو، یعنی خدایا، از هر خیال و فکر باطل و گناه‌آلود که در سر پرورانده‌ام، سرم را تطهیر می‌کنم و آن فکر و خیالات باطل را از سر به دور می‌اندازم. مسح پا، یعنی خدایا، من از رفتن به جاها و مکان‌های نامناسب پا می‌کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده‌ام، تطهیر می‌کنم. (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۲)

– پیامبر (ص): وقتی یکی از شما از خانه با طهارت (با وضو) خارج شود، در این صورت ملائکه در حق او دعا می‌کنند و می‌گویند: خدایا او را بیامرز، خدایا بر او رحم کن. (جامع احادیث شیعه، ج ۶، ص ۳۸۷)

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- آموزش احکام، ویژه دختران، محمدحسین فلاح زاده، نشر الهادی
- ۲- آموزش احکام، ویژه پسران، محمد حسین فلاح زاده، نشر الهادی
- ۳- احکام عمومی، محمد وحیدی، نشر عصمت
- ۴- احکام زندگی، محمد حسین فلاح زاده، نشر فرهنگ اسلامی

درس هفتم

مُبطّلات نماز

هدف کلی

آشنایی با برخی از احکام نماز

اهداف جزئی:

– آشنایی با نُه مورد از مبطلات نماز

– آشنایی با برخی از احکام پیرامونی نماز

ضرورت درس

دانش‌آموزان در کتاب پیام‌های آسمان هفتم، نکاتی را در خصوص اهمیت نماز فرا گرفتند و در

پایه هشتم با برخی از آداب نماز از جمله خواندن آن به جماعت و نیز گفتن اذان و اقامه آشنا شدند. در

این کتاب بایستی با برخی از کارهایی که موجب بطلان نماز می‌شود، آشنا شوند.

محورهای اصلی درس

۱- شک بین رکعت سوم و چهارم و حکم آن

۲- تبیین نُه مورد از مبطلات نماز

۳- بیان چند مسئله شایع در مورد نماز که معمولاً مورد سؤال دانش‌آموزان است.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱- آیا اگر کسی در تعداد رکعات نمازش شک کند، نمازش باطل می‌شود؟
- ۲- اگر انسان در نماز سهواً صورت خود را به سمت چپ و یا راست بگرداند، نمازش باطل می‌شود؟
- ۳- آیا خندیدن در نماز، باعث باطل شدن آن می‌شود؟
- ۴- اگر سهواً در نماز حرف بزنیم، نماز باطل می‌شود؟
- ۵- اگر باقی مانده غذا در دهانمان باشد و آن را در بین نماز فرو بریم، نمازمان صحیح است؟
- ۶- آیا در قنوت نماز می‌توان به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کرد؟
- ۷- آیا عطسه یا خمیازه، نماز را باطل می‌کند؟

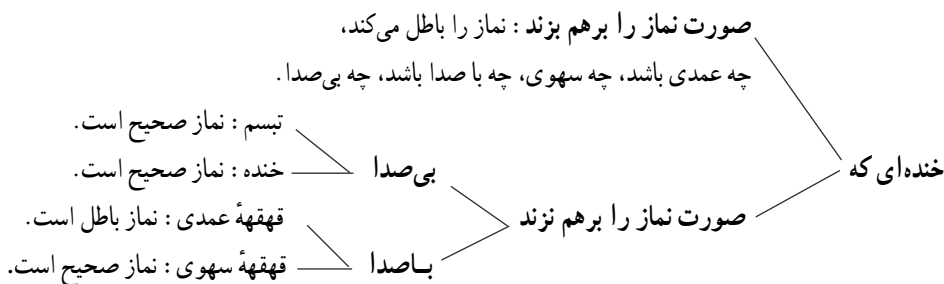
تحلیل اجزای درس

ورودیه : در این ورودیه سعی شده تا در قالب داستان، یکی از احکام نماز بیان شود. یعنی حکم شک کردن در رکعات نماز. در بسیاری از موارد دیده می‌شود که دانش‌آموزان با کوچک‌ترین شکی در نماز، آن را می‌شکنند و دوباره شروع به خواندن نماز می‌کنند. در ورودیه بیان شده که شکستن نماز، عملی حرام است، مگر در برخی موارد که خود خداوند اجازه آن را داده است. مثلاً تنها در صورتی که در رکعت اول و دوم نماز شک کنیم و یا در نماز دو یا سه رکعتی در تعداد رکعات شک کنیم، می‌توانیم نماز را بشکنیم و در صورت شک بین رکعت سه و چهار باید بنا را بر ۴ گذاشت و نماز را تمام کرد و سپس یک رکعت نماز احتیاط خواند.

شیوه خواندن نماز احتیاط : بعد از سلام نماز، فوراً نیت کرده، تکبیره الاحرام می‌گوییم و سپس سوره حمد را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم، دو سجده به جا می‌آوریم و پس از خواندن تشهد، سلام می‌دهیم.

مبطلات نماز : مبطلات نماز، دوازده مورد است که در این درس به نُه مورد که بیشتر مورد نیاز دانش‌آموزان است، اشاره شده است.

در این قسمت سعی شده است تا برخی اشکالات رایج دانش‌آموزان در مورد نماز به زبان ساده بیان شود. مثلاً دانش‌آموزان به دلیل اقتضات سنی خود، گاه در نماز می‌خندند. برخی از آنها گمان می‌کنند که هر خنده‌ای نماز را باطل می‌کند و برخی هم فکر می‌کنند که خنده در هر صورت، نماز را باطل نمی‌کند. اما بطلان نماز بستگی به نوع خنده دارد :



فعالیت کلاسی : بخشی از پاسخ این فعالیت در مسئله شماره ۹ کتاب است. نماز محسن باطل شده بود، زیرا او در نماز چهار رکعتی بین رکعت سوم و چهارم، شک کرده بود، پس نمازش باطل نیست؛ بلکه باید بنا را بر این می‌گذاشت که رکعت چهارم است و نماز را به پایان می‌رساند و بلافاصله پس از سلام نماز، باید بلند می‌شد و یک رکعت نماز احتیاط می‌خواند؛ یعنی تکبیره الاحرام می‌گفت، سپس سوره حمد را می‌خواند، به رکوع می‌رفت، دو سجده به جا می‌آورد و پس از خواندن تشهد، سلام می‌داد.

چند مسئله مهم درباره نماز : در این قسمت سعی شده تا مسائلی مطرح گردد که معمولاً از مشکلات رایج در میان دانش‌آموزان است. مثلاً بسیاری از دانش‌آموزان نمازهای خود را بسیار سریع و تند می‌خوانند، به گونه‌ای که برخی ذکرها را در حال حرکت می‌گویند؛ و یا آن قدر تند اذکار را می‌گویند که حروف درست ادا نمی‌شوند. در این قسمت، این گونه مسائل مورد توجه قرار گرفته و حکم آنها بیان شده است.

فعالیت کلاسی : با توجه به احکام مطرح شده در درس، دانش‌آموزان بایستی حکم هر یک از موارد مطرح شده را بیان کنند. مثلاً در مورد قسمت یک، باید بگویند که اگر ذکرهای واجب نماز را در حال حرکت بگویند، نمازشان باطل است و عجله دلیل درستی برای اینکه ذکرها را در حال حرکت بگویند، نیست.

در قسمت دوم، نماز باطل نمی‌شود، چون عمداً آخ نگفته است بلکه طبق متن، از روی بی‌اختیاری بوده است. البته حکم آن، این است که پس از پایان نماز، دو سجده سهو به جا آورد. در قسمت سوم، نماز باطل می‌شود. چون اگر نمازگزار سر خود را به حدی بچرخاند که دیگر صورتش رو به قبله نباشد، نمازش باطل می‌شود. در اینجا هم ذکر شده که صورت خود را برمی‌گرداند و به پشت سرش نگاه می‌کند. توجه داشته باشیم که در این مسئله، سهوی و عمدی بودن این کار نقشی در حکم ندارد و در هر دو صورت، نماز باطل است.

در مورد چهارم، چون نمازگزار خنده‌اش عمدی نبوده است، نمازش صحیح است.
در مورد پنجم، نماز صحیح است، چون نماز در صورتی باطل می‌شود (بر اساس مسئله شماره ۶،
بخش مبطلات نماز) که صورت نماز به هم بخورد، اما در اینجا، صورت نماز به هم نخورده است.

دانستنی‌های معلم

— چند حدیث در مورد نماز

— امام باقر (ع) : روزی پیامبر در مسجد نشسته بودند، مردی وارد شد و بی آنکه رکوع و سجود خویش را کامل به جا آورد، نماز گزارد. پیامبر (ص) فرمود : نماز او چون مرغی است که نوک بر زمین می‌زند و اگر با این حال از دنیا برود به دین من نمرده است.

— پیامبر (ص) : آگاه باشید نماز سفره گسترده خدا در زمین است که خداوند آن را روزی پنج بار برای افراد شایسته رحمت گوارا نموده است. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۰)

— پیامبر (ص) : نماز چهره شیطان را سیاه می‌کند. (نهج الفصاحه، ص ۳۹۶)

— پیامبر (ص) : تا وقتی که فرزندان آدم، نمازشان را به دقت و با شرایط و آداب می‌خوانند، شیطان پیوسته از او در وحشت و هراس است؛ پس اگر نماز را ضایع نماید، شیطان بر او چیره می‌شود و او را درگناهان کبیره انداخته و وی را گرفتار می‌کند. (بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

منابع برای مطالعه بیشتر

موارد معرفی شده در درس قبل.

درس دهم

هدلی و همراهی

هدف کلی

توجه به معیارهای دوستی و تلاش برای انتخاب دوست مناسب

اهداف جزئی:

- توجه به تأثیرات مثبت یا منفی دوست بر انسان و زندگی او
- شناخت معیارهای دوست خوب
- آشنایی با وظایف دوستان نسبت به یکدیگر

ضرورت درس

دوران نوجوانی و جوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی هر انسانی است زیرا راه و منشی که انسان در این سن انتخاب می‌کند، می‌تواند همه زندگی انسان را تا پایان عمر تحت تأثیر خود قرار دهد. یکی از عوامل تأثیرگذار در انتخاب مسیر زندگی در این سن، دوستان هستند. دانش‌آموزان اکنون به سن ۱۵ سالگی رسیده‌اند و به دلیل خصوصیات این دوران به شدت از دوستان و همسالان خود تأثیرپذیرند. از همین جهت بایستی آگاهی لازم را در خصوص ویژگی‌های دوستان خوب داشته باشند و از خطرات دوستی با افراد نامناسب با خبر شوند. در خصوص بحث دوست مطالب زیادی در کتاب‌های درسی گفته شده است، اما ویژگی این درس این است که صرفاً با نگاه دینی و با توجه به آیات و روایت به مسئله دوستی پرداخته است.

محورهای اصلی درس

- ۱- نیاز به دوست یکی از نیازهای اساسی انسان (نیاز روحی)
- ۲- حساسیت انتخاب دوست در دوران نوجوانی و جوانی
- ۳- سه ویژگی دوست خوب: اهل فکر و اندیشه، آلوده نبودن به گناه و بی بندوباری، خیرخواه دیگران بودن

- ۴- پیامدهای بی توجهی به ملاک‌های انتخاب دوست خوب
- ۵- دو مورد از حدود و وظایف ما در دوستی: احترام به دوست و میانه‌روی در دوستی

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- چرا این قدر به نوجوانان و جوانان در مورد انتخاب دوستان خود تذکر داده می‌شود؟
- ۲- دوست ناباب چه کسی است؟
- ۳- دوستی با افراد نامناسب چه تأثیری بر انسان می‌گذارد؟
- ۴- ویژگی‌های دوست خوب چیست؟
- ۵- حد و مرز دوستی کجاست؟ آیا می‌توانم به بهانه صمیمی بودن با دوستم هر گونه که می‌خواهم با او رفتار کنم؟

تحلیل اجزای درس

ورودی: هدف اصلی این ورودیه، توجه دادن دانش‌آموز به حساسیت و اهمیت جایگاه دوست در روایات است. به همین منظور، برخی از تعبیری که در روایات در خصوص دوست بیان شده در دوستون نگاشته شده است. ستون اول تعبیری است که در خصوص دوست خوب گفته شده است. براساس این روایات دوستان خوب، از خویشاوند هم به انسان نزدیک‌ترند، زیرا گاه انسان چنان با آنها انس می‌گیرد که با نزدیکان و آشنایان خود چنین انس ندارد و گاه آنان، چنان به یاری انسان می‌آیند که حتی خویشاوندان نیز این چنین کمکی به انسان نمی‌کنند. همچنین در این روایات دوست خوب به عنوان برترین سرمایه و اندوخته معرفی شده است. چه سرمایه‌ای بالاتر از دوستانی که در همه حال یاور انسان و در کنار وی هستند؛ کسانی که هرکاری را در حد توانایی خود انجام می‌دهند تا غم را از چهره دوست خود بزدایند، دوستانی که اگر انسان به خطا رود، وی را از آن خطا بازمی‌دارند و عیوب انسان را به وی متذکر می‌شوند. چنین افرادی که هم از لحاظ مادی و هم معنوی، پشتیبان ما هستند، قطعاً

جزء بالاترین سرمایه و اندوخته ما خواهند بود.

در این روایات دوست خوب عامل زنده شدن روح و روان انسان نیز معرفی شده است. بودن در کنار این دوستان، غم و غصه‌های انسان را می‌زداید و انسان را از اتزوا و تنهایی نجات می‌دهد. از سوی دیگر، همنشینی که ویژگی‌های دوستی خوب را نداشته و اخلاق و رفتاری ناپسند داشته باشد به پاره‌ای از آتش تعبیر می‌شود، آتشی که می‌تواند جوانی و عمر انسان را بسوزاند. چه بسیار انسان‌هایی که به دلیل دوستی با چنین افرادی، زندگی و سلامت خود را از دست داده‌اند یا در مسیری خطرناک و نامعلوم قرار گرفته‌اند.

در روایات، از همنشین بد به عنوان ترسناک‌ترین چیزها نیز یاد شده است. چه چیز ترسناک‌تر از کسانی که با هل دادن انسان به سوی بیراهه‌ها، دنیا و آخرت انسان را به نابودی می‌کشند. همنشین بد، هم انسان را در دنیا گرفتار آلودگی، گناه و زشتی می‌کند و هم مانع از حرکت انسان در جهت رشد معنویت و خوبی‌ها می‌شود.

همچنین همنشین بد به شمشیری زیبا و در عین حال زهرآلود نیز تشبیه شده است. شمشیری که به علت ظاهر براقش هر کسی دوست دارد آن را در دست گیرد، اما دست زدن به آن همان، و بریدن، خونریزی و زخمی شدن با آن نیز همان. همنشینان بد معمولاً ظاهری فریبنده دارند، مثلاً حرف‌های قشنگ می‌زنند آن‌چنان که هرکسی علاقه‌مند می‌شود مانند آنان شود و دنباله‌رو آنان گردد.

انتخاب سرنوشت‌ساز: آنچه که در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد، دو نکته است:

نکته اول: دانش‌آموز باید بداند که ما به گونه‌ای خلق شده‌ایم که در طول زندگی خویش، هم نیازهای جسمی داریم و هم نیازهای روحی. نیازهای جسمی مانند نیاز به آب، غذا، مسکن، هوا و ... است و نیازهای روحی مانند نیاز به دوست، همسر، آرامش و ...

خداوند که خود این نیازها را در وجود ما قرار داده، جهان را به گونه‌ای خلق کرده است که هر انسانی، پاسخ نیازهای خود را در دنیای اطراف خود بیابد. یکی از نیازهای روحی مهم برای انسان، نیاز به دوست و همنشین مناسب است. یعنی خدا ما را به گونه‌ای آفریده است که به دنبال همنشین خوب و دوست می‌گردیم تا با او انس بگیریم، در کنارش به آرامش دست یابیم. و در سختی و آسایش، بخشی از زندگی‌مان را با او سپری کنیم.

نکته مهمی که در این بخش وجود دارد این است که خدایی که این نیاز را در وجود ما قرار داده است، بهتر از هر کس دیگری می‌داند که برای پاسخ به این نیاز روحی، چه افرادی به درستی می‌توانند این نیاز ما را برآورده کنند و چه کسانی نمی‌توانند. از همین‌رو، خداوند برای انتخاب دوست، قوانینی

قرار داده است، تا مبادا در مسیر برآورده کردن این نیاز به بیراهه رویم. یعنی همان‌طور که خداوند در مورد نیازهای جسمی قوانینی را وضع کرده است تا سلامت جسم و جان ما دچار خدشه نشود؛ مثلاً فرموده است که برای برآورده شدن نیاز به غذا، هر غذایی را نخورید، چرا که فلان ماده غذایی مضر است و برای همین آن را حرام اعلام کرده است، همین‌طور هم در مورد نیازهای روحی دستوراتی داده است تا به سلامت روح ما آسیبی وارد نشود. مثلاً فرموده است با کسانی که شما را از خدا غافل می‌کنند، دوست نشوید؛ زیرا سرانجامی جز نابود کردن عواطف انسانی و سرمایه‌های معنوی در وجود شما ندارد.

نکته دوم: در قسمت دوم این بخش به این مسئله توجه داده شده است که به دلیل حساسیت بالای انتخاب دوست در دوران نوجوانی، توصیه‌های فراوانی در این خصوص به آنان، شده است. در دوران نوجوانی، عواطف و احساسات انسان به شکل عجیبی افزایش یافته و همین امر، باعث می‌شود تا نوجوان به هر کسی، دل ببندد، شیفته او شود و خود را از هر جهت شبیه او کند. بخشی از این شبیه شدن‌ها ناخودآگاه است، یعنی فرد بدون آنکه خود متوجه باشد، مانند همنشین خود رفتار می‌کند و مسلماً اگر او فرد مناسبی نباشد، پس از مدتی منجر به سقوط انسان به سمت رفتارهای ناشایست می‌شود.

فعالیت کلاسی: این فعالیت برای تأکید بر نکته دومی است که در قسمت قبل مطرح شد و به دنبال آن است که دانش‌آموزان با نگاه به دوستان و اطرافیان خود، به عمق سخن امام علی (ع) که در متن درس آمده، پی ببرند و در نتیجه در برخی از دوستی‌های خود بازنگری کنند.

بهترین دوست: سؤالاتی که در ابتدای این بخش مطرح شده است، سؤالات مهمی است. خوب است از دانش‌آموزان خواسته شود تا معیارهای خود را برای انتخاب دوست بگویند. حتی می‌توان با پردازش بیشتر این سؤالات، آنها را به تأمل بیشتر در این سؤالات واداشت. در این بخش اشاره شده است که در کتاب هفتم با سه ویژگی دوست خوب آشنا شده‌اید و در این کتاب با سه ویژگی دیگر آن، آشنا می‌شوید. جهت یادآوری مطالب کتاب هفتم، بهتر است به صورت مختصر نکاتی که در آن کتاب در خصوص دوست مطرح شد، بیان شود.

□ به زیبایی خرد آراسته، و اهل فکر و اندیشه باشد! : این ویژگی، برگرفته از آیه ۱۹۹ سوره اعراف «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین» و نیز حدیثی از امام علی (ع) است که می‌فرماید: «برای مسلمان سزاوار است که از رفاقت با سه کس اجتناب کند: بی‌باک [در گفتار و

کردار یعنی انسان هرزه]، احمق و دروغگو؛ اما شخص بی‌باک و هرزه، کار خود را برای تو زینت دهد و دوست دارد تو هم مانند او باشی و در کار دین و آخرت تو را یاری نکند و رفاقت با او جفا و قساوت قلب می‌آورد... اما احمق پس او به خیر و خوبی تو دستور ندهد و در رفع شر امیدی به او نیست، اگرچه خود را به رنج و زحمت بیندازد و چه بسا بخواهد خیری به تو رساند ولی به تو زیان می‌رساند...»

یکی از ویژگی‌های دوستی در این دوران، این است که نوجوانان مشکلات و مسائل خود را در جمع‌های دوستانه خود به مشورت می‌گذارند و از یکدیگر راه حل می‌خواهند.

قطعاً اگر دوستانی که نوجوان برای خود انتخاب می‌کند افرادی کم‌اطلاع یا ناآگاه باشند، با دادن مشورت‌های غلط، زمینه‌های انحراف او را فراهم می‌کنند. مثلاً وقتی نوجوانی به دوستان خود از غم‌ها و مشکلاتش حرفی می‌زند، ممکن است برخی از همین افراد ناآگاه به او کشیدن سیگار یا مصرف برخی روان‌گردان‌ها را برای غلبه بر غم و غصه، پیشنهاد کنند!

این قسمت از درس با توجه به همین نکته، به نوجوانان توصیه می‌کند که حتماً یکی از معیارهای اصلی خود در انتخاب دوست را، آگاهی و دانایی فرد بگذارند. دوست دانا هر راهی را پیش پای دوست خود نمی‌گذارد و اگر خود بتواند کاری برای دوستش انجام دهد، او را به سمت مشاوره با افراد آگاه (همچون معلم، پدر و مادر، روحانی محل و...) سوق می‌دهد.

□ نه تنها خود اهل گناه نیست، بلکه از گناه دیگران نیز ناراحت می‌شود: متأسفانه برخی نوجوانان به دلیل محیط تربیتی نامناسب، دچار برخی انحرافات اخلاقی می‌شوند و هرکس دیگری نیز که با آنها هم‌نشین و همراه شود، گرفتار این انحرافات می‌شود. این‌گونه افراد، شکستن برخی هنجارها یا رعایت نکردن برخی ارزش‌ها را بد نمی‌دانند و بدتر از آن اینکه، نه تنها خودشان آن را تکرار می‌کنند بلکه زشتی این اعمال را پیش دوستانشان نیز توجیه می‌کنند.

به عنوان نمونه افرادی هستند که به دیدن فیلم‌ها و عکس‌های غیراخلاقی معتاد شده‌اند و برای قبح‌زدایی از کار خویش، تلاش می‌کنند هم‌کلاسی‌های خود را نیز آلوده کنند تا در این امر احساس تنهایی نکنند. همچنین آنها با تعریف کردن مطالب مستهجن و به کار بردن الفاظ رکیک و دور از ادب در روابطشان با هم‌سن‌وسال‌های خود سعی می‌کنند نسبت به سنی که دارند خود را بزرگ‌تر جلوه دهند و فکر می‌کنند به این ترتیب نشان داده‌اند که از دانایی و توانمندی بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند. اشاعه این رفتار و تشویق دیگران به هم‌گونی با آنها به خوبی در حدیث امام علی (ع) مورد

توجه قرار گرفته است. در این حدیث آمده است که این افراد کارهای زشت خود را زیبا جلوه می‌دهند تا بقیه دوستانشان را نیز همچون خود کنند.

در ادامه این بخش، برای آنکه نوجوانان بهتر بتوانند ویژگی این افراد را بشناسند، چند خصوصیت مطرح در این افراد بیان شده است: اول آنکه، آنها به راحتی گناهان خود را با آب‌وتاب برای دیگران مطرح می‌کنند؛ دوم اینکه، آنان بقیه را نیز مستقیم یا غیرمستقیم به انجام اعمال زشت تشویق می‌کنند؛ سوم آنکه، آنان به راحتی از کنار اشتباهات و گناهان دوست خود می‌گذرند و نه تنها تذکری به او نمی‌دهند بلکه با گفتار و حتی خندیدن، کار زشت و اشتباهش را تأیید می‌کنند.

بسیاری از نوجوانانی که در این سن درگیر رابطه با جنس مخالف، کشیدن سیگار، عادت‌های زشت اخلاقی و... شده‌اند، از طریق همین افراد به ظاهر دوست، گرفتار شده‌اند.

□ خیرخواه دوستانش است: یکی از اشتباهات رایجی که در میان دوستان نوجوان وجود دارد این است که گمان می‌کنند دوست خوب کسی است که هرچه از انسان سر می‌زند، چه درست و چه غلط، به او چیزی نگوید و همیشه یاور و مؤیدش باشد؛ بنابراین اگر دوستی تذکری به او بدهد رنجیده‌خاطر می‌شود. در این بخش بیان شده است که دوست خوب کسی است که دلسوز ما باشد و اگر دید در راهی که می‌رویم چاهی وجود دارد باید راه را از چاه به ما نشان دهد.

پس دوستی که عیب‌های ما را می‌گوید در حقیقت به دنبال بهتر شدن حال ما بوده و به سرنوشت‌مان حساس است. او می‌تواند بی‌تفاوت از کنار رفتارهای ما بگذرد، اما وقتی نسبت به سرنوشت ما حساسیت نشان می‌دهد ثابت می‌کند که دوست دلسوزی است و خوبی ما را می‌خواهد. در اینجا می‌توان با توجه به حدیث امام صادق (ع)، این سؤال را از دانش‌آموز پرسید: «چرا امام از بیان عیب‌های خود توسط دیگران، به گرفتن هدیه تعبیر کرده است؟».

فعالیت کلاسی: مسئله‌ای که در این فعالیت مطرح شده است یکی از چالش‌های جدی دانش‌آموزان است که در این سن با آن مواجه هستند. مثلاً دانش‌آموزان با خواندن معیارهای دوست خوب، به این نتیجه می‌رسند که برخی از کسانی که به عنوان دوست انتخاب کرده‌اند، مناسب نیستند و شرایط دوست خوب را ندارند. اما با این مشکل مواجه می‌شوند که چگونه بعد از این همه مدت، به این دوستی پایان دهند؟!

این فعالیت خواسته است تا از زبان خود دانش‌آموز راهکارهایی ارائه شود تا اثرگذاری آن بیشتر شود. همچنین شما به عنوان یک دبیر بایستی راهکارهایی را مدنظر داشته باشید تا در صورت

لزوم آنها را برای دانش‌آموزان بیان کنید. این راهکارها عبارت‌اند از :

۱- بهترین کار در این موارد این است که نوجوانان، ارتباط خود را با این افراد به تدریج کم کنند تا شاید آن افراد متوجه رفتار نامناسب و بد خود بشوند و از این طریق به فکر تغییر رفتارشان برآیند. قطع رابطه سریع در این مواقع، شاید واکنش مناسبی نباشد و هر دو طرف، آسیب عاطفی ببینند و فردی که رفتار مناسب ندارد، نفهمد که چرا دوستش از او دوری می‌کند. بنابراین، پیشنهاد کنید که کم‌کم از شدت این نوع دوستی‌ها بکاهند، مثلاً حتی‌المقدور از یک مسیر با هم به خانه نروند، تا آنجا که می‌توانند به منزل این افراد تردد نکنند، ساعات کمتری را با آنها بگذرانند و ... این رفتار موجب می‌شود که آن افراد، یا رفتار بدشان را تغییر دهند و یا خودشان رابطه‌شان را با ما قطع کنند.

۲- برای اینکه نوجوان بتواند قطع رابطه با این قبیل افراد را بر کند و بر عزم خود برای عدم معاشرت با آنها جدی باشد، باید سعی کند تا ارتباط خود را با خدا تقویت کند، به نمازش بیش از گذشته اهمیت دهد، در برخی مراسم مذهبی مانند مجالس قرائت قرآن، دعا و توسل بیشتر شرکت کند، در مسجد حضور بیشتری داشته باشد و ... این کارها کمک می‌کند تا خداوند به انسان در این امر یاری رساند و با یاد خدا و کسب آرامش، راحت‌تر به دوری از این همشینیان و همراهان نامناسب، کنار بیاید. **بیشتر بدانیم :** در این قسمت به برخی از نتایج دوستی‌های بدون معیار، پرداخته شده است. کسی که معیار دوستی خود را زیبایی دوست، باکلاس و به روز بودن او و یا حرف‌های قشنگش قرار می‌دهد و به ملاک‌های گفته شده در درس بی‌توجه است، به راحتی در دام کسانی می‌افتد که از دوستی، هدفی جز سودجویی یا تفریح ندارند. وقتی انسان کسی را به عنوان دوست خود انتخاب می‌کند، پس از مدتی آن چنان به او دل می‌بندد که بدی‌های او را نمی‌بیند و گاه بدی‌های او را نیز خوبی می‌شمارد. در این زمان فرد چشم‌وگوش‌بسته به دنبال این دوست می‌افتد و هر بی‌راهی‌ای را که او در آن پا بگذارد، وی نیز در آن قدم می‌گذارد. علاوه بر این، این تبعیت بی‌چون و چرا باعث می‌شود که برخی افراد سودجو به دنبال سوء استفاده برآیند و دوستان خود را در منجلاب فساد وارد کنند.

حدود و وظایف دوستی

۱- **احترام به دوست :** اولین وظیفه ما نسبت به دوستان، حفظ احترام آنان و رعایت ادب است. برخی گمان می‌کنند که به صرف دوستی با کسی، می‌توانند حریم‌ها را زیر پا بگذارند و به بهانه صمیمی بودن، هر حرفی را به دوست خود بزنند و هر رفتاری را با وی داشته باشند. این افراد به بهانه صمیمیت، القاب نامناسب به دوستان خود می‌دهند، او را مسخره می‌کنند، دست می‌اندازند و شوخی‌های نامناسب می‌کنند. این افراد توجه ندارند که شاید در کوتاه‌مدت دوستانشان واکنشی نشان

ندهد، اما به تدریج از آنها دلزده می‌شود و بذره‌های کینه و نفرت در دل وی جوانه می‌زند و پس از مدتی به کمترین بهانه‌ای از آنها دل می‌کند.

۲- **میان‌روی در دوستی:** نوجوانان به دلیل اقتضات سنی خود، از احساسات و عواطف بالایی برخوردارند و در عرصه دوستی که صحنه ابراز عواطف است، گاه از حدود و مرزها خارج می‌شوند و دچار افراط در این مسئله می‌شوند. بعضی از نوجوانان در این سن به حدی شیفته دوستان خود می‌شوند که نمی‌توانند لحظه‌ای از آنان دل بکنند و سعی می‌کنند تا آنجا که ممکن است همراه و کنار آنها باشند.

فعالیت کلاسی: اگرچه پاسخ این فعالیت، برعهده دانش‌آموزان گذاشته شده است اما دبیران محترم بایستی نقش اصلی را در جهت‌گیری درست این فعالیت ایفا کنند. بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل سن خاصی که دارند، به نوعی با چنین دوستی‌های افراطی مواجه شده‌اند و از آثار آن باخبرند. بنابراین شایسته است تا از خود دانش‌آموزان بخواهیم در خصوص آثار و مضرات این گونه دوستی‌ها نظر بدهند و راه خارج شدن از چنین دوستی‌هایی را بیان کنند. اگر کسی دچار چنین دوستی‌هایی شود، بایستی برای خروج از این مسیر، موارد زیر را رعایت کند:

۱- سعی کند تا بیش از گذشته به ارتباط با خدا روی بیاورد. یعنی نمازهای خود را به موقع بخواند، حداقل روزی یک صفحه قرآن با توجه به معنای آن تلاوت کند و حضور در مسجد و مکان‌های مذهبی را بیشتر کند. انسان با خدا باعث می‌شود تا عشق‌های دروغین و علاقه‌های افراطی از قلب انسان خارج شود و انسان قلب خود را از محبت خدا پر کند.

۲- بهتر است چنین افرادی به جای انتخاب یک دوست و علاقه‌ورزی بیش از حد نسبت به وی، دوستان متعددی انتخاب کنند و علاقه و محبت خود را بین آنان تقسیم کنند. این کار موجب می‌شود تا تعادل نسبی در محبت به دوستان برقرار شود. حضور در جمع سایر دوستان، اختصاص دادن وقت به گفت‌وگو با دیگر دوستان و ... موجب می‌شود تا فرد خود را محصور در یک نفر نکند.

۳- برای تعدیل علاقه و محبت انسان به دوستان، یکی از بهترین راه‌ها افزایش ارتباط با اعضای خانواده است. هرچه انسان رابطه صمیمانه‌تری با پدر و مادر و خواهر و برادر خود داشته باشد، کمتر گرفتار علاقه‌های افراطی می‌شود. از این رو گاه لازم است تا دبیران صحبتی با اولیای چنین دانش‌آموزانی داشته باشند و از آنان بخواهند محبت بیشتری را نثار فرزندشان کنند.

۴- معمولاً افرادی بیشتر وارد چنین دوستی‌های افراطی می‌گردند، که اعتماد به نفس پایین‌تری دارند. از همین جهت یکی از راه‌های درمان علاقه‌های افراطی، دادن اعتماد به نفس به این افراد

است. باید از آنان خواست تا ویژگی و نکات مثبت شخصیتی خود را یادداشت کنند و هر روز نظری به آن بیندازند تا نقاط قوت خود را هر روز به یاد آورند. همچنین دبیران نیز می‌توانند با تکیه بر ویژگی‌های مثبت چنین افرادی، آنان را در افزایش اعتماد به نفس کمک کنند. هرچه اعتماد به نفس این افراد بالاتر رود، کمتر وارد چنین فضاهای عاطفی افراطی می‌شوند.

بیشتر بدانیم: این بیشتر بدانیم با توجه به یکی از مشکلات شایع در میان نوجوانان نگاشته شده است. یکی از مسائلی که باعث می‌شود نوجوان امروزی تن به دوستی‌های ناسالم بدهد، تنهایی وی است. به دلیل افزایش خانواده‌های تک فرزندی یا دو فرزندی، و نیز اشتغال پدر و مادر و نداشتن فرصت کافی برای توجه به فرزندان، آنان احساس تنهایی می‌کنند، و همین احساس را مجوزی می‌دانند تا برای رهایی از آن به‌گونه‌ای خود را سرگرم کنند. از همین رو، گاه خود را با ورود به فضاهای مجازی و دوستی با افراد مختلف مشغول می‌کند. ورودی که در بسیاری از مواقع تبعات خطرناکی برای نوجوان دارد. آلوده شدن نوجوان به ارتباط با جنس مخالف، ورود به سایت‌ها و شبکه‌های غیراخلاقی، از بین رفتن حیا و گرایش به بی‌بند و باری برخی از نتایج ورود به شبکه‌های مجازی است. از این رو، در این بخش با ذکر برخی از آثار این‌گونه برنامه‌ها، به راه حل مناسبی برای رهایی از این تنهایی اشاره شده است. انس با خدا و توجه به معنویات بهترین راه حلی است که قلب تشنه انسان را سیراب می‌کند. و چه زیبا فراهایی از دعا‌های پیامبر و امام حسین (ع) آورده شده است که در آن خداوند به‌عنوان رفیق انسان‌های تنها معرفی شده است.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- روش دوست‌یابی، محمد الحیدری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۲- اخلاق معاشرت، جواد محدثی، بوستان کتاب قم.
- ۳- پشت دیوار ندامت، ابراهیم ایمانی‌فر، نشر کیهان.
- ۴- دوست اگر این‌گونه می‌بود، راضیه محمدزاده، نشر منیر.
- ۵- انسان‌های طلایی، عشق‌های مومیایی، حسین سروقامت، نشر تربیت اسلامی.



درس یازدهم

مسئولیت همگانی

هدف کلی

آشنایی با فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای دینی و اجتماعی
اهداف جزئی:

- به دست آوردن درک صحیح از نیاز جامعه به نظارت همگانی به علت داشتن سرنوشت مشترک
- گرایش به دعوت دیگران به کارهای نیک و پرهیز از کارهای ناپسند
- آگاهی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
- آشنایی با شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

ضرورت درس

متأسفانه به دلیل برخی اقدامات نادرست در حوزه امر به معروف و نهی از منکر و نیز تلاش برخی افراد مغرض برای بد جلوه دادن این واجب الهی، امروزه این فریضه آن گونه که باید جایگاهی در میان جامعه ما ندارد؛ این در حالی است که در روایات امر به معروف و نهی از منکر جزء واجبات درجه اول شمرده شده است. از این رو، لازم است تا با تبیین صحیح فریضه امر به معروف و نهی از منکر و همچنین زدودن برخی ابهامات از چهره آن، این نکته را به دانش‌آموزان آموزش دهیم که امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی افراد یک جامعه به منظور حرکت آن جامعه در مسیر درست است؛ نظارتی که در بسیاری از جوامع دیگر با شکل و عناوین دیگری، وجود دارد.

محورهای اصلی درس

- ۱- نیاز جامعه به نظارت همگانی به علت داشتن سرنوشت مشترک
- ۲- وظیفه مضاعف مؤمنان نسبت به سرنوشت جامعه
- ۳- آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۴- برخی شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

۱- آیا امر به معروف و نهی از منکر فقط در مورد مسائل دینی جامعه است یا دامنه گسترده‌تری

دارد؟

- ۲- آیا امر به معروف و نهی از منکر دخالت در کار دیگران نیست؟
- ۳- کار دیگران چه ارتباطی به من دارد و من چرا باید دیگران را امر به معروف کنم؟
- ۴- امر به معروف و نهی از منکر وظیفه چه کسانی است؟
- ۵- اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟
- ۶- آیا همه را باید به یک شکل امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

تحلیل اجزای درس

ورودیه: هدف این ورودیه، تغییر نگرش در مخاطبان نسبت به گستره امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا بسیاری از افراد گمان می‌کنند دامنه این فریضه فقط در خصوص موضوعات دینی همچون نماز، روزه، حجاب و ... است و به سایر موارد تعلق نمی‌گیرد. در این قسمت، نمونه‌هایی ذکر شده است تا به دانش‌آموزان این نکته را پیام‌رسان کند که دامنه امر به معروف و نهی از منکر بسیار گسترده است؛ از تذکر دادن به دوستان در انجام بهتر فرایض دینی‌شان گرفته تا تذکر دادن به یک بازاری به دلیل گرانفروشی یا انذار راننده‌ای که خودرویش دود می‌کند، همه مصادیقی از انجام این فریضه است.

پس اگر مثلاً من به افرادی که در خیابان زباله می‌ریزند یا کسانی که در جنگل آتش روشن می‌کنند، تذکر دهم در زمره ناهیان از منکر هستم.

در ادامه این ورودیه به برخی از توجیه‌ها و بهانه‌هایی که توسط برخی از افراد در قبال مشاهده ناهنجاری‌ها بیان می‌شوند، اشاره شده است. مثلاً عده‌ای می‌گویند: به من چه؟ گفتن من چه فایده‌ای دارد؟ و ... در حقیقت در این قسمت، این توجیه‌ها که ممکن است توسط خود ما هم بیان شود، مطرح

می‌گردد تا دانش‌آموزان با کمک فعالیت کلاسی دربارهٔ میزان درستی این سخنان به فکر فروروند.

فعالیت کلاسی : هدف این فعالیت، تفکر دانش‌آموزان در خصوص برخی توجیهاتی است که معمولاً از سوی برخی از افراد، به منظور فرار از وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر، بیان می‌شود. دانش‌آموزان با بحث در گروه خود باید بیان کنند که آیا واقعاً این دلایل برای ترک امر به معروف و نهی از منکر پذیرفتنی است. مثلاً اگر کسی بگوید به من چه، می‌تواند از بار مسئولیت خود، شانه خالی کند؟ آیا کسی می‌تواند نسبت به آلوده کردن هوا و یا محیط زیست با بیان اینکه «به من چه ارتباطی دارد؟» بی‌تفاوت باشد، با وجود آنکه آلوده کردن محیط زیست کاملاً با سرنوشت من و جامعهٔ من در ارتباط است؟

و یا اگر کسی بگوید: «گفتن من چه فایده‌ای دارد؟ او به این کار عادت کرده است»؛ پاسخ او این است که اگر من و هر کسی که خطایی می‌بیند تذکر دهد، فرد خاطی با دیدن واکنش افراد جامعه نسبت به خطای خود، متنبه می‌شود و متوجه می‌شود که انجام خطای او مورد سرزنش و تذکر جامعه است و ناچار به ترک عمل بد خود می‌شود. و یا اینکه حداقل، افراد خاطی با خیال راحت و آسوده، خطای خود را تکرار نمی‌کنند و نگران چشمان ناهیان از منکر در جامعه خواهند بود.

امر به معروف و نهی از منکر : در این قسمت با استفاده از مثال کشتی، به تبیین ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و اثرپذیری از هم و مسئولیت مشترکی که از این ارتباط پیدا می‌شود، پرداخته می‌شود، چرا که همهٔ ویژگی‌هایی که برای ساکنان کشتی در درس مطرح شده است، به صورت پررنگ‌تری برای جامعهٔ اسلامی هم وجود دارد. به عنوان نمونه :

— همان‌طور که کشتی مقصد و هدفی دارد، جامعهٔ اسلامی نیز به سوی هدف مشخصی در حال حرکت است و هدف آن حرکت در جهت نزدیک شدن به خدا از طریق عمل به دستورات اوست.

— همان‌طور که کشتی نمی‌تواند چند هدف و جهت مخالف هم داشته باشد، جامعهٔ اسلامی نیز نمی‌تواند در چند جهت مخالف پیش برود. از همین‌رو، باید از کارهایی که در تعارض با هدف و جهت اصلی کشتی است و ممکن است به تغییر جهت کشتی منجر شود، جلوگیری کرد.

— همان‌طور که حفظ امنیت و سلامتی کشتی برای رسیدن به مقصد برعهدهٔ همهٔ ساکنان کشتی است، حفظ امنیت و سلامت جامعه نیز برعهدهٔ همهٔ مردم است.

— همان‌طور که اختصاصی بودن جا و برخی وسایل کشتی این حق را به کسی نمی‌دهد که هرگونه کاری بزند و مثلاً بگویند: «من هر جور بخواهم لباس می‌پوشم، چون این یک مسئلهٔ شخصی است و

مربوط به خودم می‌شود.»

نکته قابل توجه این است که حتی کارهای شخصی افراد هم در جامعه تأثیر دارد؛ مثلاً کسی که در منزل خود، عبادت خدا را با اخلاص به جا می‌آورد و یاد خدا را تمرین می‌کند، در بیرون از خانه و در ارتباط با مردم نیز خدا را فراموش نمی‌کند. کسی که فرزند خود را خوب یا بد تربیت می‌کند و یا با همسرش رابطه خوب یا بدی دارد، به صورت‌های گوناگون در جامعه اثر می‌گذارد.

— همان‌گونه که سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه‌شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است، سپردن جامعه اسلامی به دست رهبری آگاه و خبره در مسائل دین و عمل به خواسته‌های او، بهترین راه برای سالم رساندن جامعه به مقصد خویش است. رهبر جامعه اسلامی در مرتبه اول، پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) و در مرتبه بعد، فقیهان و مجتهدان هستند.

در این بخش از درس سعی شده تا با بیان این نکته که رفتار هریک از افراد جامعه بر سرنوشت همه جامعه اثرگذار است، از حس خوددوستی افراد استفاده شود تا به این وظیفه همگانی ترغیب شوند، چون معمولاً برخی از انسان‌ها تا در کاری منفعت شخصی خود را نبینند و یا برای منافع خود احساس خطر نکنند، تن به کاری نمی‌دهند. از این رو، ابتدا از این باب وارد بحث شده‌ایم که نوع رفتارهای انسان‌ها کاملاً با زندگی و حتی سرنوشت ما در ارتباط است و بی‌توجهی به رفتارهای دیگران ممکن است زندگی ما را با خطراتی مواجه کند.

پس از بیان این مرحله، برای سوق دادن مخاطبان به سمت توجه به این فریضه، بحث را از نگاه بالاتری دنبال می‌کنیم و آن هم وظیفه مؤمنان در قبال یکدیگر است. در اینجا دیگر سخن از حس خوددوستی نیست، بلکه سخن از احساسی متعالی است که در وجود انسان‌های مؤمن وجود دارد، یعنی حس مسئولیت در قبال دیگران. انسان‌های خداجو همان‌گونه که سعادت و خوشبختی را برای خود می‌خواهند، به دنبال سعادت دیگران نیز هستند و در برابر آنچه که آنها را از مسیر سعادت دور کند، می‌ایستند. اگر آنها رفتاری را از کسی ببینند که فرد را از مسیر سعادت دور می‌کند، براساس همین احساس مسئولیت به او تذکر می‌دهند؛ اگر ببینند فردی کار خوبی را که می‌تواند منجر به رشد او شود، ترک کرده است، او را به آن کار خیر دعوت می‌کنند.

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر با هر نوع نگاهی که به آنها داشته باشیم، اموری ضروری و لازم‌اند.

آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر: در این قسمت به برخی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اشاره شده است. آثاری که هم در زندگی دنیوی و هم در زندگی اخروی

اثر گذارند. دانش آموزان باید بدانند که امر به معروف و نهی از منکر همچون نماز، روزه، حج و...، جزء واجبات دین است و همان طور که اگر کسی این واجبات را ترک کند، از برکات الهی در دنیا و آخرت محروم می شود، ترک این دو واجب نیز منجر به دور شدن جامعه از رحمت الهی می شود. متأسفانه در جامعه امروز ما نیز شاهد آن هستیم که برخی از این آثار در حال تحقق یافتن است؛ از کارهای زشتی که متأسفانه در نظر مردم، عادی یا حتی خوب جلوه می کنند تا نعمت های الهی که از جامعه ما در حال رخت بر بستن است.

فعالیت کلاسی : هدف این فعالیت این است که از زبان دانش آموزان برخی از آثار بی توجهی به نهی از منکر بیان شود. در این میان، اشاره به یکی از گناهان رایج در میان ما یعنی غیبت، می تواند هم از میزان ارتکاب به این گناه بکاهد و هم این انگیزه را در مخاطب ایجاد کند که به محض انجام غیبت توسط دیگران، تذکر لازم را بدهد.

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر : مثالی که در این بخش ارائه شده به دنبال تذکر این نکته است که در امر به معروف و نهی از منکر با هر کس باید به روش خودش برخورد کرد. بعضی افراد تنها با زبان ملایم، تشویق به کاری می شوند و برخی با انداز. از این رو، بهتر است به این نکته که در درس هم به آن اشاره شده است، توجه کنیم که هدف ما در امر به معروف و نهی از منکر این است که دیگران را به کار خوب تشویق کنیم و از کار بد بازداریم؛ پس هر وسیله مشروعی که ما را در رسیدن به این هدف کمک کند، مطلوب است.

برای هر چه بهتر رسیدن به این هدف، علاوه بر نکات کتاب موارد ذیل پیشنهاد می شود :

۱- آگاهی بخشیدن : یکی از مهم ترین عوامل هدایت انسان، شناخت حقایق است. بسیاری از کسانی که از آثار و خطرات گناه و خلاف خود آگاهی لازم را ندارند و به مجرد اینکه از این زیان ها آگاه شوند، آن را ترک می کنند.

۲- تدریجی بودن : مرحله ای و تدریجی بودن نزول احکام الهی از سنت های خداوند در قانون گذاری است. پیامبر به فرمان خداوند، نهی از برخی منکرات را به تدریج و در چند مرحله انجام داده اند. این توقع نابجایی است که انتظار داشته باشیم کسانی که در گناه فرو رفته اند، به یکباره اصلاح شوند و به همه توصیه های دین، عمل کنند.

۳- توجه به خوبی ها در کنار بدی ها : در انتقاد و نهی کردن، تنها نباید کاستی ها و بدی ها را دید. خوب است در ابتدای امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا نقاط قوت را بازگو کنیم و سپس تذکر بدهیم. مثلاً بگوییم : حیف نیست شما که این خوبی ها را داری، این کار زشت را انجام می دهی؟!

فعالیت کلاسی : در این فعالیت به آخرین مرحله از مراحل نهی از منکر اشاره شده است. توضیح اینکه برخی از افراد به دلیل خو گرفتن به برخی از جرائم و گناهان به هیچ وجه حاضر به ترک کار خویش نیستند. این افراد نه نصیحت می‌پذیرند و نه با اخم و غضب ما دست از کار خویش برمی‌دارند. در این گونه موارد باید دست به نهی از منکر عملی زد؛ یعنی با به‌کارگیری زور، فرد را از عمل به آن کار باز داشت. البته این مرحله دیگر جزو وظایف ما نیست و وظیفه نهادهای حاکمیتی همچون نیروی انتظامی است. تنها کاری که ما باید بکنیم این است که اگر در اطراف خود چنین افرادی را می‌شناسیم به مراجع قانونی معرفی نماییم.

چند نکته مهم : در این بخش چند توصیه در خصوص بحث امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. نکته اول به دنبال بیان این مطلب است که حفظ آبروی افراد در بحث امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است و باید سعی کرد تا این فریضه به گونه‌ای انجام شود که موجب بی‌آبرو شدن فرد نشود؛ چرا که نمی‌شود به بهانه نهی از منکر، منکر بزرگ‌تری که همان لطمه زدن به آبروی مسلمان است را مرتکب شد. نکته دوم هم دارای پیام مهمی است. بسیاری از افراد به بهانه اینکه من خود سرتاپا گناه‌م و حرفم تأثیری ندارد، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند، در حالی که گناهکار بودن نمی‌تواند توجیه مناسبی برای ترک این فریضه باشد. در روایات نیز گفته نشده است که اگر گناهکاری می‌توانی این واجب را ترک کنی. تنها نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر انسان خودش نیز عامل به حرف‌هایش باشد میزان تأثیر گفته‌هایش مضاعف می‌شود نه اینکه اگر عامل نبود حرفش هیچ تأثیری نخواهد داشت. نکته سوم نیز در صدد بیان این مطلب است که صرف اینکه بگوییم می‌دانم که حرف‌هایم تأثیر ندارد، نمی‌تواند دلیلی برای ترک امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ زیرا حتی اگر حرف ما هیچ تأثیری هم نداشته باشد، همین که ما به وظیفه دینی خود عمل کرده‌ایم از اجر و پاداش الهی بهره‌مند شده‌ایم و این خود توفیقی بزرگ است.

فعالیت کلاسی : حال که دانش‌آموز با شیوه‌های امر به معروف آشنا شده است و برخی از نکات را در خصوص اجرای هر چه بهتر این فریضه یاد گرفته است، فعالیتی به منظور نهادینه کردن این مطالب طراحی شده است. دانش‌آموزان باید به ورودیه درس مراجعه کنند و بگویند بهترین راه برای برخورد با هریک از پنج مورد منکر ذکر شده در این ورودیه چیست.

دانستنی های معلم

۱- حدیثی از پیامبر در منزلت آمرین به معروف و ناهین از منکر :

پیامبر (ص): آیا شما را از کسانی خبر دهم که نه از انبیاء هستند و نه از شهدا ولی مردم به مقام و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نورند، غبطه می خورند؟ سؤال شد، ای رسول خدا آنان چه کسانی هستند؟

پیامبر فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می گردانند. سؤال شد معنای محبوب گردانیدن خدا در پیش بندگانش معلوم است اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می گردانند؟

پیامبر در جواب فرمودند: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد دعوت می کنند و از چیزی که خداوند متعال بدش می آید، نهی می کنند، پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می کنند، محبوب خدا می گردند و خداوند متعال آنان را دوست می دارد. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۲)

۲- جملاتی از شهید مطهری در خصوص «امر به معروف و نهی از منکر»

— در سابق شعاع دید مسلمین امتداد بیشتری داشته و امر به معروف و نهی از منکر را محدود نکرده بودند به چهار تا مسئله عبادات، بلکه این اصل را عملاً ضامن همه اصطلاحات اخلاقی و اجتماعی خود می دانسته اند. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۶)

— همان طور که وقتی انسان به سفارش ها و توصیه های پیشوایان دینی مراجعه می کند و یا به تاریخ دور این اصل مراجعه می کند، متأثر و متأسف می شود که چرا این اصل امروز عملی نیست، وقتی هم که درباره منظره های هولناک و وحشیانه ای که در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر پیدا می شده فکر می کند، خدا را شکر می کند که چه خوب شد که این امر به معروف ها و نهی از منکرها از بین رفت و ای کاش اگر بقایایی هم دارد از بین برود. مظاهری در این اواخر به نام امر به معروف و نهی از منکر در زندگی اجتماعی ما پیدا شده که باید گفت اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر این است، خوب است متروک بماند. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

— در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر، سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلبی، مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه به سرنوشت مسلمانان را درک کنیم، جوش و خروش و عصبانیت های بیجا می فهمیم؛ و از مرحله زبان به جای آنکه بیان های روشن کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می فرماید: ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه، موعظه ها و پندهای تحکم آمیز می فهمیم؛ و از مرحله ید و عمل هم به جای آنکه تبلیغ عملی

و حُسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، تنها این مطلب را فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۰۱-۲۰۰)

— گذشته از اینکه ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید عمل را دخالت دهیم، به این نکته توجه داشته باشیم که عمل هم اگر فردی باشد، چندان مفید فایده نیست، خصوصاً در دنیای امروز. این هم خود یک مشکلی است در زندگی اجتماعی ما که آنهایی هم که اهل عمل می‌باشند، توجهی به عمل اجتماعی ندارند و به اصطلاح «تک‌رو» می‌باشند. از عمل فردی کاری ساخته نیست، از فکر فرد کاری ساخته نیست... همکاری و همفکری و مشارکت لازم است. (مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۲۰۴)

— چیزی که بیش از هر چیز دیگر مورد غفلت است، دخالت منطقی است در این کار. مقصود این است که در کار معروف و منکر باید تدابیر عملی اندیشید و باید دید چه طرز عملی مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می‌کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می‌دارد. چندی پیش در یکی از روزنامه‌های عصر مقاله‌ای خواندم تحت عنوان «خروارها پند و نصیحت»، در آن مقاله بعد از آنکه نوشته بود که در کشور ما خروارها پند و نصیحت به صورت‌های مختلف ولی بی‌اثر است این مثل را ذکر کرده بود: «یک جو درمان بهتر از صد خروار نسخه است.» بعد نوشته بود: چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالت فیلادلفیا، زن‌ها مبتلا به قمار بازی شده بودند. ابتدا کشیش‌ها و روزنامه‌نویس‌ها و خطبا و فصحا تا می‌توانستند راجع به بدی قمار خصوصاً برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی مثل همین حرف‌های خودمانی مانند گردو روی گنبد سرخورد و پایین افتاد و به جایی نرسید، تا آنکه شهردار محل به فکر افتاد یکی دو تا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کند و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم نماید، از قبیل جایزه دادن به مادران کاردان، کارهای دستی و ... که هر کدام برنامه و ترتیبات خاصی داشت و مردم را سر ذوق می‌آورد. دو سه سالی از این جریان گذشت که زن‌های آن شهر به کلی قمار را فراموش کردند. این را می‌گویند چاره عملی و تدبیر عملی. این معنای دخالت دادن منطقی و تدبیر است در مبارزه با منکرات. اگر آنها می‌خواستند به موعظه‌ها و خطابه‌های کشیشان و مقاله‌ها و روزنامه‌ها قناعت کنند می‌بایست برای همیشه بنشینند و مثل ما بگویند:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

۳- مایکل آلن کوک، یکی از نویسندگان و محققان برجسته آمریکایی در حوزه اسلام‌شناسی است. او در حال حاضر، استاد دانشگاه پرینستون بوده و به عنوان یک اسلام‌شناس طراز اول غربی شناخته می‌شود. وی کتابی به نام «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» تألیف کرده که به

فارسی نیز ترجمه شده است. این کتاب حاصل پانزده سال تحقیق و نتیجهٔ مراجعه به حدود دو هزار کتاب و مقاله به زبان‌های مختلف است. شاید دانستن انگیزه مایکل کوک برای تحقیق در این زمینه و تألیف کتابی به این وسعت، جالب باشد:

«اطلاع از حادثه‌ای زشت و ننگین در یکی از خیابان‌های شهر شیکاگوی آمریکا و بی‌تفاوتی مردم حاضر نسبت به آن، انگیزه من برای نوشتن این کتاب شد. در شامگاه یکی از روزهای پاییزی، در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور مردم، زنی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد اما هیچ کس برای کمک به زن، حرکتی نمی‌کند. فریادهای زن بی‌پاسخ می‌ماند و رهگذران جز تماشا کاری نکردند...».

پرسش مهمی که با اطلاع از این حادثه، برای مایکل آلن کوک مطرح می‌شود آن است که چرا مردم ساکت بودند و اقدامی نکردند؟ مطالعات و تحقیقات وی نشان می‌دهد که تقریباً برخلاف همهٔ نظام‌های حقوقی دنیا، تنها نظام حقوقی اسلام است که با داشتن آموزه امر به معروف و نهی از منکر، زمینهٔ مداخلهٔ ناظران در برابر انحرافات را فراهم می‌کند.

۴- موشی در خانهٔ صاحب مزرعه، تله موش دید، به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد، همه گفتند: تله موش مشکل پوست و به ما ربطی ندارد. ماری در تله افتاد و زن مزرعه‌دار را گزید، از مرغ برایش سوپ درست کردند، گوسفند را برای عیادت کنندگان سربریدند، گاو را برای مراسم ترحیم کشتند و در این مدت موش از سوراخ دیوار نگاه می‌کرد و به مشکلی که به دیگران ربط نداشت فکر می‌کرد.

۵- چند تشبیه در خصوص امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف مثل کاشتن گل در باغ است که هر چه گل‌ها بیشتر باشد یعنی کارهای خوب در جامعه رواج یابد، آن باغ زیباتر خواهد بود. نهی از منکر هم مانند زدودن علف‌های هرز و سم‌پاشی باغ است که مانع آسیب دیدن باغ می‌شود، البته هر دو (گل کاشتن و زدودن علف‌های هرز) برای داشتن باغی زیبا لازم است.

امر به معروف به مانند پدال گاز برای ماشین است و نهی از منکر هم چون پدال ترمز که هر دو ماشین جامعه را هدایت می‌کند. پدال گاز حرکت ماشین جامعه به سمت خوبی‌ها را سرعت می‌بخشد و پدال ترمز مانع از فرو افتادن در چاله‌های گناه و برخورد با موانع می‌شود.

۶- پاسخ برخی از بهانه‌ها برای ترک امر به معروف و نهی از منکر

الف) بعضی می‌گویند: می‌ترسیم تذکر دهیم و به گفته ما عمل نشود! در پاسخ این افراد باید گفت: این توقع نایب‌جاست؛ مگر مردم همه سخنان انبیاء و امامان معصوم را گوش دادند؟ رسول اکرم (ص) به حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: به خدا سوگند که اگر حتی یک نفر توسط تو هدایت شود، برای تو از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است.

ب) بعضی می‌گویند: باید فکر اساسی کرد و کار از تذکر و موعظه گذشته است! در پاسخ می‌گوییم این حرف مثل این است که تشنه‌ای را ببینیم که از تشنگی در حال مرگ است و می‌توانیم با کمی آب او را نجات دهیم ولی بگوییم باید فکر اساسی کرد و باید به فکر آبرسانی سراسری به اینجا باشیم. البته فکر اساسی حرف منطقی است ولی این تفکر نباید بهانه‌ترک امر به معروف و نهی از منکر شود.

ج) برخی می‌گویند: بفرض ما امروز جلوی فساد وی را گرفتیم. باز فردا دوباره همان کار را خواهد کرد!

این مثل آن است که بگوییم اگر امروز منزل و حیاط را تمیز کنیم، باز هفته دیگر کثیف خواهد شد! تکرار گناه فردا، دلیل بر سکوت امروز نیست.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر، شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی
- ۳- بزرگ‌ترین فریضه، آیت الله مصباح یزدی، مؤسسه امام خمینی (ره)
- ۴- نگرشی دیگر به امر به معروف و نهی از منکر، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۵- امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، مایکل آلن کوک، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی

درس دوازدهم

انفاق

هدف کلی

آشنایی با انفاق به عنوان یکی از راهکارهای دین اسلام برای رسیدگی به وضع محرومان و برطرف کردن نیازهای آنان

اهداف جزئی :

- آشنایی با انفاق به عنوان یکی از راه‌های تأمین نیازهای عمومی جامعه
- گرایش نسبت به انفاق مال
- آشنایی با برخی از وظایف مالی مانند خمس و زکات و احکام مربوط به آنها
- آشنایی با برخی از انفاق‌های مستحب مانند قرض الحسنه و وقف

ضرورت درس

کمک به هم نوع یکی از وظایف انسان مسلمان است. خداوند در بسیاری از آیاتی که مسلمانان را امر به نماز کرده است، بلافاصله توصیه به پرداخت بخشی از مال برای کمک به محرومان نموده است. قرار گرفتن این مسئله در کنار بحث اقامه نماز و ارتباط با خدا، نشان از اهمیت آن دارد. از این رو لازم است دانش‌آموزان با این وظیفه دینی آشنا شوند.

تحلیل اجزای درس

ورودی: در ورودیه درس وضعیت اقتصادی جهان در حال حاضر با توجه به آمار مستند مورد بررسی قرار گرفته است. در این آمارها سعی شده است فاصله طبقاتی فراوانی که در

جهان به وجود آمده است و منجر به مرگ میلیون‌ها انسان شده است، نشان داده شود. این آمار مرگ و میر در حالی است که بسیاری از انسان‌ها نیز بر اثر امراض ناشی از پرخوری جان خود را از دست می‌دهند.

نکته تکمیلی ورودیه که خوب است در کلاس گفته شود این است که در کشور خودمان نیز شبیه این وضعیت را داریم و ما نیز مبتلا به این آشفتگی هستیم.

فعالیت کلاسی: دانش‌آموز وقتی این آمارها را می‌بیند خود به خود به این سؤال می‌رسد که چرا این وضعیت به وجود آمده است که این سؤال فعالیت کلاسی ماست. هدف این فعالیت کلاسی صرفاً داخل کردن دانش‌آموز در بحث است. دانش‌آموز می‌تواند به این سؤال جواب‌های متعددی از قبیل خودخواهی انسان‌ها، زورگویی برخی آدم‌ها، ظلم برخی به برخی دیگر و ... بدهد.

انفاق: معنای اصلی انفاق در دین اسلام به جریان انداختن مال است. در نگاه اول شاید به نظر برسد که فردی با انفاق، مال خود را از دست می‌دهد، در صورتی که خداوند با تعبیر انفاق از آن یاد می‌کند که به معنی به جریان انداختن است؛ یعنی ثروتمند نباید ثروت خود را در جایی محبوس کند، بلکه آن را به جریان بیندازد یعنی به دیگران بدهد تا آنها نیز استفاده کنند؛ در برابر خداوند چندین برابر آن را به او باز می‌گرداند که همان به جریان افتادن ثروت می‌شود.

انفاق تأثیر بسیار زیادی در تقویت ایمان در دل انسان دارد. انفاق موجب خشیت فراوان در قلب می‌شود، که مقدمه افزایش ایمان و وارد شدن نور الهی در آن است. اینها خواص انفاق در قرآن کریم است که اگر کسی انفاق کند هم مالش چندین برابر شده به او باز می‌گردد و هم اینکه ایمانش زیاد می‌شود.

فعالیت کلاسی: در این فعالیت دانش‌آموز باید بین دو موضوع ارتباط برقرار کند. یکی افزایش عقل انسان‌ها به میزان بالا در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) و دیگری پیدا نشدن فقیر در آن زمان. ارتباطی که وجود دارد این است که انسان عاقل انفاق را خسارت نمی‌داند بلکه آن را سرمایه‌گذاری بزرگی می‌داند که هم در دنیا و هم در آخرت نتیجه آن را خواهد دید و از سوی دیگر انسان عاقل سعی می‌کند با سعی و تلاش فراوان نیازمند دیگران نباشد و همواره نیازهایش را با تلاش خودش فراهم کند. پس وقتی عقل انسان به رشد مطلوب برسد، از یک سو تعداد انفاق‌کنندگان زیاد می‌شود و به همین دلیل فقر از جامعه رخت برمی‌بندد و از سوی دیگر افراد فقیر با استفاده از توانمندی و رهنمودهای عقل خود، معیشت بهتری برای خود رقم می‌زنند.

بیشتر بدانیم: روحیه سرمایه‌گذاری و مغتنم شمردن فرصت انفاق امری است که در میان

اٹمه فراوان وجود داشته است و آنان از هر فرصتی برای این کار استفاده می کردند که نمونه آن امام حسن علیه السلام است. در این قسمت دانش آموز با نمونه ای از سیره امامان در انفاق اموال خود آشنا می شوند.

زکات : در این بخش دانش آموز با فریضه مهم زکات که در قرآن کریم بارها در کنار نماز آمده است، آشنا می شود. هدف این درس صرفاً آشنا کردن دانش آموز با کلیت این واجب دینی است و به جزئیات آن از قبیل مواردی که زکات به آنها تعلق می گیرد، و نصاب های آنها کاری ندارد. همین قدر که دانش آموز بداند که مانند نماز، یک واجب مالی نیز در دین اسلام وجود دارد که برای کسانی که شرایط اش را دارند واجب می شود و با آن مشکلات مالی فراوانی از جامعه مسلمین برطرف می شود و زکات موجب سرازیر شدن برکات الهی بر انسان هاست، کفایت می کند.

در این قسمت، زکات فطره که هر سال توسط مسلمانان به صورت عمومی پرداخت می شود نیز مورد تأکید قرار گرفته است دین اسلام تأکید فراوانی دارد که این زکات حتماً شب عید و یا صبح عید به دست نیازمندان برسد تا بتوانند با آن نیازمندی های خود را برطرف کنند و واقعاً آنها نیز عید داشته باشند؛ و چه خوب است که این سنت که افراد مستقیماً آن را به دست فقیر برسانند بار دیگر در میان مسلمانان زنده شود.

فعالیت کلاسی : این فعالیت به صورت تقریبی زکات چهار مورد را محاسبه کرده است، که عدد حاصله به خوبی بیانگر این است که اگر زکات پرداخت شود به چه میزان مشکلات مالی فقرا برطرف می شود. این فعالیت به دنبال آموزش این نکته است که زکات چه توانایی بالایی در برطرف کردن نیازهای مستمندان جامعه دارد که اگر از سوی مردم پرداخت شود، گره از کار بسیاری از نیازمندان باز می کند.

خمس : خمس در ابتدا برای غنائم جنگی بوده است ولی با توجه به معانی واژه غنیمت که شامل غیر مورد جنگی نیز می شود، و با توجه به شارع بودن امام معصوم دایره خمس به سایر موارد نیز تسری پیدا کرده است و بر مسلمانان واجب است یک پنجم اموالی که به دست می آورند را با شرایط خاصی که در درس گفته شده است، به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید خود بپردازند.

برای اینکه نحوه تعیین سال خمسی برای دانش آموزان جا بیفتد، چند مثال بزنید : پرستار یا معلمی که حقوق می گیرد، باید تاریخ اولین حقوق خود را ابتدای سال خمسی خود قرار دهد؛ مثلاً اگر در سی مهر ماه اولین حقوق را دریافت کرده است، باید آن را ابتدای سال خمسی قرار دهد. آنگاه از حقوق هایی که می گیرد برای هزینه زندگی خرج کند؛ در سی مهر ماه سال بعد، اگر پولی باقی مانده

باشد، خمس آن باقی مانده را می‌پردازد. یک کشاورز می‌تواند اولین روزی را که محصول برداشت کرده و درآمدی کسب کرده است، سال خمسی قرار دهد. پس از اینکه یک سال از این درآمد برای هزینه‌های زندگی مصرف کرد، خمس آنچه باقی مانده است، می‌پردازد. مغازه‌دار نیز می‌تواند هنگام تأسیس مغازه، ابتدای سال خمسی خود را تعیین کند.

بیشتر بدانیم : سیره شهید مهدی باکری بیان شده است که از شهدای شاخص دفاع مقدس است. این بیشتر بدانیم این نکته را به مخاطب گوشزد می‌کند که حتی در بحبوحه جنگ نیز نباید این واجب را فراموش کرد، همان گونه که افرادی مثل شهید باکری در اوج مسئولیت و گرفتاری، از پرداخت خمس خود غافل نمی‌شد.

قرض : قرض دادن نیز نوعی انفاق است که در آن اصل سرمایه توسط قرض گیرنده بازگردانده می‌شود. ثواب قرض بیشتر از صدقه است به دلیل مولد بودن. در قرض توصیه فراوانی شده است که پنهانی باشد و قبل از آنکه فرد نیازمند طلب قرض کند، خودمان مبلغی را به وی قرض دهیم. یعنی اگر متوجه شدیم که شخص نیاز به کمک مالی دارد، منتظر نمانیم که خودش بگوید، بلکه خودمان پیش قدم شویم. از سوی دیگر بر کراهت قرض کردن نیز تأکید فراوانی شده است و بهتر است انسان تا می‌تواند از کسی قرض نگیرد.

وقف : وقف سنتی است که در تمام ادیان آسمانی وجود دارد و امروزه موقوفات فراوانی میان دینداران یافت می‌شود. در دین اسلام نیز بر این سنت تأکید فراوانی شده است و مسلمانان آن را به عنوان یک سرمایه‌گذاری پرسود برای عالم برزخ خود انجام می‌دادند. موارد وقف بسیار فراوان است که مواردی از آن در کتاب آمده است. این سنت میان ائمه علیهم السلام رایج بوده است و از پیامبر اکرم تا سایر ائمه همه اقدام به وقف می‌کردند.

دانش‌آموز را می‌توان در امور جزئی نیز به وقف تشویق کرد؛ همانند اینکه میز و صندلی برای کلاس بخرند و وقف کنند یا قرآن را برای خواندن دانش‌آموزان در نمازخانه مدرسه وقف کنند.

دانستنی‌های معلم

۱- آن هنگام که آیه زکات بر پیام آور وحی صلی الله علیه و آله نازل شد، به منادی فرمان داد تا میان مسلمانان ندا برآورد :

«يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَوَاتُكُمْ»

«ای مسلمانان! زکات دارایی‌های خویش را بدهید تا نمازتان پذیره حق شود».

۲- در این بخش برخی از احکام مربوط به زکات مطابق فتوای امام خمینی (ره) آورده شده است.

موارد وجوب زکات

زکات بر نه چیز واجب است :

اول : گندم ؛

دوم : جو ؛

سوم : خرما ؛

چهارم : کشمش ؛

پنجم : طلا ؛

ششم : نقره ؛

هفتم : شتر ؛

هشتم : گاو ؛

نهم : گوسفند.

اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود، باید مقداری را که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند.

توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۳

شرایط وجوب زکات

شرایط واجب شدن زکات بر دو نوعند :

الف) شرایط زکات دهندگان

کسانی که زکات بر آنان واجب است باید دارای شرایط زیر باشند :

۱- بلوغ

بنابر این، بر افراد نابالغ زکات واجب نیست.

۲- عقل

پس زکات بر کسی که مجنون است واجب نیست.

۳- مالکیت

پس بر مالی که بخشیده یا قرض داده شده، زکات واجب نیست، مگر بعد از پس گرفتن آنها.

تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۲، رابع‌ها

۴- امکان تصرف کامل در مال

بنابر این در مال وقفی - اگر چه وقف خاص باشد - و اموال رهنی و مالی که به سرقت رفته، یا در زمین پنهان است و جای آن فراموش شده، یا گم شده است و همچنین مالی که در دریا افتاده و یا از غایبی به ارث رسیده و هنوز به دست وی یا وکیلش نرسیده و یا در مال قرضی، اگر چه امکان دریافت آن از بدهکار باشد، زکات واجب نیست.

تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۳

(ب) شرایط موارد زکات

اول: شرایط زکات غلات

برای زکات غلات (گندم، جو، خرما و کشمش) دو شرط وجود دارد:

۱- مالک بودن زراعت - اگر از زراعت است - یا انتقال زراعت یا محصول (با درخت یا بدون آن) در ملک شخص، قبل از تعلق زکات. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶، الامر الثانی

۲- رسیدن به مقدار نصاب. زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها $847/207$ کیلوگرم می شود. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۶۴

یادسپاری: زکات گندم و جو وقتی واجب می شود که به آنها گندم و جو گفته شود. و زکات کشمش بنابر احتیاط وقتی واجب می شود که غوره است و موقعی هم که خرما قدری خشک شد که به آن تمر می گویند زکات آن واجب می شود، ولی وقت دادن زکات در گندم و جو موقع خرمن شدن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۸

دوم: شرایط زکات طلا و نقره

برای زکات طلا و نقره سه شرط وجود دارد:

۱- مسکوک بودن.

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رواج داشته باشد، و اگر سکه آن از بین هم رفته باشد، باید زکات آن را بدهند. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۹۹

یادسپاری: طلا و نقره سکه داری که زن ها برای زینت به کار می برند، زکات ندارد.

توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۰

۲- گذشت سال.

بعد از آنکه انسان دوازده ماه مالک طلا و نقره بود باید زکات آن را بدهد، ولی از اول ماه دوازدهم نمی تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است، و

چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیارِ او بعضی از شرط‌های زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۶

۳- رسیدن به مقدار نصاب.

زکات طلا و نقره وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند.

نصاب طلا

طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن بیست مثقال شرعی است.

پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شده داشته باشد، انسان باید $\frac{۱}{۴}$ آن را از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

نصاب دوم آن چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می‌شود؛ یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود؛ باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار یک به چهل بدهد و زیادی آن زکات ندارد. همچنین است هر چه بالا رود؛ یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده زکات ندارد. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۹۶

زکات سکه طلا

۱- آیا زکات به سکه‌های طلایی که به عنوان هدیه به شخصی داده‌اند تعلق می‌گیرد و در صورت تعلق گرفتن به چه کسی باید داد، مثلاً می‌شود به حساب جبهه جنگ یا دولت واریز کرد؟ آیا زکات سال‌های گذشته را نیز باید داد یا نه؟

اگر شرایط وجوب زکات در آن جمع باشند و به حد نصاب برسند زکات دارد. و تا نصاب باقی است، برای هر سال جداگانه زکات دارد

استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۰، س ۳

۲- جوانی هستم که به واسطه بیماری مادرزادی قادر به حرکت نمی‌باشم و با برادرها و خواهر و مادرم زندگی می‌کنم. در حدود یک سال است که پول خود را سکه طلا خریده تا وقت گران شدن طلا، آن را بفروشم و از این طریق کاری کرده باشم. شنیده‌ام این عمل طبق شرع اسلام نبوده و داشتن طلا برای مرد صحیح نیست، لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

باسمه تعالی - اشکال ندارد، ولی اگر یک سال طلای سکه دار باقی بماند و به حد نصاب باشد علاوه بر خمس درآمد، زکات هم واجب است به شرط آنکه پس از ادای خمس واجب، نصاب باقی باشد. استفتائات، ج ۱، ص ۳۴۱، س ۴

سوم : شرایط زکات دام

برای زکات دام (شتر و گاو و گوسفند) چهار شرط وجود دارد :

۱- گذشت سال

بعد از آنکه انسان دوازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر... بود باید زکات آن را بدهد. ولی از اول ماه دوازدهم نمی‌تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است. و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او، بعضی از شرط‌های زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست. توضیح المسائل، مسئله ۱۸۵۶

۲- چریدن

یعنی آنکه دام در تمام سال از علف بیابان بچرد؛ پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد زکات ندارد. ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد، بنابر احتیاط زکات آن واجب می‌باشد. با استفاده از: توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۸

۳- بیکار بودن حیوان

یعنی آنکه حیوان در تمام سال بیکار باشد و اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، زکات آن واجب است. با استفاده از: توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۸

۴- رسیدن به مقدار نصاب

زکات شتر و گاو و گوسفند وقتی واجب می‌شود که تعداد آنها به حد نصاب برسند که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم.

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد :

اول. پنج شتر و زکات آن یک گوسفند است و تا شماره شتر به این مقدار نرسد زکات ندارد؛

دوم. ده شتر و زکات آن دو گوسفند است؛

سوم. پانزده شتر و زکات آن سه گوسفند است؛

چهارم. بیست شتر و زکات آن چهار گوسفند است؛

پنجم. بیست و پنج شتر و زکات آن پنج گوسفند است؛

ششم. بیست و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد؛

هفتم. سی و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد؛

هشتم. چهل و شش شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد؛
نهم: شصت و یک شتر و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد؛
دهم: هفتاد و شش شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد؛
یازدهم: نود و یک شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد؛
دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و
برای هر چهل تا یک شتر بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای
هر پنجاه تا یک شتر بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند ولی در هر
صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند؛ یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا بیشتر نباشد؛
مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتر که داخل سال چهارم شده و برای چهل تا، یک شتر
ماده ای که داخل سال سوم شده باشد، بدهد.

یادسپاری: زکات مابین دو نصاب واجب نیست؛ پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب
اول که پنج است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده فقط باید زکات پنج تای آن را بدهد، و
همچنین است در نصاب های بعد. توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۱
اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد، یا اجاره کند، یا
برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکات را بدهد. توضیح المسائل، مسئله ۱۹۰۹
نصاب گاو

گاو دو نصاب دارد: نصاب اول آن، سی تا است که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی
را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله که داخل سال دوم شده را از بابت زکات بدهد.
نصاب دوم آن چهل است و زکات آن یک گوساله ماده است که داخل سال سوم شده باشد.
زکات مابین سی و چهل واجب نیست؛ مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد فقط باید زکات سی تای
آنها را بدهد.

نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را
بدهد. و بعد از آنکه به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله که داخل سال
دوم شده باشد بدهد.

همچنین هر چه بالا رود، باید آن را به دستوری که گفته شد بدهد؛ ولی باید طوری حساب کند
که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد؛ مثلاً اگر هفتاد گاو دارد باید به
حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن زکات سی تا و برای چهل تای آن زکات چهل تا را

بدهد؛ چون اگر به حساب سی تا حساب کند ده تا زکات نداده می ماند. توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۲

نصاب گوسفند

گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکات ندارد؛

دوم: صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند است؛

سوم: دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است؛

چهارم: سیصد و یک و زکات آن بنا بر احتیاط واجب چهار گوسفند است؛

پنجم: چهارصد و بالاتر که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تا یک گوسفند

بدهد.

لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق قیمت گوسفند پول بدهد کافی است. ولی اگر بخواهد جنس دیگر بدهد، در صورتی بی اشکال است که برای فقرا بهتر باشد؛ اگر چه لازم نیست.

توضیح المسائل، مسئله ۱۹۱۳

یادسپاری: زکات مابین دو نصاب واجب نیست؛ پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصابهای بعد. توضیح المسائل،

مسئله ۱۹۱۴

مصرف زکات

انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند:

اول: فقیر. و آن کسی است که مخارج سال خود و خانواده اش را ندارد، و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست.

دوم: مسکین. و آن کسی است که از فقیر سخت تر می گذراند.

سوم: کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام یا نایب امام یا فقرا برساند.

چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می شوند، یا در جنگ به

مسلمانان کمک می کنند.

پنجم: خریداری بندها و آزاد کردن آنان.

ششم: بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد.

هفتم: سبیل الله. یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد.

هشتم: ابن السبیل. یعنی مسافری که در سفر در مانده شده است.

توضیح المسائل، م ۱۹۲۵

مصرف زکات به وسیله خود انسان

آیا شخص مکلف می تواند خودش حساب خمس و زکاتش را بکند و طبق مصارفی که در رساله

ذکر شده است به مصرف برساند؟

باسمه تعالی - در زکات مانع ندارد، ولی در خمس باید اجازه بگیرد. استفتاء

شرایط مستحقان زکات

مستحقان یا گیرندگان زکات باید واجد شرایط زیر باشند:

اول: کسی که زکات می گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی

ثابت شود و به او زکات بدهد و زکات تلف شود بعد معلوم شود شیعه نبوده لازم نیست دوباره زکات

بدهد. توضیح المسائل، م ۱۹۴۲

دوم: به کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می آورد، احتیاط واجب آن است که زکات

ندهند. توضیح المسائل، م ۱۹۴۶

سوم: انسان نمی تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکات

بدهد، ولی دیگران می توانند به آنان زکات بدهند. توضیح المسائل، م ۱۹۴۸

چهارم: سید نمی تواند از غیر سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت

مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می تواند از غیر سید زکات بگیرد. ولی احتیاط

واجب آن است که اگر ممکن باشد فقط به مقداری که برای مخارج روزانه اش ناچار است، بگیرد.

توضیح المسائل، م ۱۹۵۵

زمان پرداخت زکات

۱- موقعی که گندم و جو را از گاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید

زکات آنها را به فقیر بدهد؛ یا از مال خود جدا کند.

زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه دوازدهم باید به فقیر بدهد، یا از

مال خود جدا نماید. ولی بعد از جدا کردن اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از

جهتی برتری دارد می‌تواند زکات را به انتظار او ولو تا چند ماه نگه دارد. توضیح المسائل، م ۱۹۶۱
۲- بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به کسی که می‌شود
زکات داد دسترسی دارد احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را تأخیر نیندازد. توضیح المسائل،

م ۱۹۶۲

۳- کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین
برود، باید عوض آن را بدهد. توضیح المسائل، م ۱۹۶۳

۴- کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آنکه در نگهداری
آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکات را به قدری تأخیر انداخته که نمی‌گویند فوراً داده
است، باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته، مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و
در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر
مستحق حاضر بوده، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد. توضیح المسائل، م ۱۹۶۴



درس سیزدهم

انقلاب اسلامی ایران

هدف کلی

تبیین برخی از ثمرات انقلاب اسلامی

اهداف جزئی:

- مقایسه وضعیت کشور از نظر علمی، اقتصادی و سیاسی قبل و بعد از انقلاب
- تبیین علت رشد و پیشرفت کشور پس از انقلاب
- تبیین برخی از نقشه‌های دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی
- آگاهی از ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی دشمن

ضرورت درس

دانش‌آموزان در درس هفت با این نکته آشنا شدند که در عصر غیبت وظیفه هدایت و رهبری جامعه بر عهده اسلام‌شناسانی آگاه و توانمند است. همچنین دانش‌آموزان با مفهوم ولی فقیه آشنا شدند و درباره شخصیت امام خمینی مطالبی را فراگرفتند. این درس به نوعی در ارتباط با درس ششم است و می‌خواهد انقلاب اسلامی را به‌عنوان حکومتی که در عصر غیبت با رهبری اسلام‌شناسی آگاه و وارسته شکل گرفت و درصدد پیاده کردن احکام دین است، معرفی نماید.

محورهای اصلی درس

۱- بی‌کفایتی حکومت‌های گذشته در حفظ و نگهداری خاک میهن

۲- مقایسه وضعیت کشور از نظر علمی، سیاسی، بهداشت و... در دوران فعلی با دوران پیش

از انقلاب

۳- ایجاد روحیه خودباوری در میان مردم به برکت انقلاب اسلامی

۴- نقشه‌های دشمنان در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی

۵- تهاجم فرهنگی به عنوان آخرین و مخرب‌ترین حربه دشمن برای شکست انقلاب اسلامی

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

۱- انقلاب اسلامی چه آثاری برای کشور ما داشت؟

۲- وضعیت کشور در دوران قبل از انقلاب چگونه بود؟

۳- علت این همه تحریم و فشار دشمن چیست؟

۴- خطرناک‌ترین توطئه دشمن علیه کشور چیست؟

تحلیل اجزای درس

ورودی: ورودیه این درس به شرح یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌هایی می‌پردازد که در دوران حکومت‌های پادشاهی در حق کشورمان انجام شد. این خیانت چیزی نبود جز جداکردن بخش‌های گسترده‌ای از کشور ما. کافی است نگاهی به قراردادهای ننگین امضا شده در دوران حکومت قاجار و پهلوی بیندازیم تا متوجه عمق این خیانت بشویم. جالب آنکه بسیاری از این جداسازی‌ها بدون کوچک‌ترین جنگی و تنها با امضای یک قرارداد بوده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۵۰ شمسی، با امضای محمدرضا شاه پهلوی، بحرین که جزئی از سرزمین ما بود، به راحتی از ایران جدا گردید.

در ادامه این نکته مطرح می‌شود که اگرچه ما در دویست سال گذشته بخش‌های بزرگی از کشورمان را واگذار کردیم اما در دوران پس از انقلاب با آنکه صدام با همکاری بسیاری از کشورهای غربی علیه ایران متحد شده بودند (در زمان جنگ سی و شش کشور به طرق گوناگون همچون کمک‌های مالی، نظامی، اطلاعاتی و... با صدام علیه ایران همکاری داشتند) اما پس از هشت سال جنگ نتوانستند حتی یک وجب از خاک میهن را در اختیار بگیرند.

این ورودیه به همراه نقشه ابتدای درس دارای نکات بسیاری است که برخی از آنها عبارت‌اند از :

۱- بسیاری از این مناطق جدا شده توسط حکومت‌های شاهنشاهی، بدون کوچک‌ترین جنگی

واگذار شده است در حالی که پس از انقلاب با هشت سال جنگ نیز نتوانستند ذره‌ای از خاک کشور را جدا کنند.

۲- هنگام جدا شدن بخش‌های مختلف کشور، پادشاهان ایران تنها با یک کشور استعمارگر مانند انگلیس یا روسیه مواجه بودند، اما در دوران جنگ بیش از سی کشور مقابل ایران ایستاده بودند. کشورهای همچون آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه که از صدام حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌کردند و کشورهای همچون عربستان، کویت، اردن و... که حمایت مالی می‌نمودند.

۳- تمامی این جداسازی‌ها در دوران حکومت پادشاهان بود اما در دوران رهبری اسلام‌شناسی چون امام خمینی حتی ذره‌ای از خاک میهن جدا نشد.

مقایسه دیروز با امروز: یکی از ترفندهای دشمنان برای کم ارزش جلوه دادن انقلاب مردم ایران، القای این مطلب است که پس از انقلاب، کشور هیچ پیشرفت و تحولی نداشت و ایران پیش از انقلاب به مراتب بهتر و پیشرفته‌تر بود. دشمنان برای رسیدن به این هدف سعی دارند با ارائه چهره‌ای زیبا از دوران ستم شاهی برای جوانانی که آن دوران را درک نکرده‌اند، این باور غلط را در ذهن آنان القا کنند که این انقلاب حرکتی رو به عقب برای کشور بوده است.

برای مقابله با این ترفند لازم است تا دبیران محترم با ترسیم چهره واقعی کشور در دوران ستم شاهی و بیان عقب ماندگی‌های کشور در عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... به بیان دستاوردهای کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازند. دستاوردهایی که به عمد از سوی رسانه‌های غرب انعکاس داده نمی‌شود، تا مبادا این نظام و انقلاب به الگویی برای سایر کشورها بدل شود.

آنچه که در این بخش در خصوص وضعیت کشور در دوران حکومت پهلوی بیان شده است، تنها بخش کوچکی از وقایع آن دوران است که همگی متکی بر اسناد و آماری است که از سوی دولتمردان آن زمان بیان شده است.

فعالیت کلاسی: این فعالیت در حقیقت به دنبال آماده‌سازی ذهن دانش‌آموز برای ورود به بحث مهم بعدی یعنی نقشه‌های دشمن برای نابودی این انقلاب است. در این فعالیت سؤال شده است که آیا دشمنی که سال‌ها در کشور ما به غارت منابع و ثروت‌های ما مشغول بود به راحتی دست از سر این کشور بخواهد داشت؟ در این قسمت دانش‌آموزان با استفاده از اطلاعاتی که از منش کشورهای استعمارگر دارند و با ذکر نمونه‌های تاریخی که خوانده یا شنیده‌اند به بیان برخی از برنامه‌های دشمن برای به زانو درآوردن کشورها خواهند پرداخت. در این میان باید از آنها پرسید که دشمنان برای کشور ما چه برنامه‌هایی را تدارک دیده‌اند. این سؤال و پاسخ‌های دانش‌آموزان زمینه ورود به بحث بعد را فراهم می‌کند.

بیشتر بدانیم : در این فعالیت، یکی از توانمندی‌های کشورمان در عرصه نظامی تشریح شده است تا دانش‌آموزان به صورت عینی با گوشه‌ای از قدرت نظامی ایران آشنا شوند. قدرتی که توان هم‌اوردی با قدرت‌های بزرگ نظامی دنیا را دارد.

نقشه‌های شیطنانی : در این قسمت به بیان برخی از برنامه‌های دشمن برای مبارزه با انقلاب اسلامی پرداخته شده است. در ابتدای این بخش مثالی از توطئه‌های دشمن در زمان پیامبر زده شده تا این نکته را به دانش‌آموزان منتقل کند که هر زمان گروهی برای مبارزه با طاغوت قیام کنند، دشمنان بیکار نمی‌نشینند و از هر روشی برای نابودی این گروه استفاده می‌کنند.

برای نمونه تحریم‌هایی که امروزه علیه کشور ما وضع می‌شود در زمان پیامبر نیز توسط سران کفر برای آن حضرت وضع شد و سال‌های سختی را برای پیامبر و یارانشان رقم زد.

در قسمت بعدی این بخش به چند برنامه دشمن برای ضربه زدن به کشور ما اشاره شده است که به محض پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دشمنان، طرح ریزی و اجرا شد. اولین برنامه، تحریم اقتصادی کشور بود که از همان سال‌های ابتدایی انقلاب آغاز و تاکنون نیز ادامه دارد. دومین برنامه، راه‌اندازی جنگی تمام عیار علیه ملت بود که به مدت هشت سال تمام سرمایه‌های مملکت را هدف گرفت و علاوه بر خسارت‌های مادی فراوان باعث به شهادت رسیدن حدود سیصد هزار نفر از مردم کشور شد.

سومین برنامه آنان ترور مقامات و مسئولین کشور و نیز مردم عادی بود تا زمینه‌های جنگ داخلی را در کشور ایجاد کند. اما مهم‌تر از همه اینها، ترفندی است که دشمن پس از شکست در همه این عرصه‌ها به کار گرفت، یعنی تهاجم فرهنگی.

بیشتر بدانیم : این قسمت به شرح یکی از عبرت‌آموزترین حوادث تاریخ اسلام می‌پردازد. شکست مسلمانان در اندلس پیام‌های زیادی برای ما دارد. روش‌هایی که در آن روز توسط دشمنان برای ضربه زدن به مسلمانان به کار گرفته شد، امروزه نیز توسط نسل به جای مانده از آنان در حال به کارگیری است. ترویج بی‌بند و باری با استفاده از زنان هرزه، عرضه مشروبات الکلی، مشغول کردن جوانان به تفریحات ناسالم و ... نمونه‌هایی است که امروز نیز توسط دشمن دنبال می‌شود که اگر هوشیار نباشیم، خدای ناکرده ممکن است به همان سرنوشت اجداد خود دچار شویم.

شبیخون فرهنگی : خطرناک‌ترین حربه دشمن برای نابودی نظام اسلامی که با قوت و شدت تمام در حال اجراست، هجمه گسترده فرهنگی به دین و ارزش‌های دینی است. دشمنان که فهمیده‌اند ریشه این همه مقاومت از سوی ملت ایران، پابندی آنها به دین و ارزش‌های دینی است، در آخرین گام برای مقابله با جمهوری اسلامی، جنگ گسترده‌ای را برای کم رنگ کردن اعتقادات مردم شروع

کرده‌اند و می‌دانند که اگر در این جنگ به پیروزی برسند و مردم اعتقادات خود را از دست دهند، دیگر حاضر نخواهند بود تا با جان و مال خود در برابر آنها بایستند.

نکته مهم در این بخش درس این است که سعی شده با بیان سؤال‌های چالش برانگیز و قابل تأمل، دانش‌آموزان خود به حقیقت این تهاجم پی ببرند. نقش دبیران در این قسمت فراهم آوردن زمینه‌های لازم در کلاس برای پاسخ به این سؤالات توسط خود دانش‌آموزان است. از آنان بپرسید که واقعاً دشمنی که حتی داروی بیماران صعب‌العلاج را بر ما تحریم می‌کند و باعث مرگ ده‌ها نفر از هم وطنان می‌شود، دلسوز ماست که این همه برنامه تفریحی رایگان در ماهواره برای ما تولید می‌کند؟ آیا کشورهایی که به ما گندم نمی‌دهند تا کاری کنند که مردم این کشور از گرسنگی بمیرند، دلشان برای شادی و سرگرمی ما سوخته است که حاضرند ده‌ها شبکه رایگان را برای ما ایجاد کنند؟ آیا آمریکایی که هر روز با وضع تحریم‌های جدید، زندگی را بر مردم سخت می‌کند، علاقه‌ای به ما دارد که این همه امکانات برای تأسیس برنامه‌های ماهواره‌ای برای ما خرج می‌کند؟

هر انسان تیزهوش گواهی می‌دهد که به یقین کسی که با تحریم هواپیما و گندم و دارو و... به دنبال مرگ و نابودی ماست حتماً در برنامه‌های تفریحی‌اش هم هدفی جز نابودی ما ندارد؛ نابودی دین، عقیده، ایمان و اخلاق ما. او می‌داند که مردمی که سرگرم برنامه‌های هرز و فاسد آنان شوند دیگر حاضر نیستند در راه دفاع از دین، از جان خود بگذرند و خود به خود سر تسلیم فرو می‌آورند. منتها آنها این سم خطرناک را درون غذای خوشمزه‌ای به نام ماهواره و اینترنت و فیلم و... ریخته‌اند تا کسی متوجه باطن مرگ آفرین آن نشود.

فعالیت کلاسی: در این فعالیت، دانش‌آموزان بایستی با همفکری دوستان خود، راه مقابله با نقشه‌های دشمن برای شکست ایران اسلامی را در عرصه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... توضیح دهند. مثلاً راه مقابله با ترفند دشمن در عرصه تهاجم فرهنگی، آگاهی از نقشه‌های آنان در این عرصه و نیفتادن در دام آنهاست. اگر بدانیم که ماهواره ابزار دشمن است، به راحتی آن را داخل خانه نمی‌آوریم، اگر بدانیم بسیاری از شبکه‌های اجتماعی که توسط دشمنان راه‌اندازی می‌شود، برای ترویج بی‌بند و باری و فساد است، محتاطانه با آن برخورد می‌کنیم. اگر بدانیم دشمن به دنبال تضعیف باورهای دینی ماست، در راه تقویت دین خود بیش از پیش تلاش می‌کنیم و ...

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، حسین فردوست
- ۲- دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی



درس چهاردهم

جهاد

هدف کلی

آشنایی با مفهوم جهاد و انواع آن
اهداف جزئی:

- آشنایی با اهمیت و جایگاه جهاد در قرآن
- آشنایی با جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی
- تبیین وظیفه همگان جهت کسب آمادگی برای دفاع از میهن

ضرورت درس

جهاد با دشمنان دین و میهن یکی از دستورات الهی است. اما از آنجا که این حکم همواره به ضرر دشمنان اسلام تمام شده است و جلوی نیل آنها به مقاصد شومشان را گرفته است، در صددند تا با القای برخی شبهات، ذهن مسلمانان را نسبت به این فریضه الهی مخدوش کنند و با تضعیف آن، جوامع اسلامی را نسبت به سرنوشت خود و دیگران بی تفاوت سازند، تا در نهایت بتوانند بدون کمترین هزینه‌ای این کشورها را زیر سلطه خود بکشند. از این رو، لازم است تا دانش‌آموزان با این حکم الهی و جنبه‌های مختلف آن آشنا شوند و به ضرورت و اهمیت آن پی ببرند.

محورهای اصلی درس

- ۱- فلسفه جهاد
- ۲- اهمیت جهاد در اسلام
- ۳- مجاهدان راه خدا در هر حال پیروزند
- ۴- انواع جهاد در اسلام: ابتدایی و دفاعی
- ۵- لزوم کسب آمادگی لازم برای دفاع از کشور

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

- ۱- چرا در دین ما تشویق به جهاد در راه خدا شده است؟
- ۲- جنگیدن در راه خدا چه جایگاهی در دین اسلام دارد؟
- ۳- آیا می‌شود کسی که در جهاد با دشمنان مغلوب شده است را پیروز نامید؟
- ۴- چند نوع جهاد وجود دارد؟
- ۵- آیا تشویق به جهاد در راه خدا باعث نمی‌شود که دیگران ما را جنگ طلب بدانند؟

تحلیل اجزای درس

ورودیه: یکی از شبهاتی که دشمنان به دنبال وارد کردن آن به ذهن نسل جوان جامعه اسلامی هستند، این است که دین اسلام به دلیل توجه زیادی که به مسئله جهاد نموده است، خشونت و جنگ را ستوده و از آن حمایت کرده است و از این طریق به دنبال القای این مطلب‌اند که اسلام حامی جنگ و خشونت است. این ورودیه با توجه به همین نکته این مسئله را به مخاطب یادآور شده است که با نگاهی گذرا به تاریخ، به خوبی می‌توان دید که همواره عامل جنگ‌ها و خونریزی‌ها همین افراد و دولت‌های زورگو و مستبد بوده‌اند، که به دلیل قدرت طلبی از حد خویش تجاوز کرده و سعی در غارت ملت‌های دیگر داشته‌اند. بنابراین اگر جنگی هم هست، آتش آن توسط همین زورگویان برافروخته شده است.

بسیار در واقع همین قدرت‌های ظالم و زورگو عامل این همه جنگ و غارت‌اند نه دین اسلام. نکته دومی که در این ورودیه بیان شده است، تبیین فلسفه جهاد به زبان ساده است. در اینجا گفته شده است که به نظر شما اگر چنین افراد مستبندی به ما حمله کنند وظیفه ما چیست؟ آیا می‌توان دست روی دست گذاشت و از خود دفاع نکرد؟ به یقین هر کسی این حق را بر خود مسلم

می‌داند که در برابر متجاوزان بایستند و از خود و دین و ناموسش دفاع کند. این دقیقاً همان چیزی است که اسلام به آن توصیه کرده است. یعنی در برابر متجاوز ایستادن و از حق خود دفاع کردن. بنابراین جهادی که اسلام از آن سخن می‌گوید چیزی جز تأکید بر حقوق مسلم انسان‌ها در دفاع از خود نیست.

جهاد در اسلام : در این بخش سه نکته مهم مورد توجه قرار گرفته است.

اول، اهمیت فراوان جهاد در دین اسلام است، به طوری که حدود یک صد آیه از آیات قرآن به این مسئله اختصاص یافته است، که نشان دهنده جایگاه والای این عمل است.

دوم اینکه جهاد در راه خدا همچون معامله انسان با خداست. در این معامله انسان فروشنده است و خداوند خریدار و آنچه که به فروش می‌رسد جان انسان است و آنچه که در بهایش پرداخت می‌شود بهشت الهی است و سند این معامله نیز کتاب‌های آسمانی است، چرا که طبق آیه ذکر شده در درس، این معامله در تورات و انجیل و قرآن به ثبت رسیده است. در قرآن از این معامله به‌عنوان فوز عظیم یاد شده است. و چه چیز بالاتر از اینکه انسان جان خود را به خدا بفروشد و در ازای آن بهترین پاداش، یعنی بهشت الهی را دریافت کند.

سوم اینکه با توجه به آیه، کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، همیشه پیروز است، چه کشته شود و چه غلبه کند زیرا در هر دو صورت به پاداش عظیم الهی می‌رسد.

انواع جهاد :

جهاد دفاعی : در این قسمت توجه به چند نکته لازم است :

۱- جامعه‌ای که به دستورات اسلام عمل می‌کند بیش از دیگران در خطر حمله دشمنان قرار دارد؛ زیرا قدرت‌های استعمارگر می‌دانند که اسلام همواره باعث بیداری ملت‌ها و اتحاد آنان علیه ظلم و زور است، برای همین همیشه سعی دارند تا این گونه جوامع را از سر راه خود بردارند. پس جامعه اسلامی همیشه باید آماده مقابله با این تهدیدات باشد.

۲- با توجه به نکته قبل، دشمنان اسلام که به خوبی از تأثیرات دین اسلام بر پیروان خود باخبرند، برای آنکه جلوی رشد روز افزون دین اسلام را در میان سایر ملل بگیرند، سعی دارند چهره آن را در میان سایر جوامع مخدوش نشان دهند. برای همین سعی می‌کنند این دین را خشن و حامی جنگ معرفی کنند. در پاسخ به این ادعای آنان باید این نکته را به مخاطبان گوشزد کرد که ؛

اولاً ریشه بسیاری از جنگ‌هایی که به اسم مسلمانان در عراق، سوریه، افغانستان و... در حال وقوع است به خود این قدرت‌ها برمی‌گردد زیرا امروزه به خوبی مشخص شده است که

به وجود آورندگان گروه‌های افراطی در منطقه، آمریکا و متحدانش هستند.

دوم اینکه، کسانی مسلمانان را به خشونت طلبی متهم می‌کنند که از بدو شکل‌گیری حکومت‌های خود دائم در حال جنگ و کشتار بی‌گناهان بوده‌اند. کافی است نگاهی به پرونده این افراد، در جنگ با سرخ پوست‌ها که مالکان اصلی قاره آمریکا بوده‌اند، بیندازیم و یا به پرونده سیاه برده‌داری سری بزنیم و یا ببینیم که چه کسانی دو جنگ بزرگ جهانی را به وجود آوردند.

جهاد با سرکشان : این جهاد، نوعی از جهاد دفاعی است. جهادی که دشمن آن نه در بیرون مرزها بلکه از درون کشور دست به آشوب و جنگ می‌زند. اگر در داخل کشور اسلامی گروهی توطئه کنند، آرامش جامعه را برهم زنند، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و یا با تخریب و ترور در صدد براندازی حکومت اسلامی برآیند، بر حکومت واجب است تا اگر با گفت و گو و نصیحت نتوانست این افراد را از اقدامات خود باز دارد، از قدرت نظامی استفاده کند. جنگ با گروهک‌های تروریستی، اشراک، گروه‌های جدایی طلب و... نمونه‌هایی از این جهاد است.

جهاد ابتدایی : در این قسمت باید این نکته از سوی دبیران مورد تأکید قرار گیرد که اسلام هرگز برای کشورگشایی و گرفتن اراضی و استثمار مردم و تحمیل عقاید و فرهنگ‌ها دستور جهاد نمی‌دهد. اما اگر مردمی در جهل و نادانی باشند و یا در فقر و محرومیت و خفقان زندگی کنند و ستمگران دسترنج‌شان را چپاول کنند، در چنین وضعی سپاه اسلام وظیفه دارد به یاری این محرومان بشتابد و آنان را از چنگال ظالمان نجات دهد. البته تنها کسی که اجازه چنین حکمی را داشته و یا دارد پیامبر، امامان و یا ولی مسلمین است (در خصوص شرایط و ویژگی‌های ولی مسلمین در درس هفتم مطالبی بیان شد).

فعالیت کلاسی : موارد یک، چهار و پنج، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی است و موارد دو و سه به جهاد با سرکشان اشاره دارد، که البته خود این جهاد نیز زیر مجموعه جهاد دفاعی است.

کسب آمادگی برای دفاع : با توجه به توطئه گسترده‌ای که قدرت‌های استعمارگر و زورگو علیه جوامع اسلامی دارند لازم است تا حکومت‌های اسلامی همواره در نهایت آمادگی برای دفاع از خویش باشند. هرچه میزان آمادگی بیشتر باشد، احتمال تهدید دشمن نیز کمتر است. پس لازم است که کشور تا آنجا که می‌تواند به ابزارهای دفاعی پیشرفته تجهیز شود.

فعالیت کلاسی : دانش‌آموزان با توجه به محتوای درس می‌توانند به وظایف خود و دیگران برای بالابردن توان دفاعی کشور اشاره کنند. ممکن است دانش‌آموزی به‌وظیفه علم‌آموزی اشاره کند تا در سایه آن بتوان در کشور تجهیزات لازم را برای دفاع از میهن تولید کرد. ممکن است

دانش آموزی به خدمت سربازی اشاره کند و آن را برای تک تک افراد به منظور یادگیری مهارت های نظامی لازم بداند، همچنین می توان با توجه به مطالبی که در کتاب آمادگی دفاعی آموزش داده شده است، به ذکر نمونه هایی از این کتاب پرداخت.

منابع برای مطالعه بیشتر

جهاد، مرتضی مطهری، نشر صدرا



مسلان محترم و صاحب نظران گرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب این کتاب از

طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴، ۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

ارسال نمایند. talif@talif.sch.ir

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری